



فصلنامه مطالعات ایلام شناسی

فصلنامه ی علمی تخصصی باستان شناسی * شماره ی ۱۲ * سال سوم * پائیز ۱۳۹۸

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: دکتر حبیب اله محمودیان

سر دبیر: دکتر سیاوش یاری

مدیر اجرایی: مهندس آزاده محمودیان

مشاور: دکتر رضا خانی

ویراستار فارسی: حسن افشار

ویراستار انگلیسی: دکتر پرینسا پورمحمدی

صفحه آرا: معصومه صفایی نیا

شماره پروانه: ۷۸۸۰۹ - ۱۳۹۵/۱۰/۶

ناشر: انتشارات زاگرو

شمارگان: ۵۰۰

بهاء: ۳۰۰۰۰ تومان



نشانی فصلنامه: ایلام، خیابان اشرفی اصفهانی، کوچه سوم، پلاک ۳۱۷

کدپستی: ۶۹۳۱۸۵۸۳۱۵ - تلفن: ۳۳۳۳۴۳۱۸ --- ۰۸۴

habibmahmoodian@yahoo.com

پست الکترونیک:

Ilamzagro@Gmail.com



هیئت تحریریه:

دکتر رضا احمدی

رشته ی تخصصی: جنگلداری

دکتر پریسا پورمحمدی

رشته ی تخصصی: باستان شناسی

دکتر اردشیر جوانمرد زاده

رشته ی تخصصی: باستان شناسی

دکتر شاهین حیدری

رشته ی تخصصی: معماری- انرژی

دکتر حاجی کریمی

رشته ی تخصصی: هیدرو ژئولوژی

دکتر رضا خانی

رشته ی تخصصی: زبان و ادبیات انگلیسی

دکتر علی خاکی

رشته ی تخصصی معماری سازه

دکتر لیلا خسروی

رشته ی تخصصی: باستان شناسی

دکتر سهیلا درویشی

رشته ی تخصصی: باستان شناسی

دکتر فرنگیس درویشی

رشته ی تخصصی: باستان شناسی

داوران این

شماره:

دکتر سیاوش باری

دکتر حبیب شهبازی شیران

دکتر لیلا خسروی

دکتر اردشیر جوانمرد زاده

دکتر خداکرم مطاهری

دکتر سهیلا درویشی

دکتر حاجی کریمی

دکتر علی خاکی

دکتر ناصر راد

رشته ی تخصصی : روابط بین الملل

دکتر مسعود شادمان

رشته ی تخصصی : علوم تاریخ، تمدن ملل

دکتر حبیب شهبازی شیران

رشته ی تخصصی: باستان شناسی

دکتر غلامحسین کریمی دوستان

رشته ی تخصصی: زبان شناسی

دکتر حبیب اله محمودیان

رشته ی تخصصی : باستان شناسی

دکتر ابراهیم مرادی

رشته ی تخصصی : باستان شناسی

دکتر خداکرم مظاهری

رشته ی تخصصی : باستان شناسی

دکتر لیلی نیاکان

رشته ی تخصصی : باستان شناسی

دکتر سیاوش یاری

رشته ی تخصصی : تاریخ اسلام

فهرست مندرجات

صفحه	عنوان
۵	ویژگیهای کلی مقاله
۸	بررسی تحولات باستان‌شناختی شهرسیروان در دوران تاریخی
۸	دکتر حبیب‌اله محمودیان
۲۸	مطالعه و بررسی ویژگی‌ها و مشخصات خشت‌های رنگین و آجرهای لعابدار دوران ایلامی
۲۸	دکتر لیلی نیاکان
۶۷	روابط تمدن ارتا با تمدن‌های شرق بین‌النهرین و حوزه رودخانه کرخه
۶۷	دکتر پریسا پورمحمدی
۷۸	بررسی مدیریت یکپارچه آثار تاریخی، امکان‌سنجی سیستم اطلاعات مکانی
۷۸	محمدجواد خانزادی، دکتر امید علی عادل،
۹۵	بررسی ویژگی‌های معماری و باستان‌شناختی قلاع تاریخی آبدانان
۹۵	آزاده محمودیان، زینب لطفی
۱۱۶	رازماندگاری مراکز دادوستد در بافت معماری سنتی شهرهای ایران
۱۱۶	دکتر ناصر راد
۱۲۸	چکیده انگلیسی مقالات

ویژگی های کلی مقاله

مقاله باید نتیجه ی تحقیقات نویسنده (نویسندگان) باشد.

مقاله نباید در نشریه ی دیگری منتشر شده باشد

چاپ مقاله، منوط به تأیید نهایی هیئت تحریریه ی فصلنامه است.

پذیرش مقاله برای چاپ، پس از تأیید هیئت داوران خواهد بود.

مسئولیت مطالب و محتوای مقاله بر عهده ی نویسنده (نویسندگان) است.

مجله در ویرایش ادبی و فنی مقاله بدون تغییر محتوای آن آزاد است.

مقاله نباید از ۲۰ صفحه ی استاندارد فصلنامه بیشتر باشد.

نام کامل نویسنده، مرتبه ی علمی، دانشگاه محل تدریس یا تحصیل، رشته ی تحصیلی و شماره تلفن نویسنده در صفحه ی جداگانه ای ضمیمه شود.

ارسال مقاله تنها از طریق ایمیل فصلنامه ی مطالعات ایلام شناسی امکان پذیر است.

عناوین جدولها، تصویرها، نقشه ها، طرح ها و نمودارها با ذکر شماره در زیر آورده شود.

ساختار مقاله

مقاله باید دارای ساختار زیر باشد: چکیده، مقدمه، متن اصلی، نتیجه گیری، پی نوشت، منابع و چکیده ی انگلیسی.

عنوان: نام کلی مقاله، به نحوی که گویا و بیانگر محتوای مقاله باشد.

مشخصات نویسنده: شامل نام و نام خانوادگی، مرتبه ی علمی، رشته ی تحصیلی، دانشگاه محل تدریس و یا تحصیل وی باشد.

چکیده: شرح جامعی از مقاله با واژه های محدود؛ شامل: بیان مسأله، هدف، روش تحقیق و یافته های پژوهش. لازم به ذکر است چکیده ی مقاله نباید از ۲۰۰ واژه (۱۲ سطر) بیشتر باشد.

واژه های کلیدی: شامل ۴ تا ۷ واژه ی تخصصی است که دارای اهمیت باشد.

مقدمه: شامل طرح مسأله ی اصلی و هدف پژوهش است؛ در این بخش باید به اجمال، سوابق پژوهشی در حیطه ی مسأله ی مورد نظر مطرح شود.

متن اصلی: شامل متن اصلی مقاله است و می تواند با جدول، تصویر و نمودار و... همراه باشد.

نتیجه گیری: شامل خلاصه و نتیجه گیری است.

پی نوشت: توضیحات ضروری که پس از نتیجه گیری می آید.

منابع: فهرست نویسی ارجاعات مقاله بر مبنای شیوه نامه ی مجله.

چکیده ی انگلیسی: چکیده ی انگلیسی باید عیناً ترجمه ی چکیده ی فارسی باشد.

شیوه ی تنظیم متن: مقاله باید با قلم (فونت) B zar و اندازه ی ۱۳، فاصله بین خطوط ۱،۱۵ (single) و در فرمت word نوشته شده باشد.

چکیده، واژه های کلیدی، منابع، ارجاعات داخل پراوتر، شعرها و هر مطلبی که درون پراوتر بیاید، باید با اندازه ی ۱۱ نوشته شود.

نقل قول های مستقیم بیش از پنج سطر، جدا از متن اصلی و با همان قلم ولی با اندازه ی ۱۱ نوشته شود.

شیوه ی ارجاع به منابع

ارجاعات مندرج در مقاله، مستند و مبتنی بر منابع معتبر باشند. ارجاع داخل متن شامل: نام خانوادگی نویسنده، سال چاپ اثر: شماره ی صفحه یا صفحات. مثال فارسی: (نگهبان، ۱۳۷۶: ۵۴)، لاتین: (Smith 1999: 33). **ارجاع به اسناد تاریخی:** عنوان سند، شماره ی طبقه بندی و دسترسی، نام آرشیو کتاب. **ارجاع به کتاب در قسمت منابع پایانی:** نام خانوادگی مؤلف، نام مؤلف، تاریخ نشر، عنوان کتاب، نام و نام خانوادگی مترجم یا مصحح، جلد، نوبت چاپ، نام ناشر، محل نشر.

ارجاع به مقاله: نام خانوادگی مؤلف، نام مؤلف، تاریخ نشر اثر (داخل پراوتر)، عنوان مقاله ی مورد استفاده (داخل گیومه)، نام و نام خانوادگی مصحح یا مترجم، عنوان اصلی دانشنامه یا فصلنامه و مجله، دوره یا سال انتشار، شماره ی صفحات مقاله.

ارجاع به پایان نامه: نام خانوادگی مؤلف، نام مؤلف، سال دفاع (داخل پراوتر)، عنوان رساله، مقطع دفاع شده، نام و نام خانوادگی استاد راهنما، نام دانشگاه و دانشکده ی محل تحصیل.

ارجاع به سایت های اینترنتی: نام خانوادگی مؤلف، نام مؤلف، تاریخ درج مطلب در وبگاه (درون پراوتر)، عنوان مقاله یا اثر (داخل گیومه)، نشانی الکترونیکی وبگاه.

منابع مقاله به صورت الفبایی و براساس نام خانوادگی مؤلف تنظیم شود؛ منابعی که در پایان مقاله ذکر می شود، همان منابعی باشند که در داخل متن استفاده شده است.
عنوان کتابها و مقالهها در منابع پایان مقاله به طور کامل ذکر شود. منابع غیرفارسی، پس از منابع فارسی آورده شود. **توجه:** تمام مقالات دریافتی، توسط دو داور، داوری خواهند شد.

بررسی تحولات باستان شناختی شهر سیروان در دوران تاریخی

دکتر حبیب اله محمودیان^۱

چکیده

بر اساس اظهار نظر مورخان، سیاحان، جغرافی نویسان و برخی باستان شناسان ویرانه های واقع در روستای سراب کلان واقع در شهرستان سیروان از توابع استان ایلام منسوب به شهر باستانی سیروان^۲ مرکز ایالت ماسبذان بوده است. هر چند در سال های اخیر اکثر اطاق ها و دیگر بناهای باقیمانده از این شهر باستانی به دلایل مختلف ویران شده ولی بررسی سبک معماری و مصالح به کار رفته در بناهای این سکونتگاه، خصوصاً ویژگی های بناهای دو طبقه، اطاق های تو در تو، دیوارهای سنگی مستحکم و طاق های قوسی آن از اهمیت خاصی برخوردار است.

این شهر باستانی از جمله ده ها محوطه و ناحیه باستانی است که در اکثر نواحی استان ایلام و در دره ها و دشت های میان کوهی حاشیه ی غربی زاگرس ملاحظه می شود. سیروان یکی از مراکز سکونت انسان ها در دوران گذشته بوده که از منظر سبک معماری با شهر باستانی صیمره «دره شهر فعلی» از هر نظر قابل مقایسه است. در این مقاله تلاش شده تا مشخصات و ویژگی های معماری این شهر تاریخی مورد بررسی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: سیروان، تل سیروان، بنای حکومتی، برج گی، بانکول، سراب کلان.

^۱ - دانش آموخته رشته باستان شناسی پیش از تاریخ ایران

^۲ - Sirwan

موقعیت: این شهرستان در یک منطقه کوهستانی قرار گرفته و دارای دشت های میان کوهی است. کوه های لنه^۳ و چرمین^۴، سروان را از شهرستان چرداول جدا ساخته است. مهم ترین عارضه طبیعی در شرق این شهرستان رودخانه پر آب و دائمی سیمره است که مرز طبیعی سروان و چرداول با استان لرستان را تشکیل می دهد. لذا منطقه سروان در طول دوران های تاریخی دارای موقعیت مناسبی بوده است. وجود آثار متعدد از سکونتگاه ها، قلعه ها، پل ها و محوطه های باستانی دلیل بر این مدعی است.

این شهرستان از سمت شمال به شهرستان چرداول، از جنوب به شهرستان دره شهر، از غرب به شهرستان ایلام و از شرق به استان لرستان محدود است. مرکز شهرستان سروان شهر لومار است که در نزدیکی رودخانه ی سیمره قرار دارد. شهرستان سروان شامل دو بخش مرکزی و کارزان است و ۶۴۹ کیلومتر مربع مساحت دارد. لومار تنها منطقه ی شهری این شهرستان است.

پوشش جنگلی: درختان بلوط پوشش جنگلی ارتفاعات غربی و جنوبی منطقه را تشکیل داده است. گونه های ون، زالزالک و کیکم در ارتفاعات این شهرستان رویش دارند. ارتفاعات غربی شهرستان دارای پوشش جنگلی متراکم بلوط و از ذخیره گاه های مهم این گونه جنگلی در زاگرس غربی است.

ناحیه ی کوهستانی مانشت: این ناحیه شامل چند رشته کوه به هم پیوسته است که بلندترین قله ی آن مانشت است که بیش از سه هزار متر از سطح دریا ارتفاع دارد. ادامه ی مانشت به نام کوه "بانکول" معروف است که مرز طبیعی شهرستان های سروان، چرداول و ایوان را تشکیل می دهد.

^۳-Leneh

^۴-Charmin

رودخانه‌ها :

رود مهم این شهرستان سیمره نام دارد که در بخش شرقی سیروان جریان دارد و مرز طبیعی سیروان با استان لرستان را تشکیل داده است (محمودیان، ۱۳۹۵: ۳۸). کارزان دیگر رودخانه ی این شهرستان است که از ارتفاعات ناحیه ی شمال غربی سیروان سرچشمه گرفته و در جهت غرب به شرق در مسیر دره ی سیروان جریان دارد.

اما شکل گیری شهر باستانی سیروان در حاشیه ی رود سیروان بوده که از دامنه ی کوه سیوان و بلندی‌های مشرف بر شهر باستانی سیروان سرچشمه گرفته و در جهت غرب به شرق در دشت حاصلخیز سیروان امتداد دارد . این رود خانه موجب آبادانی منطقه و توسعه ی فعالیت‌های کشاورزی شهرستان سیروان شده است. تپه پیش از تاریخ سیروان (تل سیروان) و ده ها مکان و محوطه ی باستانی در این محدوده از دوران مختلف تاریخی برجای مانده است.

اقلیم: قسمت عمده‌ای از شمال و شمال غربی شهرستان ، کوهستانی است و از آب و هوای معتدل کوهستانی برخوردار است. اقلیم منطقه‌ی جنوب شرقی شهرستان سیروان نسبتاً گرم می باشد. بنابراین ، شهرستان سیروان دارای آب و هوای معتدل کوهستانی است.

جاده ها و ایل راه های باستانی

از شهر باستانی سیروان در روستای سراب کلان جاده های مهم باستانی به سمت نواحی مختلف و سرزمین های هم جوار امتداد یافته است.

راه سیروان به صیمره: از روستای سراب کلان(سیروان) یک راه باستانی در حاشیه ی رودهای سیروان و سیمره در جهت غرب به شرق به سمت روستای رودبار عرب واقع در نزدیکی تنگ برنجان امتداد دارد. این راه از نواحی بوربور، شوراب خانعلی، ورگچ،

سَرکان، سیاه سیاه، چم گرداب، ظهیری و چم جنگل می‌گذرد و وارد چم ریته و چم شیر رودبار در کنار سیمره می‌شود. به گفته‌ی اهالی روستای چم شیر یک بنای ساخته شده از سنگ و گچ در کنار سیمره وجود داشته و احتمالاً پلی بوده که این محوطه را به منطقه‌ی طرحان در شرق این ناحیه وصل کرده است. در حال حاضر، به علت تغییر مسیر رودخانه و فرسایش طبیعی، اثری از آن باقی نمانده است.

راولینسون، مسیر سیروان به رودبار را پیموده است و در سفرنامه‌ی خود به آثار شهری در رودبار اشاره کرده و نوشته است: «... در این جا آثار شهر نسبتاً بزرگی موسوم به رودبار (که شباهت زیادی به سیروان دارد) یافت می‌شود. احتمالاً این، همان شهر رویدبر (احتمالاً شهر باستانی رودبار) است که "بنیامین تودله" از آن نام برده، و یادآور شده که ۲۰ هزار خانوار یهودی در آن سکونت داشته‌اند» (راولینسون، ۱۳۶۲: ۶۰). راولینسون به راه رودبار به طرف بان‌پرور و لارت نیز اشاره کرده و نوشته: «به نظر من، راه سیروان به لارت یکی از دشوارترین گذرگاه‌ها بین کوه‌های زاگرس و جلگه‌ی سوسیان است؛ اما با این حال، عبور کالسکه از آن امکان‌پذیر است» (همان، ۶۲). سراورل استین نیز راه رودبار به سیروان را پیموده است. ابن حوقل در سفرنامه‌ی خود می‌نویسد: «از دینور تا سیمره پنج منزل و از دینور تا سیروان چهار منزل و از سیروان تا سیمره یک روز، و از لور تا کرج شش منزل.» [است] (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۰۵).

فریا استارک نویسنده‌ی انگلیسی نیز از این منطقه دیدن کرده و به آثار تاریخی آن اشاره داشته است: «از منطقه‌ی بان‌پرور این راه به دو شاخه تقسیم می‌شود؛ یکی راه غربی است که از معبر کوهستانی کبیرکوه (میمه راه) می‌گذرد و به سمت بین‌النهرین امتداد می‌یابد و دیگری راه جنوب شرقی است که از دامنه‌ی کبیرکوه از طریق پشته‌های

کبیرکوه مسیری را طی نموده و به شهر باستانی صیمره متصل می‌گردد.» (استارک، ۱۳۶۴: ۱۱۸)

حمید ایزدپناه نوشته است: «راه غرب به شرق در ایالت ماسبدان دو شعبه می‌شده است. راه شمالی به حلوان و راه شرق به سیروان منتهی گردیده است. از سیروان این راه نیز دو شعبه می‌شده:

۱. راهی که به ولایت مهرجان قذق و مرکز آن شهر صیمره یا دره شهر فعلی می‌رفت. (غرب رودخانه صیمره)؛

۲. شعبه‌ی دوم از سیروان به سمت شرق و به جانب طرحان جدا می‌گردید (شرق رودخانه‌ی صیمره). این راه نیز از چرداول و بیژن‌وند (بیجنوند) و پل چهارچشمه ای که در عهد ساسانیان بر روی صیمره ساخته شده عبور می‌کرده و به طرحان منتهی می‌شده است (ایزدپناه، ۱۳۶۳: ۵۸).

راه سیروان به طرحان و هلیلان: یکی از راه‌های مواصلاتی سیروان به سمت طرحان، در همان مسیر سیروان به رودبار امتداد می‌یابد. در رودبار، راه شرقی با عبور از رود صیمره به منطقه‌ی طرحان اتصال می‌یابد.

راه‌های سیروان به نواحی غربی و بین‌النهرین: با توجه به شرایط اقلیمی و موقعیت ناهمواری‌ها و ارتفاعات نسبتاً بلند و صعب‌العبوری که در حاشیه‌ی غربی شهر باستانی سیروان به صورت دیواری منظم قرار گرفته است، به احتمال زیاد نزدیک‌ترین و مناسب‌ترین راهی که توانسته این شهر باستانی را به نواحی غربی این منطقه‌ی کوهستانی و اقوام ساکن آن و در نهایت با شهرهای بین‌النهرین مرتبط سازد، راهی است که از غرب روستای سراب کلان به سمت نواحی مذکور امتداد می‌یابد. جهت این مسیر، شرق

به غرب بوده و از روستای حسن گاوداری گذشته و از معبر «مله گون»^۵ در حد فاصل دو قلعه‌ی کوه سیوان^۶ و قلارنگ^۷ عبور می‌نماید. نزدیکی راه و تنها معبر ارتباطی و نیز وجود آثار متعددی که در این مسیر وجود دارد این نکته را ثابت می‌کند. این جاده‌ی مالرو در گردنه‌ی «مله گون» از کنار قلعه‌ی سنگی هیزدر^۸ به سمت نواحی ایلام فعلی ادامه می‌یابد. به نظر می‌رسد راه دیگری از دامنه‌ی غربی مله گون به سمت روستاهای طولاب^۹ و داروند^{۱۰} از مناطق بخش سیوان^{۱۱} (سرچشمه‌ی رود گل گل)، وجود داشته که به سمت محدوده‌ی سنگ‌نوشته‌ی آشوری واقع در شهرستان ملکشاهی، و از آنجا به سوی منطقه‌ی باستانی کان گنبد امتداد یافته است. در این مسیر، آثاری وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها قلعه‌ی هیزدرو غارهای بره زرد^{۱۲} و چهل ستون را می‌توان نام برد. این راه ارتباطی از طریق شهرستان‌های ملکشاهی و مهران به سمت شهر زرباطیه در بین‌النهرین (عراق فعلی) امتداد می‌یابد.

راه **سیروان به ایوان**: این جاده از سیروان به کارزان در کوهپایه‌های قلعه‌ی معروف مانشت امتداد یافته، و از طریق راه معروف به «کاروانه»^{۱۳} (از ارتفاعات بانکول می‌گذرد و راهی کوهستانی است) وارد دشت میان‌کوهی ایوان و سراب رود گنگیر می‌شود.

۵- Mela Gawen

۶- Saywân

۷- qelrârang

۸- Hizderr

۹- Tulâb

۱۰- Darvand

۱۱- Mish Khâs

۱۲- Barazard

۱۳- kârvâna

دره‌ای که راه کاروانه از آن عبور می‌کند، به «دَرَوَن وِیله مانشت»^{۱۴} معروف است. از سراب ایوان دو شبکه‌ی ارتباطی منشعب می‌شود؛ یکی راه جنوبی است که از گردنه‌ی گله‌جار عبور کرده و در منطقه‌ی چوار به راه باستانی ایلام به سومار وصل شده است. دیگری راه اصلی و مهمی است که در دشت ایوان، در حاشیه‌ی رود گنگیر از طریق راه سنگ‌فرش معروف به «هوله‌ره»^{۱۵} (کوچ‌رو) امتداد یافته است. راه هوله‌ره از کنار تپه‌ی "مامه‌زمان نرگسی"^{۱۶} گذشته، و به منطقه‌ی زرنه^{۱۷} در شمال غربی ایوان وصل می‌گردد این جاده‌ی باستانی پس از طی مسافتی از محدوده‌ی چند منطقه‌ی تاریخی می‌گذرد و در نهایت به سومار در مرز با کشور عراق متصل می‌شود. هم‌چنین، راه دیگری از این شبکه، در روستای نرگسی ایوان جدا شده و در جهت شمال به جنوب، از ارتفاعات شره‌زول عبور می‌کند و به ایل‌راه باستانی معروف به «خیله ری»^{۱۸} در منطقه بان حاجی در بخش چوار ایلام وصل شده و در نهایت از طریق راه معروف به «شرفه‌ری»^{۱۹} به راه‌های اصلی منطقه به سمت بین‌النهرین متصل می‌شود.

به نظر می‌رسد این راه باستانی از شاخه‌ی اصلی جاده‌ی شاهی یا شاهراه باستانی شوش به شمال عراق و غرب آسیای صغیر باشد. راولینسون در سفرنامه‌ی خود به راه کاروانه اشاره کرده و نوشته: «این راه از ارتفاعات امتداد یافته و پس از گذشتن از گردنه‌ای صعب‌العبور، به طرف دشت کارزان، سپس، در امتداد رودخانه‌ی (احتمالاً سیروان) به سوی زنگوان سرازیر می‌شود» (راولینسون، ۱۳۶۲: ۵۱). او هم‌چنین نوشته است: «جاده‌ای که از

14 -Darvan-e velahe Manesht.

هوله ره: هوله در اصطلاح محلی یعنی کوچ رو و (ره) همان راه می‌باشد. ^{۱۵}

۱ -Nargesi

۲ - Zarnah

۱۸ -khêfarrê

۱۹ - sharafarrê

این منطقه (ماسبدان) می گذشته... یکی از راه های مهم ارتباطی دنیای باستان بوده است...» (همان: ۵۱).

پیشینه ی تاریخی

منطقه سیروان با اراضی مستعد کوهپایه ای به واسطه ی وجود شهری قدیمی به نام سیروان، در زمان ساسانیان، قرون اولیه ی اسلامی به ویژه در دوره ی خلفا بسیار آباد و معروف بوده است. روستای سراب کلان بر روی خرابه ی شهر باستانی سیروان ساخته شده است.

پیش از تاریخ سیروان: بررسی های تاریخی نشان می دهد شهرستان سیروان در دوران پیش از تاریخ دارای استقرار بوده است. ویژگی های جغرافیایی منطقه (منابع آب، پوشش جنگلی، اقلیم مطلوب به ویژه وجود غار ها، و پناهگاه های طبیعی) شرایط زندگی انسان در دوران پیش از تاریخ را دارا بوده است. سایت های باستانی حاشیه رود خانه ی سیمره، تل سیروان، محوطه باستانی چگاه خمی ورمیان، گورستان باستانی کلان سنگ زاغه کارزان (آهنگران)، محوطه های شناسایی شده در دره ها و دامنه های قله مانشت، مکان های استقرار رودبار، تپه های متعدد حوزه ی لومار و نیز ده ها محوطه باستانی در مناطق سیروان، موقعیت تاریخی و باستان شناختی این منطقه را نشان می دهد. مطالعه و بررسی گورستان ها و محوطه های شناسایی شده، استقرار های دوران برنز و آهن را نیز در این منطقه تأیید می نماید. یافته های کاوش ها و بررسی های باستان شناسی سال های اخیر در سایت های پشت سد سیمره (در حدفاصل لومار تا رودبار عرب و در دوسوی رودخانه ی سیمره در استان های ایلام و لرستان) نیز بخشی از تاریخ تحولات فرهنگی این منطقه در دوران پیش از تاریخ تا دوره ی تاریخی است.

سیروان در دوره تاریخی: آثار متعلق به دوره ی تاریخی در شهرستان سیروان از تعدد و تنوع بر خوردارند. در بیشتر مناطق شهرستان آثار دوره ی پارسی و ساسانی به چشم می خورد، هرچند آثار شاخص دوره ی ساسانی و قرون اولیه اسلامی دارای فراوانی بیشتری است. براساس اسنادی که از مورخان، سیاحان و باستان شناسان به دست آمده، ویرانه های شهر باستانی سیروان در روستای سراب کلان منسوب به دوره ی ساسانی، نمونه مستندی از این دوره ی حکومتی است. هرچند در سال های اخیر بسیاری از اطاق ها و دیگر بناهای باقیمانده از این شهر باستانی به دلایل مختلف ویران شده؛ ولی بررسی انجام شده نشان می دهد سبک معماری و مصالح به کار رفته در بناهای این سکونتگاه با سایر بناهای دوره ی ساسانی در مناطق غرب ایران همخوانی دارد. مجموعه آثار تنگ ساز و بن، آثار تنگ شمشه و بقایای معماری در دیگر نواحی سیروان شامل قلاع تاریخی، آتشگاه ها، سازه های معماری مسکونی و... از دیگر آثار معماری این دوره است.

شهر باستانی سیروان

خرابه ی شهر باستانی سیروان در محدوده ی روستای سراب کلان و محوطه های پیرامونی آن بر جای مانده است. این روستا در دامنه ی شرقی کوه های مانشت و سیوان^{۲۰} قرار دارد. از شمال به روستای حسن گاوداری و مله ماران، از جنوب به کوه سیوان، از غرب به گردنه ی مله گون و از شرق به روستا های لَرینی و گوراب محدود می شود. دو قلعه ی قلا رنگ و سیوان در جنوب غربی سراب کلان خودنمایی می کنند و مله گون هم به صورت یک بریدگی در حد فاصل این دو قلعه مهم ترین معبر غربی سیروان به سمت ایلام و حاشیه ی غربی زاگرس است. قلعه ی سنگی «هیزدر» به عنوان یک قلعه ی

نگهبانی مشرف بر سیروان در گردنه‌ی مله گون از دوران گذشته باقی مانده است. رودخانه‌ی سیروان از روستای سراب کلان سرچشمه می‌گیرد و پس از طی مسافتی حدود هفت کیلومتر به رودخانه‌ی سیمره می‌پیوندد و مهم‌ترین رودخانه‌ی این منطقه به شمار می‌رود. آب فراوان، آب و هوای مطلوب و زمین‌های حاصلخیز شرایط مساعدی را برای زندگی و تمرکز جمعیت در دوران مختلف در این منطقه فراهم ساخته است. این مکان باستانی ۹۱۶ متر از سطح دریا ارتفاع دارد. براساس اسنادی که از مورخان، سیاحان و باستان‌شناسان به دست آمده سیروان از شهرهای مهم و مراکز جمعیتی آباد دوره‌ی ساسانی و قرون اولیه‌ی اسلامی است.

مشخصات معماری و شهرسازی

براساس گزارش‌ها و آثار مکتوب از جغرافی‌نویسان اسلامی و خاورشناسان، سیروان شهری مهم و معتبر بوده که در عصر ساسانیان رونق بیشتری داشته و تقریباً تا قرن چهارم هجری موقعیت خود را حفظ نموده است. بعد از دوره‌ی حکومت آل بویه به دلیل انتقال مراکز حکومتی از غرب ایران (بغداد، تیسفون، همدان) به نواحی شرقی ایران، اطلاعات مستندی در مورد سیروان و دیگر نواحی حاشیه‌ی غربی زاگرس در آثار مورخان دیده نمی‌شود. شاید این انتقال پایتخت‌ها موجب شده تا این که حدود ۱۰۰۰ سال سکوت تاریخی در نواحی غرب ایران خصوصاً در محدوده شهرهای باستانی سیروان و سیمره داشته باشیم. به هر حال اگر سیروان دارای موقعیتی بوده بر ما روشن نیست.

امروزه در سکوت ویرانه‌های این شهر می‌توان کیفیت شهرسازی و ذوق معماری عصر ساسانی را کاملاً بررسی کرد، هرچند این محوطه باستانی مورد بررسی علمی قرار نگرفته و کاوش‌های باستان‌شناسی در آن جا صورت پذیرفته است.

بنای حکومتی (قصر انوشیروان)

در وسط روستا مجموعه اطاق های به هم پیوسته ای به صورت تلی بزرگ مشاهده می شود که بر فراز آن پی اطاق های منظم مربع شکل طبقات بالایی ساختمان مشخص و معلوم می باشد. البته طبقه یا طبقات پایین هنوز سالم و پابرجا باقی مانده که به عنوان انبار و کاهدان مورد استفاده اهالی قرار گرفته است. این مجموعه که حدود ۱۵×۱۰ متر آن باقی مانده به صورت تعدادی اطاق تو در تو با طاق های قوسی و نیز مصالح سنگ رودخانه ای و ملاط گچ در وسط این روستا خودنمایی می کند.

یکی از معمرین محل می گفت در سال ۱۳۱۰ بیشتر ساختمان های دو طبقه که دارای زیرزمینی بودند سالم بوده و با استفاده از حدود ۲۰ پله ارتباط با طبقات پایین و زیر زمین امکان پذیر بود ولی امروزه بر اثر فرسایش نصفی از کف و فضای اطاق ها مملو از آوار بناهای تخریب شده و سنگ و کلوخ می باشد. در این محوطه اطاق ها از چهار جهت دارای درب خروجی است. این مجموعه به نام کاخ انوشیروان معروف است. کاوش های باستان شناسی می تواند وضعیت معماری این بنا در قسمت های پایین را نیز مشخص نماید.

راولینسون خرابه های سیروان را کامل ترین بازمانده ی یک شهر ساسانی به شمار آورده و نوشته است: «دیوار منازل عموماً عظیم و از سنگ و ملاط آهکی فوق العاده محکم (که از کوه های مجاور آورده شده) ساخته شده اند. تمام منازل، زیرزمینی دارند که آن هم شامل اتاق های هلالی مانند است... در میان خرابه های سیروان بازمانده ی بنایی عظیم موسوم به قصر انوسیروان مشاهده می گردد» (راولینسون، ۱۳۶۶: ۵۶). در گذشته بیشتر ساختمان های دو طبقه که دارای زیرزمین بودند، سالم بوده و با ۲۰ پله ارتباط با طبقات

پایین و زیر زمین امکان پذیر بود؛ ولی در سال های اخیر با توسعه ی روستا و ایجاد بناهای جدید ، بافت تاریخی سیروان تخریب شده است.

پل تاریخی: در مدخل غربی روستای فعلی سراب کلان در کنار پل جدید ، آثار پل قدیمی سیروان دیده می شود. این پل باستانی با بهره گیری از مصالح سنگ و گچ بر روی آبکند غربی روستا ساخته شده و احتمالاً آغاز مسیر راه سیروان به سمت گردنه ی مله گون و حاشیه ی غربی زاگرس بوده است.

آثار بناها: در وسط روستای سراب کلان و در قسمت شرقی ساختمان های به هم پیوسته ، آبکند و گودالی به عمق حدود چهارمتر ملاحظه می شود که تماماً آثار بقایای معماری دیوارها، اطاقها و دیگر بناهای مختلف است. وضعیت و کاربرد این بناها به دلیل حفاری های غیرمجاز نامشخص است و نیاز به بررسی دقیق علمی دارد.

مصالح این بناها تماماً از سنگ لاشه و قلوه سنگ های رودخانه ای است که با بهره گیری از ملاط گچ و گل ساخته شده اند. در ساخت دیوارها در این بخش نظم خاصی مشاهده نمی شود. عرض دیوارها در ساختمان اصلی ۱۲۰ سانتی متر است و طاق قوسی اطاقها در یک مورد (که مشخص بود) از ارتفاع ۱/۵ متری شروع شده است. معماری این آثار خشن بوده که سبک معماری دوره ی ساسانی است و فشردگی آنها نشانگر جمعیت زیاد شهر بوده است. در فاصله ی ۱۵۰ متری مجموعه ساختمان های دو طبقه ، یک واحد ساختمانی چهار اطاقه به صورت دالان هایی باریک در زیر زمین یکی از منازل روستاییان سالم باقی مانده است. این واحد به صورت چهارطاق منظم و در کنار هم ساخته شده و ابعاد آنها ۸×۲ متر اندازه گیری شده است. عرض دیوار حدفاصل اطاقها یک متر و طاق آنها هلالی است و با مصالح دیگر بنا های شهر باستانی هم خوانی دارد.

اسناد تاریخی

سیروان به دلیل موقعیت جغرافیایی، گردشگری، تاریخی و باستانی همواره و در طول تاریخ مورد توجه برخی از مورخان، جغرافی نویسان و باستان شناسان قرار گرفته و در خصوص اوضاع آن در آثار خود مطالبی به رشته تحریر در آورده‌اند

لستریخ نوشته است: «در باختر لر کوچک در مرز باختری عراق عرب دو ولایت ماسبدان و مهرجان قذق قرار دارد که مهم‌ترین آن‌ها سیروان و صیمره بوده و هنوز خرابه‌های آن دو شهر باقی است» (لستریخ، ۱۳۷۳: ۲۱۸). بلادزی در فتوح البلدان آورده است: «ابوموسی... خود به ماسبدان شد. اهل آن با وی جنگی نکردند و اهل سیروان نیز به همان شروط صلح دینور، صلح خواستند و جزیه و خراج پرداختند» (بلادزی، ۱۳۶۳: ۶۷). در مورد این شهر آمده است: «آبادی و خرابه‌های این شهر از گچ و سنگ و متعلق به دوره‌ی ساسانیان و عیناً نظیر دره شهر است... سیروان شهری عجیب و حالیه خرابه‌هایی از آن به جا مانده است». (کریمی، ۱۳۲۹: ۱۲۷)

مقدسی، ابن خردادبه، ابن فقیه، ابودلف مسعر، یاقوت، اصطخری، ابن واضح و ابن الاثیر از جمله کسان دیگری هستند که در مورد سیروان اظهار نظر کرده‌اند. واندنبرگ و اورل استین ویرانه‌های شهر سیروان را مورد بررسی قرار داده‌اند. به نوشته‌ی ابن خردادبه پایتخت ماسبدان شهر سیروان بوده است. ابن فقیه گفته است: قباد شاه ساسانی حکماء و اطباء به این شهر آورد. سراورل استین در سیروان ویرانه‌های ساختمان‌های دیگری از عهد ساسانیان کشف نمود. دومورگان می‌گوید: من فکر می‌کنم در تپه و تل سیروان ... خرابه‌های شهری از عهد ساسانیان را باز یافته‌ام، وی علت اولیه تأسیس شهر سیروان را چشمه پر آبی دانسته که در این محل جاری است و در اطراف این چشمه اولین بناها

بر پا شده‌اند و اکنون این چشمه به نام سراب کلان موسوم است. البته، دومی‌گان در فاصله سال‌های ۱۸۹۳-۱۸۹۶ دره شهر و سیروان را بررسی کرده است.

راولینسون نوشته است: «خرابه‌های سیروان (سیروان) کامل‌ترین بازمانده‌ی یک شهر ساسانی به شمار می‌آید. دیوار منازل عموماً عظیم و از سنگ و ملاط آهکی فوق‌العاده محکم از کوه‌های مجاور آورده شده ساخته شده‌اند. تمام منازل زیرزمینی دارند که آن‌هم شامل اطاق‌های هلالی مانند است.... در میان خرابه‌های سیروان بازمانده‌ی بنایی عظیم موسوم به قصر انوشیروان مشاهده می‌گردد» (راولینسون، ۱۳۶۲: ۵۶).

مؤلف حدود العالم سیروان را شهری آباد و خرم معرفی کرده است. به نوشته ابن حوقل: «سیروان شهری است کوچک که بناهای آن مانند شهرهای موصل و تکریت با سنگ و گچ ساخته شده است». سیروان در سال ۲۱ هجری به تصرف لشکریان ابوموسی در می‌آید. شرح این رویداد در کتاب کامل ابن الاثیر ثبت شده است.

دومی‌گان در مورد بناهای صیمره (دره شهر فعلی) نوشته است:

«خانه‌ها معمولاً مرکب می‌شوند از یک طبقه هم سطح زمین، طاق دار که با گچ اندود شده‌اند...» قلوه سنگ به کار برده در بناهای صیمره از کناره‌های رود صیمره و قلوه سنگ‌هایی که در ساختمان شهر سیروان مورد استفاده قرار گرفته شده از کناره‌های رود سیروان آورده‌اند. بیشتر گچ مورد استفاده در شهرهای سیروان و صیمره از کوه‌ها و تپه‌های اطراف که اکثراً سازنده آنها گچی است آورده شده است. سقف‌های بنا هر دو شهر یاد شده از قلوه سنگ و ملاط گچ به صورت گنبدی درآمده و یا با طاق‌های هلالی ساخته شده‌اند.

سیف‌اله کامبخش فرد، در مقاله خود تحت عنوان دره شهر در کتاب شهرهای ایران نوشته است: «در حال حاضر نشانه‌هایی از قوس‌ها و انحناهای طاق در این ویرانه‌ها به چشم می‌خورد و نیز سایه‌روشن‌هایی از عوارض خیابان بندی و کوچه‌ها و سیستم شبکه ارتباط شهری در این بافت مشهود است... در خیلی موارد طاق‌های جناقی حاکی از تغییراتی در شکل معماری از ساسانی با اسلامی است ولی این دگرگونی‌ها و سبک جدید در دره شهر عارضه‌ای است که دو مکتب را که به دنبال هم استمرار می‌یابد در کنار هم با علت‌های تغییر نشان می‌دهد.» این وضعیت و سبک در معماری سیروان نیز ملاحظه می‌شود (محمودیان ۱۳۸۴: ۵۱).

بر سر راه سیروان به سمت غرب در محل گردنه‌ی مله‌گون که مشرف به سیروان است یک بنای سنگی دیده می‌شود که احتمالاً به عنوان یک محل دیده‌بانی و حفاظتی مورد استفاده قرار می‌گرفته که همین وضعیت را در ارتفاعات دامنه کبیر کوه در جنوب شهر دره شهر هم ملاحظه می‌کنیم که همان کاربرد حفاظتی و نگهبانی از شهر دره شهر را داشته است.

با توجه به اظهارات فوق و بررسی مختصر آن می‌توان گفت:

- ۱- آن چه در مورد موقعیت طبیعی و منابع آب و چشمه‌های سیروان سخن به میان آمد. با وضعیت فعلی این منطقه تطبیق می‌کند.
- ۲- وجود آثار و بناها در طول دره سراب کلان و حاشیه رود سیروان و تل توبره ریز ورودی دره نیز با گزارش سیاحان، جغرافی نویسان اسلامی قابل مقایسه است.

۳- در مورد بناهای دو طبقه، طاق های قوسی، مصالح به کار رفته در بناها با توجه به آثار باقی مانده می توان اظهار نظر نمود که با موارد مطرح شده در آثار جغرافی نویسان اسلامی و سیاحانی که در مورد سیروان مطالبی نوشته اند تطبیق می کند.

۴- به دلیل ویران شدن بسیاری از آثار و ساختن خانه های جدید روستائیان بر روی بقایای اینگونه بناها و استفاده از مصالح آن ها موقعیت برخی آثار از جمله قصر منسوب به انوشیروان که در برخی منابع اشاره شده نامشخص می باشد.

بنای کلگه بلند گوراب

بنای کلگه بلند گوراب سفلی دربخش شرقی منطقه ی سراب کلان و در محدوده ی داخلی روستای گوراب سفلی واقع شده است. این مکان باستانی، ۹۳۹ متر از سطح دریا ارتفاع دارد و بخشی از مجموعه آثار منطقه ی سراب کلان به شمار می آید. این بنا حدود ۷۰۰ متر با تل سیروان فاصله دارد. کلگه بلند از بناهای دوره ی تاریخی است که مطابق سبک معماری دوره ی ساسانی و نمونه ی این بنا ها ساخته شده است. یکی از اهالی روستای گوراب سفلی (بنا در حیاط منزل ایشان قرار دارد) عنوان می کرد، این بنا در گذشته وسیع تر بوده و به تدریج بقایای آن نابود شده است. به نظر می رسد این نوع بناها در محدوده ی روستای گوراب هم وجود داشته که در جریان ساخت و سازهای توسعه ی روستا از بین رفته است. طول بنای باقی مانده دوازده متر، عرض یک متر و بیست سانتی متر و ارتفاع دیوار تا شروع طاق قوسی بنا، دو متر اندازه گیری شده است. سبک معماری و مصالح مورد استفاده بنای کلگه بلند گوراب با بناهای دوره ی ساسانی هم خوانی دارد. آثار مربوط به ابنیه و سفالینه مهم ترین شناسه های فرهنگی سطح اثر بوده است.



نمای کلی بنای کلگه بلند، گوراب سفلی



نمای کلی بنای کلگه بلند، گوراب سفلی

مقایسه معماری سیروان با بناهای ساسانی

سبک معماری بناهای سیروان با برخی آثار از جمله شهر باستانی صیمره «دره شهر» و قلعه های موجود در پشته های کبیر کوه از جمله قلعه شیخ مکان و بهرام چوبین و نیز

پل چم آب برده در نزدیکی دره شهر قابل مقایسه است. وقتی ساختمان‌های باقی مانده از صیمره را با بناهای سیروان مقایسه می‌کنیم می‌بینیم که سبک بنا، نوع طاق و نوع مصالح آنها تقریباً یکی است. تمامی بناهای دره شهر «صیمره باستان» از قله سنگ سائیده شده ساخته شده است. صیمره شهری با قصرها، کاروانسراها و خانه‌های مختلف است که خیلی از آنها هنوز پابرجا هستند. اکثر کوچه‌ها و خیابان‌های این شهر باستانی منظم مساحی و طرح ریزی شده‌اند.

خلاصه

باتوجه به موارد مطرح شده در این مقاله می‌توان نتیجه گرفت:

- ۱- سیروان از جمله شهرهای باستانی است که هم عصر با شهر صیمره «دره شهر فعلی» بوده و سبک معماری این دو شهر تقریباً یکی هستند و قابل مقایسه‌اند.
- ۲- برابر اظهار نظر جغرافی نویسان اسلامی، مورخان، سیاحان و باستان‌شناسان سیروان در دوره ساسانی و قرون اولیه اسلامی شهری مهم و معتبر بوده و از جمله مراکز تمرکز جمعیت بوده است.
- ۳- به دلیل شرایط مساعد طبیعی و اقلیمی، منابع آب و زمین‌های حاصلخیز این شهر موقعیت مناسبی برای زندگی اجتماعی داشته و همین شرایط موجب شده تا در عصر ساسانی و قرون اولیه اسلامی تا قرن پنجم از مراکز تمدنی محسوب گردد.
- ۴- معماری این شهر با شهر باستانی صیمره از نظر سبک معماری، طاق‌های هلالی، نوع مصالح قابل مقایسه می‌باشد.

منابع

۱. ابن حوقل، (۱۳۶۶)، سفرنامه ابن حوقل، ترجمه و توضیح جعفر شعار، چاپ دوم.
۲. استارک، دیم فریا مارلین (۱۳۶۴)، سفرنامه الموت، لرستان و ایلام، ترجمه علی محمد ساکی انتشارات علمی.
۳. ایزدپناه، حمید (۱۳۶۳)، آثار باستانی و تاریخی لرستان، انتشارات آگاه، چاپ دوم
۴. بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۶۴)، فتوح البلدان، ترجمه آذرتاش آذرنوش، سروش، چاپ دوم،
۵. پیرنیا، محمد کریم، کرامت اله افسر (۱۳۵۰)، راه و رباط، انتشارات سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران، تهران
۶. دومرگان، ژاک (بی تا)، جغرافیای غرب ایران، ترجمه کاظم ودیعی،
۷. راولینسون، سرهنری (۱۳۶۲)، سفرنامه راولینسون، ترجمه سکندر امان الهی بهروند، انتشارات آگاه، تهران.
۸. کیانی، محمد یوسف (۱۳۶۸)، با همکاری سیف اله کامبخش فرد، شهرهای ایران، دره شهر، شهرهای ایران، جلد ۳، چاپخانه فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
۹. کریمی، بهمن میرزا (۱۳۴۷)، لرستان پیشکوه، پشتکوه و آثار باستانی آن، مجله بررسی های تاریخی سال سوم شماره ۲، تهران
۱۰. لسترنج (۱۳۷۳)، جغرافیای تاریخی سرزمین های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، علمی و فرهنگی چاپ چهارم.
۱۱. محمودیان، حبیب اله (۱۳۷۷)، راه ها و معابر باستانی حاشیه غربی زاگرس در دوران پارت و ساسانی،
۱۲. محمودیان، حبیب اله (۱۳۸۴)، باستان شناسی، تاریخ و ایلام، گویش، ایلام.
۱۳. محمودیان، حبیب اله (۱۳۹۵)، جاده ها و ایل راه های باستانی استان ایلام، نشر زاگرو، ایلام.

۱۴. محمودیان، حبیب اله (۱۳۸۳)، آشنایی با جغرافیای استان ایلام، انتشارات گویش
۱۵. واندنبرگ (۱۳۴۸)، باستان شناسی ایران باستان، ترجمه عیسی بهنام، دانشگاه تهران،

مطالعه و بررسی ویژگی‌ها و مشخصات خشت‌های رنگین و آجرهای لعاب‌دار دوران ایلامی

دکتر لیلی نیاکان^{۱۱}

چکیده

ایلامیان از معروفترین و تاثیرگذارترین ساکنان هزاره سوم پیش از میلاد در بخش‌های جنوب و جنوب غربی فلات ایران بوده‌اند. آثار برجای مانده از فرهنگ ایلامی، گذشته از ماده، محصول، شیوه و مهارت ساخت، غالباً نمادهایی از باورها و آیین‌های دوران فر و شکوه قومی را بر خود دارند که طی چندین هزار سال در جلگه‌ی خوزستان و فارس زیسته و در برهمکنش همیشگی با همسایگان، رقبا و دشمنان خود بوده‌اند. جدا از عناصر بیرونی، تحولات درون فرهنگی ایلام در تحول ساختار و تطور نظام‌های اجتماعی آن تاثیر گزار بوده است. زمینه‌های جغرافیایی، انگاره‌های هنری، عقاید مذهبی، چهارچوب‌های سیاسی و توان اقتصادی ایلامیان در شکل‌گیری فرهنگ مادی و بویژه معماری آنها موثر بوده است. یادمان‌هایی که امروزه از ایلامیان در هفت تپه، شوش، چغازنبیل و ملیان می‌شناسیم بازتاب حقیقتی است که باز گفتیم. معماری ایلامی در بستر نیمه بیابانی و اقلیم خشک بخشی از گستره‌ی وسیع خاور نزدیک شکل گرفت. در این ناحیه سنگ و چوب کمیاب اما خاک رس مرغوب برای ساخت بناهای خشتی و گلی در دسترس بود. این ماده‌ی ظاهراً ساده در تطور به مراحل پسینی ابتدا ماده‌ای سخت‌تر، پردوام‌تر، انعطاف پذیرتر و قابل تزئین و آرایش را به نام آجر و سپس با شناخت لعاب و شیوه‌ی تهیه و کاربرد آن عنصری پابرجاتر و در عین حال هنری‌تر را در قالب پیش نمونه‌ی کاشی‌های امروزی در اختیار صنعتگران گذاشت. در دهه‌های اخیر با شناسایی

^{۱۱} - عضو هیئت علمی پژوهشگاه باستان‌شناسی

و کشف آجرهای لعاب دار در برخی محوطه های باستانی متعلق به دوران ایلامی، باب جدیدی در تاریخ تزئینات وابسته به معماری در دوران باستان به روی هنرمندان معمار و باستان شناسان گشوده شد. در این نوشتار تلاش شده تا اطلاعات مختصری در رابطه با ساخت آجرهای لعاب دار که در چند دهه گذشته به دست آمده و هم اکنون در موزه ملی ایران، موزه هفت تپه، موزه لوور و... نگهداری می شود ارائه گردد.

واژگان کلیدی: ایلامیان، شوش، هفت تپه، چغازنبیل، ملیان، هیدالو.

موقعیت تاریخی ایلام

ایلامی ها از مراحل آغازین تاریخ خود مدرکی کتبی به جای نگذاشته اند، کهن ترین منبعی که در آن نام ایلام ذکر شده احتمالاً متعلق به قرن بیست و هفتم پیش از میلاد که در فهرست شاهان سومری نام برده شده آن مبرگیسی است، از او به عنوان پادشاه تاریخی سلسله اول کیش که به ایلام لشکر کشید و از آن غنایم بسیار به چنگ آورد یاد کرده اند. اکدی ها نیز در چند سنگ نبشته ی صخره ای در سرزمین های غیر ایلامی اشاراتی به ایلام و ایلامی ها کرده اند" (مجیدزاده، ۱۳۷۰: ۵). سومری ها و اکدی ها، ایلام را با خط ایدلوگرام NIM می نوشتند که با مفهوم "سرزمین مرتفع" ارتباط داشت (Peohed, 1939: 20,28). که با مقایسه سرزمین بین النهرین و خوزستان، این واژه کلمه مناسبی برای سرزمین ایلام بود و نشانگر این بود، که آنها نه فقط دشت وسیع و پهناور خوزستان را در اختیار داشتند بلکه ارتفاعات شرقی و شمالی این منطقه و بیشتر نواحی زاگرس در اختیار آنها بوده است. ایلامی ها نام سرزمین خویش را به خط میخی به صورت هل تم یا هتمتی ۱ می نوشتند و به احتمال خود ان را التامت تلفظ می کردند. این کلمه به احتمال به معنی "سرزمین خدا" بوده است. بابلی ها بخش مرتفع سرزمینی که در شرق

بابل قرار داشت الامتو یا الام یعنی کوهستان و شاید کشور طلوع خورشید یعنی شرق باشد می‌گفتند.

نظر اومستد درباره اصل و سرچشمه ایلامی، این است که موطن اصلی و سرچشمه ایلامی‌ها در کوه‌های زاگرس بوده و با اقوام هیدالو نزدیک بوده‌اند (آمی، ۱۳۷۲: ۱۱). والتر هینس شوش را مرکز ایلام و هم چنین مرکز تجارت با بین‌النهرین معرفی کرده است (رواسانی، ۱۳۷۲: ۱۱۷).

دیوار نگاره‌ها و آجرهای لعاب‌دار ایلامی

از نیمه دوم هزاره دوم پیش از میلاد شاهد به دست آمدن تعداد بسیاری از آجرهای لعاب‌دار در بناهای یادمانی ایلامی‌ها در معابد و کاخ‌ها در نواحی جنوب و جنوب غرب ایران که در طی کاوش‌های باستان‌شناسی، توسط باستان‌شناسان گزارش شده بود. این گام توانست شناختی را در روند تحول معماری ایلامی که نشانگر اقلیم نیمه بیابانی در سرزمین‌های پست خاور میانه را با توجه به شرایط زیست محیطی آن، فقدان جنگل‌ها و درختان کمیاب بود ارائه دهد. بنابراین گل رس که به راحتی از کناره رودخانه‌های پر آب خوزستان بدست می‌آمده، تبدیل به خشت شده، که بهترین مصالح برای ساختمان سازی به شمار می‌رفت. صنعتگران توانستند در طی زمان با شناخت پخت گل و بردن خشت‌ها به کوره آن را تبدیل به آجر کرده شیوه و سبک ساخت این آجرها متفاوت با پیشینیان اما با تکنیک پیشرفته‌ای ساخته شده‌اند. نخستین نمونه‌ی این نگاره‌ها را بر روی گل پخته در آرامگاه تپتی آهار در اواخر سده‌ی پانزده پیش از میلاد به صورت گل خشت‌های کوچک خشت‌های رنگین و قبه‌های لعاب‌دار که نشانگر توجه دولتمردان و هنرمندان زمان خود برای شروع تزئینات وابسته به معماری بوده‌اند (نگهبان، ۱۳۷۲:

۴۲۱ و ۴۲). شواهد برجای مانده نشان داده که با گسترش صنعت لعاب‌دهی تزئینات دیواری ساده و منقوش پیشین جای خود را به آجرهای لعاب‌دار که دارای ساختاری مقاوم اما زیبا بود داده است،

آجرهای لعاب‌دار برجای مانده از معبد چغازنبیل نشانگر آن است که با آغاز حکومت اونتاش ناپیریشا در اواسط دوران ایلام میانی در قرن ۱۳ پیش از میلاد استفاده از اشیای گلی لعاب‌دار و بدل چینی برای تزئین کاخ‌ها و ورودی معابد معمول شده است. بدین ترتیب تکنیک ساخت لعاب و صنعت لعاب‌کاری که به ظاهر ویژه ایلامی‌ها بود اهمیت فراوانی یافت و متداول گشت. (مجید زاده، ۱۳۷۰: ۷۰). با توجه به آثار به دست آمده از محوطه‌های ایلامی آنان را می‌توان نخستین صنعتگرانی دانست که از آجرهای لعاب‌دار به طور گسترده‌ای در تزئین بنا استفاده کرده‌اند. افزون بر این برخی از کتیبه‌های به دست آمده از این دوران نیز بر صنعت لعاب‌کاری و لعاب‌دهی اشیاء اشاره کرده‌اند. کتیبه‌های برجای مانده از اونتاش ناپیریشا در چغازنبیل نیز حاوی اطلاعات ویژه‌ای در مورد ساخت لعاب برای آجرها و اشیای لعاب‌دار بوده است (آمیة، ۱۳۴۹: ۵۷). او در این کتیبه از کلمات ایلامی مانند موشی ۲۲، که تصور می‌شود به معنای گل رس لعاب‌دار است اشاره کرده است (morie:1988,222) از سوی دیگر صنعت لعاب‌دهی در اواسط هزاره دوم پ.م در سرتاسر آسیای غربی به طور گسترده‌ای به کار گرفته شده است. در نوزی نزدیک شهر کرکوک در شمال بین‌النهرین پیکره‌های بزرگ جانوران از گل پخته‌ی لعاب‌دار به شیوه‌ی متداول که در چغازنبیل ساخته می‌شده به دست آمده، ولی هیچ نمونه آجر لعاب‌داری در این حوزه‌ی فرهنگی تاکنون گزارش نشده است، به

2- Mush

3- Okti

نظر می‌رسد صنعت ساخت آجرهای لعاب‌دار بعدها با نفوذ ایلامی‌ها به سرزمین آشور راه یافته است. (پرادا، ۱۳۷۵: ۸۵). کاربرد آجرهای لعاب‌دار به دست آمده از معابد چغازنبیل در دوران اوتتاش ناپیریشا نشان از تزئینات وابسته به معماری در آنجا که به رنگ‌های آبی، سبز، سفید و یا ترکیبی از رنگ‌های مذکور یا بدون نقش در بخش‌های پیشانی و نمای بنا بوده است. در این دوره از آجرهای لعاب‌دار منقوش که با دایره‌هایی با مرکز سفید یا آبی رنگ و نقوش تزئینی چون لوزی‌های سفید رنگ بر زمینه از رنگ آبی لاجوردی که بر دروازه و سکوی هدایا دیده شده استفاده کرده‌اند. (گریشمن، ۱۳۷۳: ۱۴۴). با روی کار آمدن شوتروک ناهونته در اواخر هزاره دوم (۱۱۵۵-۱۱۹۰ پ.م) تغییراتی در سبک و حجم تولید آجرهای لعاب‌دار به وجود آمد او در کتیبه‌ای از واژه‌ی اوکتی ۲۳ که تکنیک جدیدی از ساخت آجرهای محکم چند رنگ که در تزئینات معماری آن زمان به کار می‌رفته نام برده است. (Steve, 1988:291-303). این آجرها که در ارگ شوش به دست آمده، همان آجرهای محکم چند رنگ مربع شکل متعلق به شوتروک ناهونته است که در مرکزشان برآمدگی قبه‌مانندی وجود دارد که برای نصب آنها از میخ‌های چوبی و یا سفالی که آجرها را به دیوار متصل می‌کرد استفاده کرده‌اند. این قبه‌ها به صورت عناصر تزئینی یک در میان همراه با آجرهای ساده در بنا استفاده شده بود (پرادا، ۱۳۵۷: ۱۶۱). این تحول تکنیکی در دوران ایلام جدید توسط شوتروک ناهونته دوم ادامه یافت. او توانست در این صنعت پیشرفت بسیاری در تکنیک ساخت لعاب به دست آورد و سبب شد تا صنعتگران بتوانند

لعاب‌ها را شفاف‌تر و روشن‌تر از گذشته بسازند تا از رنگ‌های شادتر و متنوع‌تری چون رنگ‌های سبز، زرد، سفید، آبی پررنگ و کم‌رنگ خاکستری و قرمز استفاده کنند. آثار بر جای مانده نشانگر شکل‌گیری و استفاده این گونه تزئینات بوده است. آجرهای لعاب‌دار به کار رفته در بنای یادمانی تل ملیان که توسط شیلهاک اینوشیناک برای خدای اینوشیناک ساخته شده بود نشانگر یکی دیگر از مراکز ساخت آجرهای لعاب-دار در جنوب ایران و در حوزه‌ی فرهنگی فارس است (کارتر، ۱۳۷۲: ۱۵۳). اواخر هزاره دوم پیش از میلاد که مصادف با اوایل دوران ایلام جدید است استفاده از قبه‌ها یا برجستگی‌ها در تزئینات دیواری کاخ‌ها و معابد این دوره گسترش داشته است. از جمله می‌توان به معبد کوچک و مربع شکل متعلق به زمان شوتروک ناهونته دوم با نمای آجری مزین به آجرهای لعاب‌دار به رنگ سبز در شوش که در کاوش‌های باستان‌شناسی کشف شده، اشاره کرد. این نکته قابل ذکر است در بررسی اطراف این معبد آجرهای لعاب‌دار دیگری که مربوط به قرن هشتم و همزمان با این پادشاه بوده شناسایی شده است (آمیه، ۱۳۴۹: ۶۷).

شناخت تکنولوژی ساخت آجر در دوره ایلامی

جنس آجرهای لعاب‌دار ایلامی ترکیبی از خاک رس مرغوب همراه با شن ریزه و کاه خرد شده بود. این ترکیب را صنعتگران به قالب‌های چوبی یک طرفه به فرم‌های مکعب، مکعب مستطیل و مدور می‌ریختند و به آن شکل می‌دادند. آجرها سپس با یک لایه رقیق گل رس پوشیده، پس از زدودن اضافات گل از روی آجرها سبب صافی و صیقلی گشتن سطوح آجرها و آماده‌سازی برای لعاب‌دادن می‌شد. در این روش با ابزاری مانند قلم‌مو، که سطوح آجرها را به صورت یک رنگ یا چند رنگ تزئین می‌کرد، پس از

آن برای تثبیت لعاب رنگی از یک لعاب شیشه‌ای بی رنگ برای این منظور استفاده می‌کردند. این روند دارای دو ویژگی بوده است: نخست سطوح لعاب داده شده صاف و صیقلی می‌شد که شستن و غبار زدایی آن در ساختمان را آسان می‌کرد از سوی دیگر لعاب‌دهی باعث مصون شدن آجرها در مقابل عوامل طبیعی و جوی حاصله از شرایط طبیعی منطقه نیز بوده است. این آجرها به شکل مکعب، مکعب مستطیل و یا مدور با یک برآمدگی بود، در برخی مواقع دو یا سه وجه آن دارای تزئینات منقوش بود، از جمله می‌توان به سکوهای هدایا در معبد چغازنبیل در دوران ایلام میانی و آجرهای قالبی معبد اینشوشیناک و یا آجرهای قالبی شوتروک ناهونته دوم در دوران ایلام جدید اشاره داشت. این آجرهای لعاب‌دار با تزئین چند رنگ، نیم برجسته با نقوش افزوده سیاه رنگ، یا با تزئین چند رنگ و یک رنگ به فراوانی در مکان‌های ذکر شده به رنگ‌های زرد و آبی فیروزه‌ای دیده شده؛ در برخی موارد نقوش بر روی آجرها با خطوط افزوده سیاه رنگ تزئین و دورگیری شده است. این تکنیک یکی از ابداعات هنری ایلامی‌ها بود، که نقوش، به صورت برجسته با استفاده از خمیر ظریفی از قیر طبیعی تزئین شده بود. از سوی دیگر جنبه‌های هنری این آجرها نشانگر این است که هنر این دوران از نقطه نظر موضوع نقوش و ترکیب‌بندی، هنری مستقل بود که به خاطر هم‌جوار بودن با سنت‌های بین‌النهرینی از سبک طراحی نقوش آنها تأثیر پذیرفته‌اند، ولی سبک و شیوه‌ای مستقل به خود را ارائه داده‌اند. از جمله می‌توان به سیستم شبکه‌بندی در ساخت آجرهایی که به صورت قالبی یا دستی در معبد شوش در کاوش‌های باستان‌شناسی بدست آمد اشاره کرد.

شایان ذکر است که طراحی و ارائه نقوش در این عصر از سنت‌های پیشین الهام گرفته شده است، برای نمونه در اواخر دوران ایلام جدید ما شاهد بازگشتی از نظر فرم و تکنیک برجسته‌کاری به سنت‌های ایلام میانه بوده‌ایم. از جمله قطعاتی از آجرها که به صورت نیم رخ انسان با ابعاد طبیعی ساخته شده بودند. یا قطعاتی از دست‌ها که به صورت مجزا از هم و کاملاً برجسته و نیز قطعات آجرهای لعاب‌دار با نقوش اساطیری که در دهه‌های گذشته کشف شده است. تداوم این سنت هنری و تکنیکی را به نحو بسیار پیشرفته‌ای در دوران ایلام جدید به نمایش می‌گذارد، ادامه‌ی این سبک را در ساخت آجرهای لعاب‌داری که در کاخ داریوش در شوش و تخت جمشید به دست آمده را شاهد بوده‌ایم. در این بخش سعی گردیده این نوع تزئینات وابسته به معماری که شروع آن از دیوار نگاره‌ها ایلامی آغاز و ادامه آن در آجرهای لعاب‌دار تجلی می‌یابد با توجه به دوره‌های زمانی آن در محوطه‌های باستانی کاوش شده چون شوش، هفت تپه و چغازنبیل در خوزستان و... را می‌توان اشاره داشت.

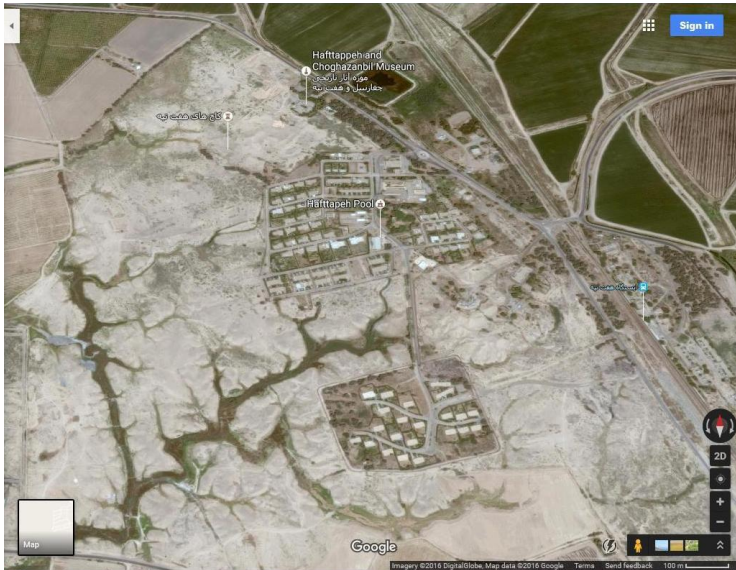
تزئینات وابسته به معماری در محوطه‌های ایلامی

هفت تپه: جلگه خوزستان به دلایل اقلیمی و مناسب بودن برای کشاورزی و دامپروری از پیش از تاریخ تاکنون مورد توجه گروه‌های انسانی بوده است. استقرارهای برجای مانده این دوره موید این نظر است که شروع آغاز تاریخی و شهرنشینی در این حوزه فرهنگی بوده است. محوطه تاریخی هفت تپه در ۱۵ کیلومتری جنوب شرقی شهر شوش در خوزستان قرار دارد. این محوطه از مجموعه‌ای از تپه‌های باستانی تشکیل شده است. بقایای برجای مانده از ساختارهای معماری نشانگر شهری مربوط به دوران ایلام میانی

در قرون چهارده پیش از میلاد بوده است. این تمدن با ایجاد بناهای عظیم از آجر اسناد و مدارک مهمی از نظر شناخت تکنولوژی آن زمان برای آیندگان برجای گذاشته است. نخستین عملیات کاوش محوطه، با نمایان شدن یک طاق آجری که در هنگام ساخت جاده شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه، در سال ۱۳۴۴ خورشیدی به سرپرستی عزت‌الله نگهبان آغاز گردید. این کاوش ۱۴ فصل و تا سال ۱۳۵۷ خورشیدی ادامه یافت. دستاوردهای این کاوش شامل مجموعه آرامگاه‌ها و چند مجموعه بزرگ دیگر چون سالن‌های بزرگ است از دیگر آثار به دست آمده در این کاوش‌ها لوح‌هایی نوشتاری بود که حاکی از وجود نام این شهر باستانی که احتمالاً «گبنک» بوده، به دست آمده است.

شایان ذکر است تزیینات بنا به صورت گچ‌کاری و نقاشی‌های دیواری بود که به صورت قطعات منقوش گل به صورت موزائیک‌هایی با بست فلزی به هم متصل شده‌اند. این قطعات بر روی بقایای از زمینه گچ به طور پراکنده در سالن زیگورات یا کاخ شماره یک به دست آمده به نظر می‌رسد، در هنگام ویرانی بنا این قطعات منقوش فروریخته‌اند. این تزیینات به صورت نوارهایی مستقیم یا منحنی با طرح‌های هندسی همچون دایره و یا نقوش طبیعی با رنگ‌های آبی، نیلی، قرمز، نارنجی، زرد، خاکستری و سیاه و سفید است. (نگهبان، ۱۳۷۲:۹۹) از سال ۱۳۸۱ خورشیدی دور جدید کاوش‌های محوطه تاریخی هفت‌تپه توسط بهزاد مفیدی از دانشگاه ماینز آلمان با استفاده از تکنیک‌های جدید باستان‌شناسی از جمله روش ژئوفیزیک انجام شده است. دستاوردهای حاصل از این روش در این محوطه تاریخی نشان داد که در پیرامون تراس‌های خشتی که پیش از آن حفاری شده بودند چند مجموعه بزرگ با حیاط‌های بسیار گسترده واقع شده‌اند که

در این شهر باستانی دارای چند دوره تاریخی است. این تپه در سال ۱۳۶۵ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.



تصویر ۱: تصویر هوایی از موقعیت محوطه باستانی هفت تپه (www.google.2017)



تصویر ۲: دورنمایی از محوطه باستانی هفت تپه (www.google.2017)

قطعات گل پخته با نقش هندسی

قطعات کوچک گل پخته از جنس گل رس به شکل موزائیک‌های کوچک در کنار یکدیگر با نقش مربع‌هایی به رنگ‌های آبی، اخراپی و زرد که در میان آنها دایره‌هایی محاط به رنگ آبی، زرد و قرمز به صورت شطرنجی کار شده است (نگهبان، ۱۳۷۲: ۴۱۵). این اثر متعلق به دوره ایلام میانی است که در هفت تپه کشف شده و در محل موزه این منطقه نگهداری می‌شود. طول آن ۳ و عرض ۱/۸ سانتی متر، حد متوسط قطعات ۰/۵ × ۰/۵ سانتی متر محاسبه شده است.



تصویر ۳: تصویر و طرح قطعات موزائیک با تزئین چند رنگ (نگهبان، ۱۳۷۲: ۴۱۵)

قطعات گل پخته با نقش هندسی و گیاهی

قطعات موزائیک کوچک گل پخته متعلق به دوره ایلام میانی، از جنس گل رس با شبکه‌ای از مفرغ به یکدیگر متصل شده‌اند تزئینات درون این شبکه با خمیر سفید رنگ، صدف، استخوان، سنگ لاجورد و خمیر بدل چینی به رنگ‌های آبی، کرم، سفید، قرمز یا نقوشی به اشکال دایره و لوزی که در نهایت ظرافت و دقت از تلفیق این عناصر طرح‌های زیبای هندسی بوجود آمده است. (نگهبان، ۱۳۷۲: ۴۱۵). این اثر با ابعاد: قطر ۱/۶ و ضخامت ۱/۶ سانتی متر در هفت تپه، خوزستان کشف و در موزه این محوطه باستانی نگهداری می‌شود.



تصویر ۴: تصویر قطعات موزائیک با تزئین چند رنگ (نگهبان، ۱۳۷۲: ۴۱۵)

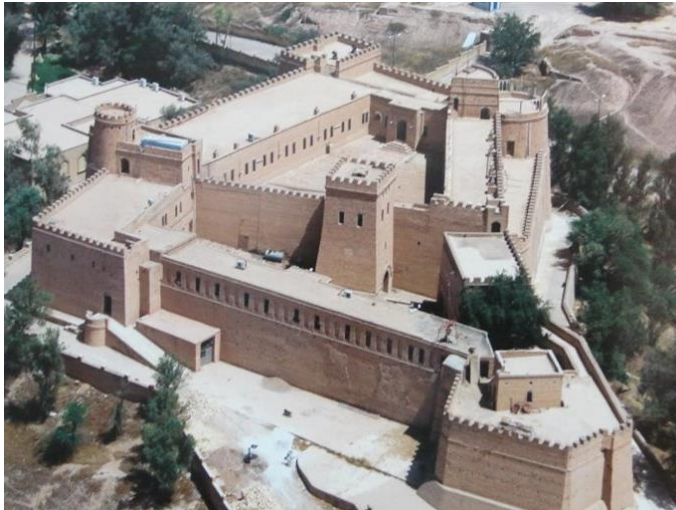
محوطه باستانی شوش: شوش یکی از مهم ترین مراکز تمدن ایلام در ۱۱۵ کیلومتری اهواز واقع شده است که در حدود ۲۷۰۰ پیش از میلاد پادشاهی ایلام به پایتختی شوش تشکیل گردید. شوش در دوران ایلامی ها هزاران سال مرکز این تمدن مهم بود. نخستین کسی که ویرانه های شوش باستان را باز شناخت بنیامین تودلایی جزء نخستین جهانگردان اروپایی است که به شوش سفر کرد. او بدون انجام عملیات حفاری تشخیص داد، این منطقه همان شوش تورات است. عملیات کاوش های باستان شناسی در شوش از سال ۱۸۵۰ میلادی آغاز گردید و چندین فصل ادامه داشت، حاصل آن کشف آثار با ارزش و شکوهمندی از تمدن و فرهنگ اقوام ایلامی، هخامنشی و اسلامی بوده است. کاوش های باستان شناسی انجام شده در آکروپل شوش به سرپرستی ژاک دمرگان به کشف آثار معماری و اشیا نفیسی از جمله ماکت یک عبادتگاه منجر شد، و بقایایی از معبد اینشوشیناک، بخش هایی از تزئینات ساخته شده از آجرهای قالبی که نشانگر ویژگی هنر ایلام میانی در ساخت و طراحی آجر بود بدست آمد که تا حدودی تاثیر تمدن های همجوار خصوصا "بین النهرین را به نمایش می گذارد. بنابراین شوش که در ۵۰۰۰ سال پیش از میلاد پایتخت مذهبی و سیاسی ایلامی ها بوده توانست سیر تحول آجرهای قالبی را که ادامه آن با شروع آجرهای لعاب دار در بناهای یادمانی شوش چون ارگ شوش و غیره است را تا دوران ایلام جدید ادامه دهد. این شهر زیبا و آباد در سال ۶۴۷ پیش از میلاد توسط آشور بانیپال به آتش کشیده شد. نقش برجسته ی برجای مانده

از این پیروزی نشانگر غارت و تخریب سربازان آشوری است که با کلنگ و دیلم در حال تخریب این شهر ایلامی است. این نقش برجسته در موزه بریتانیا نگهداری می شود. مارسل و مادام دیولافوا فرانسوی هنگام سفر به ایران پی به اهمیت این منطقه و تپه های باستانی آن بردند و کاوش هایشان در شوش باعث شهرت آنان شده است. ادامه ی کاوش ها توسط دموورگان و رولاند دومنکم در سال های ۱۹۰۰ میلادی آغاز گردید، هدف آنان از این کاوش ها به دست آوردن اشیای عتیقه و باستانی برای موزه های کشورشان بود. از دیگر سو آنان مصالحی که در معابد و کاخ ها در طی خاکبرداری به دست آوردند را برای ساخت ارگ شوش به کار بردند. از سال ۱۹۶۸ میلادی مطابق با ۱۳۴۷ شمسی انجام کاوش های باستان شناسی را پس از رومن گیرشمن، به ژان فرانسوا پرو واگذار شد او در شوش به مدت ۱۵ سال مسئولیت کاوش ها را بر عهده گرفت. پرو به همراه دانیل لایری در کاخ هخامنشی آپادانا کاوش هایی انجام داد که منجر به کشف کتیبه های کاخ و مجسمه داریوش بزرگ شد. از سال ۱۳۷۱ شمسی کاوش های این شهر توسط سرپرستان ایرانی از سوی مرکز باستان شناسی وقت چون مهدی رهبر و میرعابدین کابلی ادامه یافت و نتایج ارزشمندی در پی داشت.

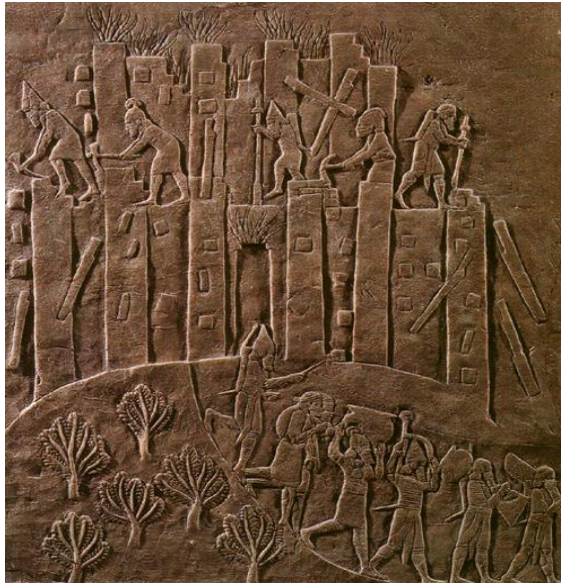
در طی سال های اخیر عباس علیزاده در طی ساماندهی انبارهای قلعه شوش چندین شی استثنایی منحصر به فرد کشف کرد که شامل ماکت معبد، قایق بادبانی سفالی و انبوه مهرکتیبه دار و گل نوشته هایی به خط آغازین ایلامی است. محوطه تاریخی شوش به عنوان هجدهمین اثر در فهرست میراث جهانی در روز ۱۳ تیر ماه ۱۳۹۴ در نشست یونسکو به ثبت رسید www.Google.com, 2017.



تصویر ۵: عکس هوایی از محوطه‌های باستانی شوش (www.google.2017)



تصویر ۶: نمایی از ارگ شوش (www.google. ۲۰۱۷)



تصویر ۷: نقش برجسته غارت شوش توسط سربازان آشوریانیپال در سال ۶۴۷ پیش از میلاد (موزه

بریتانیا) (۲۰۱۷. www.google)



تصویر ۸: ماکت معبد شوش (آمیه، ۱۳۸۳: شکل ۲۵) تصویر ۹: آجر با کتیبه میخی ایلامی (علیزاده،

۱۳۹۵: ۱۸۲) ۱) من شیهلک ۲) این شوشینک ۳) پسر شوتروک ۴) نهونت ۵) ... (بانو) ..؟

۶) ...؟ ۷) ...؟ ۸) ...؟

معبد کوچک مربع شکل

این معبد بین سال‌های ۱۸۹۹-۱۸۹۸ میلادی در بخش جنوب شرقی ارگ شوش کشف گردید. بنای آن چهار گوشه و دارای صفه‌ای که خارج و داخل آن با آجرهای لعاب‌دار سبز رنگ تزئین شده بود، در مقابل معبد مقدار زیادی مصالح ساختمانی لعاب‌دار مانند آجر، مربعات کوچک، گلوله‌های تزئینی و غیره به دست آمده است. این معبد مربوط به دوره شوتروک ناهونته‌ی دوم که روش جدیدی را در ساخت لعاب‌ها در معابد استفاده کرده‌اند. لعاب‌های به کار گرفته شده در این زمان روشن‌تر و شفاف‌تر از پیش بوده است رنگ‌های متنوعی چون آبی پررنگ یا کمرنگ، سبز، زرد، سفید، و خاکستری توسط صنعتگران استفاده شده است. طریق نصب مربعات بر دیوارها به کمک قطعات برجسته‌ی گلوله‌مانندی که میخ‌های چوبی و یا شاید بخش‌های اضافی تصاویر را می‌پوشاند انجام شده است. این روش تزئین همچنان در این زمان ادامه یافته است (آمیه، ۱۳۸۳: ۶۷).



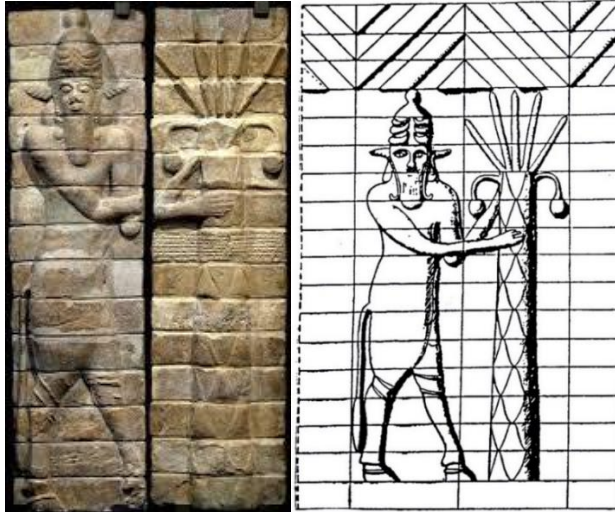
تصویر ۱۰: معبد کوچک، شوتروک ناهونته دوم، ارگ شوش (آمیه، ۱۳۸۱: ۶۷)

آجر لعاب‌دار با نقش اساطیری گاو مرد در کنار درخت نخل

آجر قالبی متعلق به دوره ایلام میانی، (قرن دوازدهم پ.م) از جنس گل رس با نقش گاو مردی از روبرو که لبخندی ملایم بر چهره دارد، او بدنی برهنه با اندامی قوی ایستاده که دست‌هایش بر روی تنه و شاخه درخت گذاشته، ریشی بلند با موهای بلند بر پشت شانه ریخته شده، نشانی از انسان اسطوره‌ای انکیدو یا گاو آسمانی است که سرش را از یک سر لعاب‌دار ایلام جدید بازسازی کرده‌اند.

کتیبه‌ی روی این آجرها نشانگر، هدیه این معبد به خدای شوش بوده، بازسازی و مرمت این عبادتگاه توسط پادشاه ایلام به انجام رسیده است (Amiet, 1992: 141). طراحی این نوع آجرها معمولاً در یک محور مرکزی عمودی قرار گرفته‌است. طراحان و صنعتگران این دوره خواسته‌اند با قرار دادن نقاط حساس از جمله ابرو، چشم، بینی، دهان، بدن و شانه‌ها در شبکه‌های مستطیل شکل را در یک ردیف آجر از خط تراز قرار دهند. این شبکه‌ها توسط آجرهای همسان به طور یکنواخت به تعداد ۱۴ آجر را تا کلاه او را نشان دهند. نقش اسطوره‌ای گاو مرد نیمی انسان و نیم دیگری گاو، تجسمی است از دو عنصر هوش و ذکاوت انسان و قدرت و شجاعت حیوان، از ترکیب این دو، موجود خارق العاده‌ای به وجود می‌آید که کسی یارای مقاومت با آن را ندارد.

این نقش در نیمه دوم هزاره سوم پیش از میلاد در سراسر منطقه به ویژه در حوزه‌های فرهنگی ایلام و بین‌النهرین مورد توجه هنرمندان واقع گردیده و از آن شاید به عنوان نمادی از گیل گمش و انکیدو در اسطوره‌ها یاد کرده‌اند. این نمونه آجرها متعلق به تزیینات معبد اینشوشیناک در شوش که توسط کوتیر ناهونته و شیلهاک اینشوشیناک ساخته شده است. این اثر در موزه لوور فرانسه نگهداری می‌شود.

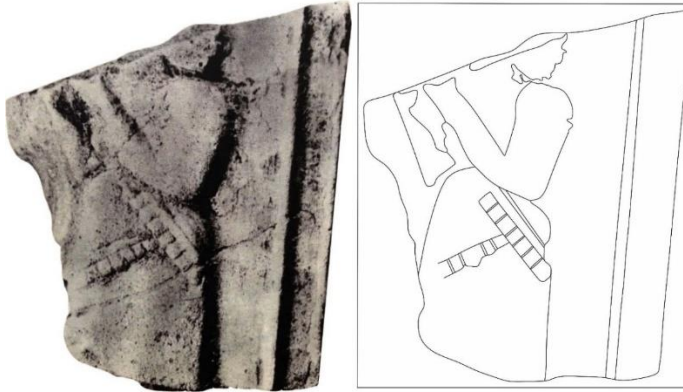


تصویر ۱۱: تصویر و طرح آجر قالبی معبد اینشوشیناک (Amiet, 1992,141)

آجر لعاب‌دار با نقش انسان نیاشگر

آجر لعاب‌دار برجسته از گل رس، متعلق به دوره ایلام میانه توسط دمرگان در ارگ شوش کشف شده و در موزه لوور نگهداری می‌شود. بخشی از حفره مرکزی قبه آن شکسته شده، نقش روی این آجر شخصی با دست‌های بالا برده به حالت نیاپیش ایستاده است. او دامنی با شرابه‌های ریشه‌دار با طرحی متقاطع تزئین شده برتن دارد طرح این لباس خاستگاه سومری دارد و برای نخستین بار بر تن زیمیرلیم حکمران ماری دیده شده است (مجیدزاده، ۱۳۷۰: ۸۳).

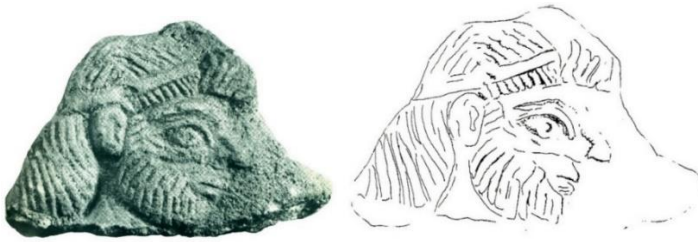
طرح حاشیه آجر شباهت به طرح کاشی کتیبه‌دار شوتروک ناهونته و دیگر کاشی‌های همزمان آن دارد با توجه به اینکه یکی از روش‌های ساخت به کار گرفته شده در این زمان ساخت قالب به صورت برجسته است این تکنیک ساخت در این آجر به کار برده شده است. طول این نمونه آجر ۱۵/۷، عرض ۱۳/۹ سانتی متر اندازه گیری شده است.



تصویر ۱۲: تصویر و طرح آجر لعاب‌دار؛ با تزئین چند رنگ و نقش برجسته (Amiet, 1966: 402)

آجر لعاب‌دار با نقش سر مرد ریش‌دار

این نمونه آجر با ابعاد: ارتفاع ۱۶/۵، عرض ۱۷/۵ متعلق به دوره ایلام جدید، (قرن هفتم، هشتم پ.م) از جنس گل رس در شوش کشف شده است. نیم رخ برجسته سر مردی با ساخت قالبی با چشمانی درشت، ابروانی کشیده، بینی بزرگ، ریشی صاف، و موهای کوتاه تا زیر گوش با روبانی جلوی سر بر پیشانی او مو به صورت ترعه بافته‌ای تزئین شده است. نقش این آجر لعاب‌دار قابل مقایسه با اثر یافت شده یک روحانی (مغ) در اثر طلایی حسنلو است. آرایش مو حاکی از ارتباط و ادامه هنر قدیمی تر مربوط به دوران ایلام میانی است. این سبک آرایش دیگر در دوره ایلام جدید مد روز نبوده است بنابراین سعی هنرمند در هرچه بیشتر نشان دادن خطوط موها، ریش و سایر اجزای صورت، به صورت حکاکی که سبکی نو در تزئینات دوران ایلام جدید بوده است. این نوع تزئین‌کننده کاری در دوران ایسین لارسا در اوایل هزاره دوم دیده شده است (Amiet, 1966: 517). این اثر دو موزه لوور نگهداری می‌شود.



تصویر ۱۳: تصویر و طرح آجر لعاب‌دار نیم رخ سر مرد ریش دار (Amiet, 1966: 517)

آجر لعاب‌دار با نقش نیم رخ انسان

این اثر متعلق به دوره ایلام جدید است که در شوش کشف شده است. جنس آن گل رس، با تزئین تک رنگ نیم رخ برجسته سر یک مرد در اندازه طبیعی با روش ساخت قالبی با لعاب زرد رنگ ساخته شده است؛ این روش ساخت در اواخر دوران ایلام جدید به صورت برجسته به دو رنگ زرد و سبز مورد توجه صنعت‌گران ایلامی قرار گرفته است این نمونه آجرها، پس از اتمام جزئیات و شکل بخشی کامل سطح صورت را با لعاب زرد رنگ آغشته و در کوره با دادن حرارت زیاد باعث دگرگونی در فعل و انفعالات شیمیایی شده سرانجام لعاب سطح آجر تقریباً به صورت شیشه درآمده است. این قطعات قابل مقایسه است با آجرهای قالبی که در قرن دوازدهم پیش از میلاد در معبد اینشوشیناک استفاده شده است (مجیدزاده، ۱۳۷۰: ۹۲؛ آمیه، ۱۳۸۳: ۶۷).



تصویر ۱۴: تصویر و طرح آجر لعاب‌دار نیم رخ انسان

(Amiet, 1966: 523)

آجر لعاب‌دار با نقش اساطیری انسان

قطعه‌ای شکسته از آجر لعاب‌دار تقریباً چهار گوش از جنس گل رس با تزئین چند رنگ، بخش‌هایی از لعاب آن ریخته شده است. نقوش باقی مانده شامل بخشی از سر یک ابوالهول یا شیردال و بقایای اندکی از بال‌ها بر سطوح لعاب‌دار آجر وجود دارد. این نقش یکی از سبک‌های متداول دوران ایلام میانی است که در محوطه‌های باستانی ایران به صورت مکرر بر روی نقوش برجسته‌ها و آجرها می‌توان دید. این آجر با دو حاشیه تزئینی، حاشیه چلیپایی (صلیبی) شکل با لعاب زرد رنگ بر روی زمینه زرد رنگ است. این سبک حاشیه‌ها از زمان دوران ایلام جدید توسط هنرمندان رواج یافت. پیر آمیه با تردید، این نقش را ابوالهول (اسفنکس) و شیردال (گریفون) نام‌گذاری کرده است. ادامه این سنت هنری را بر روی نقوش برجسته و آجرهای لعاب‌دار کاخ‌های بر جای مانده از دوران هخامنشیان می‌توان مشاهده کرد (Amiet, 1966: 514) ابعاد: ارتفاع ۱۳/۵، عرض ۱۲ سانتی‌متر، متعلق به دوره ایلام جدید بوده و در موزه لوور نگهداری می‌شود



تصویر ۱۵: تصویر و طرح آجر لعاب‌دار با نقش اسفنکس با دم کژدم (Amiet, 1966: 514)

آجر لعاب‌دار با نقش موجود اساطیری شیردال

قطعه‌ای از یک آجر لعاب‌دار متعلق به دوره ایلام جدید با ابعاد طول ۲۰/۵، عرض ۱۸، قطر ۲/۵ سانتی‌متر از جنس گل رس با تزئین چند رنگ مربع شکل دارای حفره‌ای در وسط، با گل میخ تزئینی که به دیوار الصاق می‌شده، نقوش برجسته شامل موجود اساطیری با چنگال پرندگان و نیم تنه انسانی، با دامن و کمر منگوله‌دار که به یکدیگر بسته شده است. او بر کفل دو شیردال (گریفون) پشت به هم نشسته، ایستاده به نظر می‌رسد دو شیردال دیگر را به صورت قرینه در دست‌هایش گرفته است. هیولایی در سمت چپ او که تا حدودی تصویرش حفظ شده قرار دارد.

حاشیه این نقوش با دو ردیف نقاشی حاشیه اول (خارجی) طنابی و حاشیه دوم نقش چلیپایی (صلیبی) شکل را دارد که از نقوش متداول دوران ایلام جدید بوده است. این نوع نقش از قرن سیزدهم پیش از میلاد در طرح‌های تزئینی متداول بوده و آثار مشابه آن بر روی مهرهای دوران ایلام میانی است. ادامه این نقش بر روی آجرهای لعاب‌دار در زمان ایلام جدید انتقال یافته است.

این آجر که توسط رونالد دومکنم در شوش، شهر سلطنتی کشف شده به صورت پلاک دیواری از دیگر آجرها مجزا کرده و تزئینات آن با روش ساخت چند رنگ با دورگیری سیاه‌رنگ است. این نحوه تزئین از قدیمی‌ترین روش‌های تزئینات دوران ایلامی بوده، نمونه‌های آن را بر روی جعبه‌های منقوش لعاب‌دار در شهر سلطنتی الف (A) مربوط به دوره ایلام جدید کشف شده را می‌توان دید (مجیدزاده، ۱۳۷۰: ۹۲) از سوی دیگر این نقش قابل مقایسه با نقوش آشور جدید و بالایه IVB حسنلو، بابل جدید و ایلام جدید است.

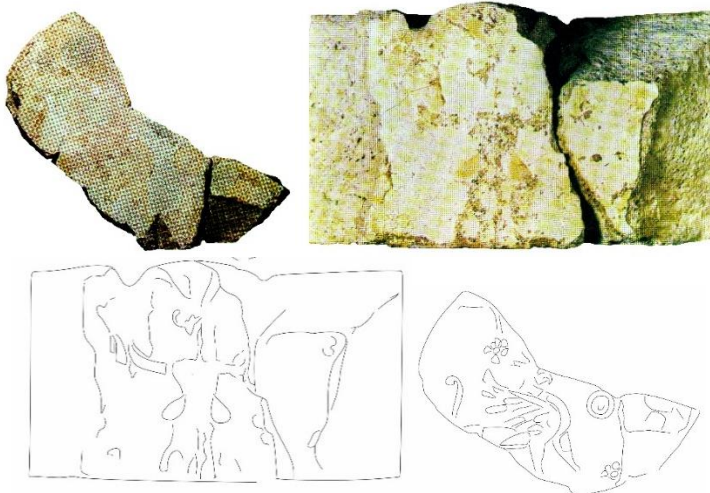


تصویر ۱۶: تصویر و طرح آجر لعاب‌دار با نقش موجود اساطیری و شیردال (مجیدزاده، ۱۳۷۹: ۹۲؛ Amiet, 1966: 508).

آجر لعاب‌دار با نقش شیردال کنار درخت مقدس

قطعه‌ای از یک آجر لعاب‌دار با ابعاد: ۲۴۰×۱۹۵ سانتی‌متر از جنس گل رس با تزئین چند رنگ چهار گوش دارای دو وجه لعاب‌دار در یک گوشه آجر، تصویری از درختی سمبولیک نقش شده، در بخش افقی آجر شاهد نقش درختان مسبک و نقوش طبیعی با اشکال گیاهی تزئین یافته است. شیردال (گریفون) با سر و بال عقاب و بدن شیر در کنار درخت مقدس نقش گردیده است. به نظر می‌رسد روبروی این شیردال (گریفون)، احتمالاً موجوداتی همانند قرار داشته‌اند. درخت مقدس در صحنه‌های مذهبی به صورت مسبک ظاهر و جنبه مذهبی داشته است. از قرون ۱۴ پیش از میلاد از دوره آشور میانی در بین النهرین به بعد شاهد چنین تحولاتی در تزئینات نقوش توسط هنرمندان این دوران بوده‌ایم (Amiet, 1996: 522).

این نکته شایان اشاره است، ایلامی‌ها موجود تخیلی شیردال را که ترکیبی از عقاب، سلطان آسمان‌ها و شیر سلطان خشکی‌ها را به عنوان محافظ معابد ابداع کرده‌اند. این موجود اساطیری در آن زمان برای سومری‌ها ناشناخته بود.



تصویر ۱۷: تصویر و طرح قطعه‌ای از آجر لعاب‌دار با نقش شیردال کنار درخت (Amiet, 1996:522)

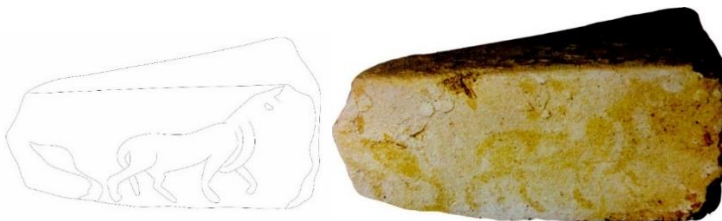
آجر لعاب‌دار با نقش سر گاو

آجر لعاب‌دار از جنس گل رس با تزئین چند رنگ با نقش نیم رخ سر گاو با شاخی که به طرف بالا خمیده شده است. این آجر دارای دو حاشیه تزئینی خارجی و داخلی است. حاشیه خارجی با خطوط برجسته موازی و حاشیه داخلی به صورت بقایایی از نقوش طنابی شکل یا لوزی‌های کوچک با نقطه‌ای در وسط که از نقوش تزئینی متداول در این دوره بوده است. طراحی نقش به صورت زاویه‌دار و باریک ارائه شده است (پرادا، ۱۳۵۷): ۸۸-۸۷). ابعاد: طول ۱۲/۸، عرض ۱۱/۲ سانتی متر، متعلق به دوره ایلام جدید که در موزه لوور نگهداری می‌شود.



تصویر ۱۸: تصویر و طرح آجر لعابدار با نقش سر گاو (پرادا، ۱۳۵۷: ۸۸-۸۷)

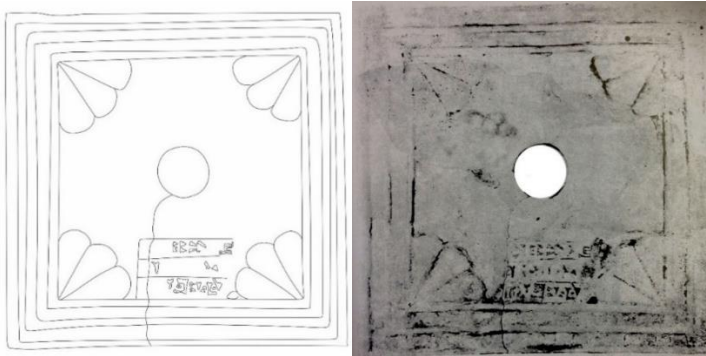
آجر لعاب دار با نقش گاو و دو بز از جنس گل رس با تزئین چند رنگ که در وجه افقی آن نقش دو بز با حاشیه‌ای از نقوش گیاهی با رشته‌هایی از گل و برگ به یکدیگر پیچیده شده است. در وجه عمودی آجر نقش دو گاو نر که در جهت مخالف یکدیگر با لعاب زرد رنگ بر زمینه سبزآبی نقاشی شده، در هزاره اول و دوم پیش از میلاد در معابد ایلامی مجسمه‌های گاو به عنوان محافظان ورودی‌های معابد قرار داده بودند. این جانور در بین النهرین نمادی از خدای ادد به شمار می‌رفت (Amiet, 1966, 521). در دوره بابل جدید و سپس در شوش هخامنشی این نقش بر آجرهای لعابدار کاخ نبوکدنصر و کاخ داریوش مشاهده می‌گردد. ابعاد: طول ۱۱ سانتی‌متر، ارتفاع ۱۴/۷ سانتی‌متر. محل کشف شوش و محل نگهداری موزه لوور می باشد.



تصویر ۱۹: تصویر و طرح آجر لعابدار با نقش گاو و دویز (Amiet, 1966, 521)

آجر لعاب دار با کتیبه شوتروک ناهونته اول و نقش گیاهی

آجر لعاب دار مربع شکل شکسته متعلق به دوره ایلام میانی مکشوفه از شوش با تزئین چند رنگ دارای لعاب سبز رنگ و نقوش محو و کمرنگ گل تزئین شده است (آمیة، ۱۳۸۱: شکل ۱۰۰). در هریک از چهار گوشه آن سه گلبرگ به حالت لچکی به رنگ-های سبز و زرد و در حاشیه بیرونی آن نیز خطوط موازی و راست گوشه های زرد رنگ به صورت برجسته نقش شده است. این آجر دارای کتیبه ای به خط ایلامی با نوشته شوتروک ناهونته است (مجیدزاده، ۱۳۷۰: ۸۲). ابعاد: طول ۳۸/۸، عرض ۳۸/۳ سانتی-متر. این اثر توسط دموورگان کشف شده و در موزه لوور نگهداری می شود.



تصویر ۲۰: تصویر و طرح آجر لعاب دار با کتیبه شوتروک ناهونته (آمیة، ۱۳۸۱: ۱۸۰).

محوطه باستانی چغازنبیل: معبد چغازنبیل که به نام موسس آن دوراوتاش نامیده شده است در ۴۰ کیلومتری جنوب شرقی شوش، واقع شده است. این نیایشگاه توسط اونتاش ناپیریشا پادشاه ایلامی برای ستایش ایزد اینشوشیناک و ناپیریشا در قرن سیزده پیش از میلاد ساخته و آن را وقف خدایان کرده است. این بنای مربع شکل، به ابعاد ۱۰۵ متر طول و عرض، ۵۲ متر ارتفاع، دارای دو حصار و هفت دروازه بوده است. این بنا توسط

میلیون‌ها خشت و هزاران آجر ساخته شده است که حدود ۵۰۰۰ آجر آن نوشته به خط ایلامی دارد. آجرها توسط مهر مکتوب نشده‌اند و هر یک جداگانه با دست نوشته شده ایلامی‌ها از خط برای تزیین بنا استفاده کرده‌اند، در شمال غربی سه معبد دیگر به نام‌های معبد ایشنیکرب، اوبان و الهه کیریرشا وجود دارد که هر کدام حیاط، نیایشگاه، اتاق وانبار دارند. همه این معابد از خشت خام ساخته شده‌اند و بخشهایی از آن آجرکاری‌ها، نیز نوشته دارند نخستین بار چغازنبیل توسط ژاک دمرگان در ۱۳۰۷/۱۸۹۰ میلادی و براون، خلبان نیوزلندی، در ۱۳۱۴ هجری شمسی / ۱۹۳۵ میلادی که به دنبال نفت بودند، شناسایی شد. رولان دو مکنم، نیز بررسی سطحی را بر روی آثار انجام داد. رومن گیرشمن از سال ۱۳۳۰ تا ۱۳۴۱ هجری شمسی / ۱۹۵۱-۱۹۶۲ میلادی این محوطه را کاوش کرد. گیرشمن می‌نویسد احتمالاً این معبد پنج طبقه به ارتفاع ۵۲ متر بوده که در دو مرحله مجزا ساخته شده است. در طبقه پنجم (اعلی)، مانند بناهای مشابه بابلی، معبد اینشوشیناک قرار داشته، در این طبقه نمایی از آجرهای لعاب‌دار آبی و سبز با اندکی لعاب طلایی و نقره‌ای و مزین به پلاک‌های چهار گوش لعاب‌دار آبی و سبز تزیین شده بود. امروزه فقط ۲/۵ طبقه از این معبد با ارتفاع حدود ۲۵ متر برجای مانده است. نمونه گل‌میخ‌ها و آجرهای لعاب‌دار باقی مانده در این بنا نشانگر تزیینات فاخر وابسته به معماری در این بنا بوده است. زیگورات چغازنبیل در مرکز شهر دوراوتاش قرار داشت که در سال ۶۴۰ پیش از میلاد به فرمان آشوربانیپال در جنگ با هومبان هالتاش آخرین شاه ایلام ویران شد. این معبد در سال ۱۳۴۸ به ثبت آثار ملی ایران رسید و در سال ۱۳۵۸ به ثبت جهانی یونسکو رسید.



تصویر ۲۱: تصویر هوایی از محوطه باستانی چغازنبیل 2017. www.Google.com,



تصویر ۲۲ تصویر آجرهای کتیبه‌دار از محوطه باستانی چغازنبیل
www.Google.com, 2017

آجر لعابدار با کتیبه اونتاش گال و نقش گیاهی

آجر لعابدار مربع شکل به ابعاد طول ۳۷ و عرض ۳۷ سانتی متر در هر چهار گوشه سه گلبرگ لچکی برجسته، با حاشیه تزئینی، سه ردیف خطوط برجسته موازی راست گوشه نقش شده است.

در مرکز آن بر سطح کلاهک کتیبه‌ای میخی ایلامی با نوشته‌ی اونتاش گال است که در معبد اینشوشیناک B، توسط گریشمن به دست آمده است (گریشمن، ۱۳۷۳: ۳۳۲). این گونه گل میخ‌های ساده و یا لعابدار از دوره ایلام میانی در تزئینات وابسته به بنا در ساختمان معابد و کاخ‌های ایلامی مورد استفاده قرار داده می‌شد (علیزاده، ۱۳۹۵: ۶۷).

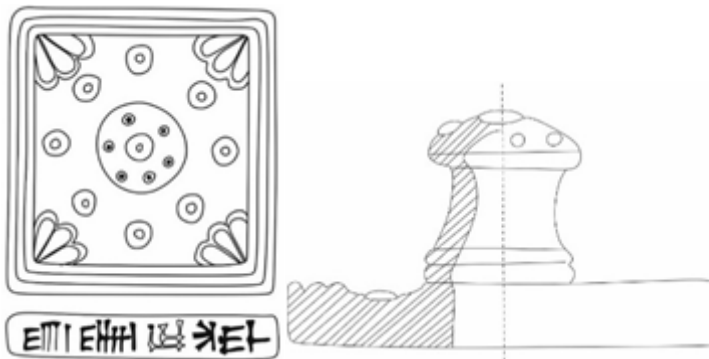


تصویر ۲۳: تصویر و طرح آجر لعابدار کتیبه‌دار (گریشمن، ۱۳۷۳: ۳۳۳)

آجر لعابدار با کتیبه اونتاش گال و نقش گیاهی

آجر لعابدار مربع شکل گل میخ‌دار به ابعاد طول ۳۸/۵ و عرض ۳۷/۵ سانتی متر به رنگ سبز آبی در هر یک از چهار گوشه آن سه گلبرگ لچکی برجسته با سه حاشیه تزئینی موازی راست گوشه برجسته و تزئینات دکمه‌ای شکل با لعاب شیشه‌ای سیاه و سفید نیز سطح آن را پوشانده است.

این آجر با کتیبه‌ای با نام اونتاش گال بر لبه آجر نقش شده است توسط گریشمن کشف و در موزه لوور نگهداری می‌شود (گریشمن، ۱۳۷۳: ۳۳۲). این نمونه تزئین در حدود ۲۶۰۰ سال پیش از میلاد در دوره سومریان مرسوم بوده و در دوره ایلام میانه به منزله چشم مراقب ایزدان در موزائیک‌های تزئینی دیوار و دستگیره در معابد به ویژه در چغازنبیل رایج بود (علیزاده، ۱۳۹۵: ۱۰۳). این گونه گل میخ‌های ساده و یا لعاب‌دار از دوره ایلام میانی در تزئینات وابسته به بنا در ساختمان معابد و کاخ‌های ایلامی مورد استفاده قرار داده می‌شد (علیزاده، ۱۳۹۵: ۶۷).



تصویر ۲۴ طرح آجر لعاب‌دار قبه‌ای برجسته، کتیبه و نقش گیاهی (گریشمن، ۱۳۷۳: ۳۳۳)

گل میخ لعاب‌دار با کتیبه اونتاش ناپیریشا

گل میخ لعاب‌دار از جنس گل رس با یک زائده دسته مانند که بر روی سطح کلاهک گل میخ کتیبه میخی ایلامی با نوشته اونتاش ناپیریشا وجود دارد. این گونه گل میخ‌های ساده و یا لعاب‌دار از دوره ایلام میانی در تزئینات وابسته به بنا در ساختمان معابد و کاخ‌های ایلامی مورد استفاده قرار داده می‌شد (علیزاده، ۱۳۹۵: ۶۷). این گل میخ توسط رومان گریشمن کشف و در موزه ملی نگهداری میشود



تصویر ۲۵ تصویر و طرح گل میخ لعاب دار کتیبه دار (علیزاده، ۱۳۹۵: ۶۷)

محوطه باستانی ملیان

ملیان یا انشان باستان در ۵۰ کیلومتری شمال شیراز و ۴۸ کیلومتری شمال غرب و غرب تخت جمشید، در دشت بیضا واقع شده است. این محوطه باستانی با وسعت بیش از ۲۰۰ هکتار شاید یکی از بزرگترین مراکز شهری در سراسر جنوب غرب ایران بوده است؛ به طوریکه آنشان، آنزان، آنشان و آنزان که نشان از یک جایگاه بلند دارند.

کاوش های تل ملیان در حوضه ی رود کر در دهه ی هفتاد میلادی (۱۹۷۴-۱۹۷۶) به سرپرستی ویلیام سامنر و دیگر پژوهشگران ازسوی دانشگاه های پنسیلوانیا، میشیگان و اوهایوی امریکا به انجام رسید، از جمله آثار به دست آمده تعدادی آجرهای لعاب دار کتیبه دار مربوط به دوره ی ایلام میانی و دیوار نگاره های منقوش از جنس گل پخته بود که در طی کاوش بدست آمد.

مطالعات انجام شده نشان داد این بنا نیز از نمونه کاخ های شناخته شده ی ایلامی است که در ابعاد کوچکتر با طرح و پلان اصلی اتاق ها و تزئینات معماری شبیه به معبد چغازنبیل ساخته شده و هنوز مشخص نیست در زمان کدام یک از پادشاهان ایلامی چون هومبان نوبان (۱۳۶۵ پ.م) اونتاش ناپیریشا (۱۳۶۰-۱۳۳۶ پ.م) شوتروک ناهونته

یا شیلهاک اینشوشیناک (۱۱۵۰-۱۱۲۰ پ.م) ساخته شده است. در مرحله دوم ساختمانی این بنا که بخش عمده‌ای از آن در اثر آتش سوزی از بین رفته است. تعداد زیادی آجر کتیبه‌دار متعلق به هوتلودوش اینشوشیناک بدست آمد که ساخت بنای معبدی را در انشان گزارش می‌دهد.

شایان ذکر است که در گاه اتاق ۲۶ با کاشی‌های دیواری و قبه‌های بدل چینی تزئین شده بود که آن را می‌توان قابل مقایسه با آجرهای لعاب‌دار چغازنبیل و آجرهای شوش دانست (کارت، ۱۳۷۳: ۵۳-۵۲). در اکتبر ۲۰۰۴ میلادی مصادف با ۱۳۸۲ شمسی به مدت شش هفته کاوش‌های این محوطه توسط تیمی از کالج دارتموث امریکا به سرپرستی کامیار عبدی و جان آلدن با همکاری میراث فرهنگی ایران صورت گرفت، در این کاوش تعدادی آجرهای کتیبه‌دار نیز به دست آمد.

از سوی دیگر در این بنا نمونه‌های اولیه از تزئینات وابسته به معماری به صورت دیوارنگاره‌هایی که بر روی اندود گل به اجرا در آمده و قابل مقایسه با دیوارنگاره‌هایی است که در هفت تپه به دست آمده و می‌تواند آغازگر این نوع سبک تزئینات در این دوران باشد. محوطه باستانی ملیان در اردیبهشت ماه ۱۳۵۴ با شماره ۱۰۴۶ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است.



تصویر ۲۶: تصویر هوایی از محوطه ملیان (www.google.com, 2017)



تصویر ۲۷: تصویری از محوطه باستانی ملیان (www.google.com) ۲۰۱۷

دیوارنگاره با نقش هندسی

قطعه‌ای از خشت رنگین با طول ۴۰ و عرض ۲۹ سانتی‌متر. این دیوارنگاره جنس گل رس پخته با نقوش قرینه هندسی حلزونی شکل به رنگ‌های قرمز، سیاه، سفید و زرد که از ترکیب این چهار نقش یک نقش هذلولی در میانشان بوجود آمده است. به نظر می‌رسد این سبک نقوش در تزئینات وابسته به معماری در این دوره مورد توجه هنرمندان

و صاحبان قدرت بوده که تاکنون نیز در سنت تزئیناتی ادامه داشته است. این اثر توسط ویلیام سامنر در کاوش های ملیان کشف و در موزه ملی نگهداری میشود



تصویر ۲۸: تصویر دیوار نگاره با نقش هندسی (موزه ملی ایران ۱۳۹۶)

دیوار نگاره با نقش هندسی

قطعه ای از خشت رنگین با ابعاد تقریبی طول ۲۴ و عرض ۳۳ سانتیمتر این دیوار نگاره از جنس گل رس پخته با نقوش هندسی به شکل خطوط موازی افقی که با رنگ- های سیاه، سفید، قرمز و زرد یک در میان ترسیم شده اند. این اثر توسط ویلیام سامنر در کاوش های ملیان کشف و در موزه ملی نگهداری میشود به نظر می رسد این سبک نقوش در تزئینات وابسته به معماری در این دوره مورد توجه هنرمندان و صاحبان قدرت بوده که تاکنون نیز در سنت تزئیناتی ادامه داشته است.



تصویر ۲۹ تصویر دیوار نگاره با نقش هندسی (موزه ملی ایران ۱۳۹۶)

برآیند: در طی یک صد ساله اخیر حفاری‌های گسترده باستان‌شناسی در جنوب و جنوب غرب، ایران مجموعه فرهنگی ارزنده‌ای از تزئینات وابسته به معماری را آشکار و تاریخ آغاز نقاشی بر دیوار نگاره‌ها را از هزاره دوم پیش از میلاد تا اواسط هزاره اول پیش از میلاد با بناهای فاخر برجای مانده از دوران ایلامیان، در تداوم هنر در راستای تزئینات وابسته به معماری و پیشرفت آن را پدیدار ساخته است. این سیر هنری چند هزار ساله که بر روی بقایایی از گل پخته، خشت‌های رنگین و آجرهای لعاب‌دار بر جای مانده بود، به مثابه ارسال پیام از طریق اندیشه‌های نهان اقوامی است که در این محدوده‌های جغرافیایی میزیسته و توسط چیره‌دستی هنرمندان و صنعتگران زمان به ما رسیده است. بنابراین این فرایندی تواند از منظر تاریخ مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. این پژوهش در نهایت به شناخت و درک هنر از دیدگاه تاریخی، مذهبی، سیاسی اجتماعی و حتی باورهای ساکنان این محوطه‌های باستانی که موجب شکل‌گیری این عناصر تزئینی معماری شده است منجر می‌شود.

کتیبه‌های ایلامی بر جای مانده، از ساخت آجرهای لعاب‌دار از دوران ایلام میانی و از دوران شوتروک ناهونته، شیلهاییک اینشوشیناک و اونتاش‌گال بر دیوارهای معابد و کاخ‌های این دوران در مکان‌های باستانی هفت‌تپه، شوش، چغازنبیل و ملیان با خطوط میخی ایلامی تجلی پیدا کرده است. تاریخ‌گذاری نسبی این آثار از قرن دوازدهم الی هفتم پیش از میلاد بوده که اوج تکنیک آن را در آجرهای لعاب‌دار معبد شوتروک ناهونته می‌توان دید. این هنر تزئینی همچون روزنه‌ای در جهت شناخت پیشرفت و توسعه صنعت لعابکاری و ادامه استفاده از این تزئینات در کاخ‌ها و معابد از دوران ایلام میانی تا دوران ایلام جدید به شمار آورد. بررسی این دیوار نگاره‌ها که آغاز آن از هنر ایلام

میانی شروع می گردد بازگو کننده اندیشه و باورهای انسانهایی است که در طول هزاران سال با پیشینه تاریخی خود برای توسعه ی این هنر و با تلفیق برخی نمادهای اسطورهای مورد توجه سازندگان و هنرمندان عصر خود قرار داده و یادآور تقدس ایلامیان از باورهای دینشان با توجه به نوع تصویرسازی از موجودات اساطیری و گیاهان به تصویر کشیده بوده است بررسی محتوای نقش و لعاب موجود در کنار تزئینات بکار رفته بر روی آجرها نشان می دهد، اکثریت این آجرها مربوط به یک ساختار معماری مذهبی و یا کاخ معبد می باشد. این نکته حائز اهمیت است که صنعتگران و هنرمندان در خلق نقش مایه ها و دستاوردهای هنری همواره به گونه ای ملموس به خلق و بیان دیدگاه ها و نظرات فنی و هنری خویش که تبلوری از چگونگی وضعیت سیاسی، اجتماعی و مذهبی و باورهای شان بود پرداخته اند. این هویت مستقل را می توان به عنوان نماد و نشانه ای از وجوه حکومتی مستقل ایلامی ها در این حوزه های فرهنگی به شمار آورد.

منابع فارسی

- آمیه، پیر؛ (۱۳۴۹)، تاریخ ایلام، ترجمه شیرین بیانی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- آمیه، پیر؛ (۱۳۶۵)، شهرنشینی ایلام در شوش، نظری اجمالی به شهرنشینی و شهرسازی در ایران؛ ترجمه افسانه خلعت بری، به کوشش محمد یوسف کیانی، مرکز باستان شناسی ایران، سازمان ملی حفاظت آثار باستانی موزه ایران باستان.
- بلک، ج.، (۱۳۸۳)، فرهنگ نامه خدایان، دیوان و نهادهای بین النهرین باستان، ترجمه پیمان متین، انتشارات امیرکبیر
- پرادا، ادیت، (۱۳۸۳)، هنر ایران باستان، ترجمه یوسف مجیدزاده، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- پیوتروفسکی، بوریس، (۱۳۸۱)، ترجمه رشید برناک، انتشارات نشر اندیشه نو، چاپ اول.

- رواسانی شاپور، (۱۳۷۰)، جامعه‌ی بزرگ شرق.
- علیزاده عباس؛ (۱۳۶۵)، آرامگاهی مربوط به دوره ایلام نو در ارجان نزدیک بهبهان، مجله اثر شماره ۱۴، (۱۳۱-۱).
- _____؛ (۱۳۹۱)، روند پیچیدگی اجتماعی و سیاسی در جهان ایلامی، پیام باستان‌شناس، بهار و تابستان ۱۳۹۱، شماره ۱۷ (۸۷-۱۰۲).
- _____؛ ۱۳۹۵. آثار برگزیده از طرح ساماندهی مخازن موزه ملی ایران، به مناسبت یکصدمین سال تاسیس موزه ملی ایران، هفتادمین سالگرد تاسیس ایکوم، ۱۳۹۵.
- فریه، دلیو، هنرهای ایران، ترجمه پرویز مرزبان، نشر فرزانه، ۱۳۷۴.
۱۱. کارتر، الیزابت؛ (۱۳۷۲)، بنای ایلام میانی در انشان (تل ملیان)، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، دوره هفتم، شماره ۱۳ و ۱۴ (49-55)،
۱۲. گریشمن، رومن؛ (۱۳۷۳)، چغازنبیل، ترجمه ع. ا. کریمی، جلد ۴-۱ چاپ هفتم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۳. مجیدزاده، یوسف؛ (۱۳۷۰)، تاریخ و تمدن ایلام، چاپ اول، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۱۴. _____؛ (۱۳۶۹)، «جام ارجان» باستان‌شناسی و تاریخ شماره ۹، ۸، زمستان ۶۹، ۱۱-۲۶.
۱۵. _____؛ (۱۳۸۰)، تاریخ و تمدن بین‌النهرین، جلد سوم، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول
- _____؛ (۱۳۸۲)، جیرفت، کهن‌ترین تمدن شرق، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
۱۷. _____؛ (۱۳۷۳)، شوش کهن‌ترین مرکز شهرنشینی جهان، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور.
۱۸. _____؛ (۱۳۷۶)، مروری بر پنجاه سال باستان‌شناسی ایران، چاپ اول، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.

۱۹نگهبان، عزت‌الله؛(۱۳۷۲)، حفاری هفت تپه دشت خوزستان، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور.

۲۰ نیاکان، لیلی؛(۱۳۹۶)، «حلقه‌های قدرت در دوره ایلامی»، فصلنامه تخصصی باستان شناسی، سال اول، شماره دوم، بهار ۹۶.

۲۱. _____، (۱۳۸۳) بررسی تکنیک ساخت آجرهای لعابدار در دوران باستان، مجموعه مقالات دومین کنگره تاریخ معماری ری و شهرسازی ایران

۲۲. _____، (۱۳۷۸)، خلاصه ای از مطالعات فنی آجرهای بوکان، باستان شناسی هنر ایران، مرکز نشر دانشگاهی تهران، چاپ اول.

۲۳. _____ (۱۳۷۶) ساخت آجرهای لعابدار و سیر تحول آن از هزاره دوم پیش از میلاد تا پایان دوران هخامنشی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس،

۲۴. سایت های اینترنتی

منابع لاتین

1. Andere Parrot, 1969. Assur
2. Andrae, W, 1925 Coloured Ceramics from Ashur (Berlin,).
3. Andrae, W "1913).Die Stelenreihen in Assur", Wissenschaftliche Veroffentlichungen der Deutschen Orient- Gesellschaft (WVDOG), Lripzig-Berlin,).
4. Amiet, P. and Lambert, (1979 "Elements emailles du décor architecturale neo-elamite"
5. Carter, E.and Stolper, M.W, 1984..., Elam: Survey of Political History and Archaeology, University of California Publications, Near Eastern Studies, Vol.25 (University of California Press,
6. Carter, E., 1971. Elam in the Second Millennium B.C., the Archaeological ph.D. Dissertation, University ofChicago,
7. Moortgat, A., 1969.The Art of Ancient Mesopotamia, Phaidon Press, London.
8. Mequenem, R. de, 1949)."Epigraphie pro- elamite", Memoires de la Mission archeologique en Iran 31

9. Mequenem, R. de, 1943 " Fouilles de Suse: 1933-1938" Memoires de la Mission archeologique en Iran 29
- 10.Mequenem, R. de, 1905)."Offrandes du Temple de Shushi-nak", Memoires de la Delegation en Perse 7)
- 11.Jacobsen, the Sumerian King List.
- 12.Peohed, A, 1939 "The Name of Elam in Sumerian, Akkadian and Hebrew, American Journal of Semitic Languages and Literatures
- 13.Parrot, A., 1949 "Ziggourats et Tour de Babel, Paris.
- 14.Parrot, A., 1959 Mission Archeologique de Mari, Vol.2.Le Palais, Paris, Paul Geuthner
- 15.Sumner, W., "Excavation at Tall-I Malyan, 1971-1972, Iran 12.
- 16.Vanden Bergh, L. 1983: Reliefs rpestres de l' Iran ancien, Brussels: Muse`es Royaux d` Art ET d` Historie.

روابط تمدن ارتا^{۲۴} با تمدن‌های شرق بین‌النهرین و حوزه‌ی رودخانه کرخه

دکتر پریسا پورمحمدی^{۲۵}

چکیده

شرایط و موقعیت جغرافیایی فلات ایران موجب شده تا این منطقه از جهان از دیرباز سکونتگاه انسان و مهد تمدن و فرهنگ باشد. تنوع اقلیمی، منابع آب، وجود ناهمواری‌های البرز و زاگرس، دشت‌ها، جلگه‌ها، خصوصاً حواشی و سواحل خلیج فارس در نواحی جنوب و جنوب غربی ایران شرایط مساعدی را در این زمینه فراهم ساخته است. استقرار در دهکده‌ها و سکونتگاه‌های مختلف موجب ایجاد کهن‌ترین تمدن‌ها در این منطقه شده است. محدوده‌ی تمدن ایلام از مرزهای شرق بین‌النهرین (رودخانه کرخه و دویرج در منطقه موسیان و دهلران در غرب فلات ایران) تا حوزه‌ی هلیل رود در ناحیه‌ی کوهستانی کرمان و در بخش جنوبی فلات ایران و کناره‌های خلیج فارس به دلیل وجود آب‌های روان موقعیت مناسبی برای سکونت و استقرار داشته است. این منطقه از دوران کهن تا به امروز شاهد شکل‌گیری تمدن‌ها و فرهنگ‌های مختلفی بوده است. مقایسه سفال‌های مکشوفه از تپه‌های حوزه هلیل رود با سفال‌های شوش، ارتباط تمدنی ساکنان کرمان را با حوزه‌ی جنوب غربی ایران نشان می‌دهد. در این مقاله تلاش شده تا با بررسی تحولات فرهنگی و باستان‌شناختی حوزه رودخانه کرخه با تمدن‌های حوزه‌ی هلیل رود در دوران باستان، شناخت بیشتری در مورد روابط تمدن‌های این منطقه بویژه فرهنگ‌های مستقر در ایران جنوبی و بین‌النهرین کسب کرد.

واژگان کلیدی: آراتا، هلیل رود، علی کش، موسیان، اربلا، زاگرس.

24 - Arata

25 - دانش‌آموخته دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه هنر شیراز.

مقدمه: مستندات تاریخی و کاوش علمی باستان‌شناسی نشان می‌دهد سابقه سکونت انسان در پهنه‌ی فلات ایران به چند هزار سال باز می‌گردد. محدوده‌ی کوهستانی زاگرس به دلیل جاذبه‌های جغرافیایی چون: منابع آب، پوشش جنگلی و مرتعی متنوع، دشت‌های میان‌کوهی و جلگه‌ای حاصلخیز دامنه‌های جنوب و جنوب غربی، موقعیت مناسبی برای زندگی انسان در دوران مختلف فراهم آورده است.

در محدوده شمال خلیج فارس از حوزه هلیل رود تا رودخانه‌ی کرخه و شرق تمدن‌های بین‌النهرین آثار متعدد و ارزشمندی از دوران باستان بر جای مانده که نمایانگر عظمت و اقتدار تمدن و فرهنگ ایران زمین در این منطقه از فلات ایران می‌باشد.

از این رو، در این نوشتار در مورد راه‌ها و معابر باستانی جنوب ایران از هلیل رود تا مرزهای بین‌النهرین مطالبی ارائه شده است. در حوزه هلیل رود، در بخش جنوب شرقی ایران تمدن مهمی چون آراتا وجود داشته که معرفی فرهنگ و تحولات تمدنی آن با اهمیت می‌باشد. از جهتی تلاش در جهت شناخت زوایای ارتباطی آن با بین‌النهرین نیز می‌تواند در شناسایی تاریخ تمدن‌های ایران زمین مهم قلمداد گردد.

ویژگی‌های جغرافیایی منطقه

رشته کوه زاگرس شامل کوه‌های متعدد و مرتفعی است که به موازات یکدیگر امتداد یافته و بخش عمده‌ای از غرب و جنوب کشور را از کردستان تا منطقه کرمان در بر گرفته است. جهت امتداد کوه‌ها در این پهنه گسترده، شمال غربی - جنوب شرقی است. این عامل مانع نفوذ بادهای باران‌آور غربی به داخل فلات ایران گردیده و بیشترین بارش ناشی از جریان توده‌های هوایی را به خود اختصاص داده است از این رو، کوهستان زاگرس منبع و سرچشمه بزرگترین رودهای کشور است.

شعبات مختلف رود دجله (تیگرس) در غرب فلات ایران و رودهای کرخه، کارون، آبدیز، جراحی، زهره، دالکی، مند، کر، شور، میناب و هلیل رود از دامنه‌های زاگرس در جنوب فلات به سمت دشت‌ها و جلگه‌های حاصلخیز جنوب و جنوب غربی ایران جریان دارند و در نهایت به خلیج فارس می‌ریزند.

این موقعیت موجب شده تا بیشترین استقرارها و دهکده‌های اولیه بشری در کنار این رودها ایجاد شوند. لذا سراسر ناحیه جنوبی ایران در حدفاصل دو پدیده جغرافیایی، زاگرس و خلیج فارس، از غرب تا شرق، جایگاه و بستر تمدن و فرهنگ ساکنان بومی و مهاجران بوده است.

تپه‌های موسیان دهلران، چگا آهوان مهران، شهر باستانی شوش، لیان بوشهر، تخت جمشید فارس، مشهد مرغاب تا آثار شگفت‌انگیز حوزه‌ی هلیل رود و جیرفت و به سمت شرق تا دره‌ی سند، سلسله آثار به جای مانده از تمدن‌های باستانی ایران زمین می‌باشند که در شمال دریای نیل گون خلیج فارس در طول قرون و اعصار، نماد فرهنگ و مدنیت ایران زمین بوده‌اند.

در این نوشتار این هدف دنبال شده است تا ضمن معرفی آثار و ابنیه منطقه، راه‌ها و معابر باستانی حاشیه‌ی جنوبی ایران را به عنوان عامل و زمینه‌ی ارتباط بین تمدن‌های باستانی حوزه‌ی هلیل رود در شمال خلیج فارس و تمدن‌های میان رودان مورد بررسی و مطالعه قرار دهد.

کشف و شناسایی بسیاری از شواهد فرهنگی در محوطه‌های باستانی، خصوصاً سفال و طبقه بندی نوع، رنگ، نقش و دیگر مشخصات ظروف سفالینه، می‌تواند در شناخت برخی شاخص‌های ارتباط بین تمدن‌ها مؤثر باشد که در این نوشتار به آن توجه شده

است. سبک معماری و مصالح به کار رفته در بناها و بسیاری شواهد فرهنگی دیگر می تواند ما را در شناسایی انگاره های ارتباط یاری نماید.

راه های باستانی در بخش جنوبی فلات ایران

راه ضرورتی اجتناب ناپذیر برای مراکز استقرار و جمعیت بوده است. به دلیل موقعیت فلات ایران و موانع طبیعی شمال و جنوب آن (دریای مازندران، نواحی سرد سبیری در شمال و خلیج فارس، دریای عمان و اقیانوس هند در جنوب) امکان ارتباط غرب و شرق در دنیای باستان فقط از محدوده خشکی ها امکان پذیر بوده است، شرایط ناهمواری ها واقلم سرزمین ایران ایجاب می نماید که در فصول مختلف این ارتباط استمرار داشته باشد لذا راه شرق- غرب در جنوب دریای خزر برای تمام فصول سال امکان پذیر نبوده است. از این نظر نیاز به راه جنوبی که بتواند سرزمین بین النهرین را به مشرق زمین و شرق دور متصل سازد مورد توجه بوده است.

وجود آثار متعدد از دوران مختلف تاریخ در محدوده ی شمال خلیج فارس دلیلی بر وجود راه های ارتباطی و مواصلاتی است. جاده ی شاهی (شاهراه باستانی) که تخت جمشید را از طریق شوش به میان رودان و سرزمین لیدیه در آسیای صغیر ارتباط می داد، مهم ترین مسیر ارتباطی تمدن های غرب به سمت شرق بوده است. این راه باستانی، تخت جمشید را به شوش وصل می کرد و از شوش از دو طریق به میان رودان ارتباط پیدا می کند. یکی راه شمال غربی که از شوش به سمت نواحی غربی کرمانشاه و سپس به شمال عراق فعلی (اربلا) امتداد می یافت و با جهت شرق به غرب به سارد پایتخت لیدی متصل می شد. راه جنوبی نیز شوش به سمت منطقه موسیان و دهلران امتداد می یافت و سپس به مراکز حکومتی سومر، اکد و بابل مرتبط می شد.

معمولاً راه‌های جدید بر روی راه‌های قدیمی و یا در مسیر و نزدیک آنها ایجاد گردیده، لذا بیشتر راه‌های باستانی در ادوار قبل از خود نیز مورد استفاده قرار گرفته است. در مقدمه کتاب تاریخ ایلام آمده است: شوش مرکز تلاقی دو تمدن مهم بوده است، که هر یک در دیگری تأثیر بسیار داشته است. یکی تمدن جلگه بین‌النهرین و دیگری تمدن فلات ایران.... ایلام در زمان‌های قدرت، کشوری ثروتمند و آباد و شوش یکی از چهار راه‌های دنیا محسوب می‌شد و با وسایل ارتباطی سهل با بین‌النهرین و آسیای صغیر و... مرتبط می‌گردیده است (آمیه، ۱۳۸۱: ۱۲).

بررسی اسناد و مدارک تاریخی نشان می‌دهد که شهرهای منطقه کرمان از طریق جاده‌های باستانی با منتطق آباد عصر خود در ارتباط بوده‌اند. در این رابطه دکتر عزیزاله بیات (۱۳۶۷) در کتاب کلیات جغرافیای طبیعی و تاریخ ایران نوشته است:

بم در مسیر جاده‌هایی که جنوب غربی ایران را با سیستان، افغانستان و بلوچستان مرتبط می‌کند قرار دارد. در بخش دیگری اشاره به شهر سیرجان شده است که بر سر راه فارس به کرمان واقع شده است. مارکوپولو، تاجر ونیزی در سفر طولانی و معروف خود از شهر جیرفت به نام «کامادای» یاد کرده است، او به ویرانی کامل شهر اشاره دارد.

پیر آمیه (۱۳۸۱). نوشته است: شوشی‌ها راه‌های خود را که از مراکز تجاری می‌گذشت امتداد و توسعه دادند... شوشی‌ها بدین ترتیب حداقل تا ایران مرکزی پیش رفتند و در این ناحیه مثلاً روی ویرانه‌های دهات قدیمی در تپه سیلک بناهایی ایجاد کردند.

در متون سومری به سرزمین آراتا Arata اشاره شده است که پادشاهان سومر پیک‌هایی به سرزمین آراتا فرستاده تا در زمینه‌ی مبادله کالا و مساعدت آراتا به سومریان برای از بین بردن مهاجمان با حاکمان این سرزمین مذاکره نمایند.

مسیر عبور پیک های حاکمان سومر به سرزمین آراتا از شوش پایتخت ایلام و ایالت انشان بوده است. این موضوع نقش ارتباطی راه های مواصلاتی سومر - شوش - انشان به سمت آراتا را بیشتر مشخص می سازد.

روی هم رفته اکثر مورخان و سیاحان در آثار خود به راه های ارتباطی منطقه ی کرمان و هلیل رود به سمت غرب و بین النهرین اشاره نموده اند.

باستان شناسی حوزه ی هلیل رود

استقرار در مناطق حوزه ی هلیل رود دارای قدمتی طولانی است که در این مبحث به موقعیت آن در دوران پیش از تاریخ اشاره می شود.

پژوهش های باستان شناسی نشان می دهد که ساکنان حوزه ی هلیل رود در جنوب شرقی ایران از هزاره نهم ق - م با گذر از دوره ی غارنشینی به دشت ها سرازیر شده و در دهکده های اولیه استقرار یافته اند.

بررسی استخوان های به دست آمده از لایه های نوسنگی تل ابلیس نشان می دهد که ساکنان این منطقه همراه با فعالیت های کشاورزی امر دامداری و اهلی کردن دام را رواج داده اند. کشف داس سنگی در تپه یحیی و نمونه های مشابه آن در تل ابلیس تحول در فعالیت های کشاورزی در شرایط مساعدی برای دامداری بیشتر روشن می شود. استمرار و ادامه تحولات دوره ی نوسنگی با پیدایش سفال در هزاره پنجم ق - م در حوزه ی هلیل رود و دشت جیرفت گستره ی تمدن این منطقه را در نوسنگی بیشتر روشن نموده است.

بررسی و مقایسه سفال های مکشوفه از تپه های حوزه ی هلیل رود با سفال های شوش ارتباط تمدن ساکنان کرمان را با حوزه ی جنوب غربی ایران نشان می دهد.

تل ابلیس در سال ۱۹۳۱ به وسیله اورل اشتاین (سیاح و باستان شناس انگلیسی) مورد بررسی قرار گرفته و به دنبال آن پروفیسور کلدول^{۲۶} در سال ۱۹۶۴ در این تپه باستانی به پژوهش می پردازد و آثار مهمی مربوط به ادوار پیش از تاریخ کشف نموده است. اعزام کارلوسکی سرپرست هیئت باستان شناسی دانشگاه هاروارد به جیرفت و به دنبال آن کشف تپه یحیی و هفت فصل حفاری و کاوش در این محوطه، بخش عمده ای از تاریخ هزاره های پنجم تا سوم قبل از میلاد حوزه ی هلیل رود روشن می شود. نکته مهم در حفاری و کاوش های کارلوسکی در تپه یحیی کشف بازمانده یک شهر باستانی است که قدمت آن موجب شده تا در مورد این فرضیه که آغاز تمدن بشر را میان رودان دانسته اند تأمل بیشتر صورت پذیرد.

ایلام وانشان

حفاری ها و کاوش های باستان شناسی در چند دهه گذشته اطلاعات و دانش بیشتری در مورد محدوده تمدن ایلام باستان و سرزمین انشان ارائه داده است. به طوری که کشفیات باستان شناسی ملیان فارس و به دنبال آن یافته های باستان شناسان داخلی از جمله دکتر یوسف مجیدزاده و میرعابدین کابلی در شهداد، تل ابلیس و تپه یحیی و نیز به استناد گل نبشته های سومری، سرزمین آراتا را در منطقه کرمان و حوزه ی هلیل رود معرفی نمود. بدیهی است این تلاش ها باید استمرار یابد تا با کشفیات جدید بتوان به اهداف مورد نظر در مورد موقعیت تمدنی سرزمین ارتا Arata در منطقه جنوب شرقی کشور دست یافت.

²⁶ -Caldeell

حوزه ی کرخه و دویرج

حواشی رودخانه ی دویرج در موسیان دهلران خصوصاً تپه علی کش در هزاره هفتم ق-م دارای استقرار بوده و ظهور سفال در این منطقه به حدود ۶۰۰۰ ق.م می رسد. بررسی شواهد و شناسه های باستان شناسی، تقارن و هم زمانی ساکنان علی کش را با حوزه ی هلیل رود نشان می دهد. با توجه به این که موسیان در مسیر ارتباطی تمدن های جنوبی ایران با تمدن های بین النهرین (سومر، اکد و بابل و...) قرار گرفته لذا بررسی ارتباط فرهنگی و تمدن حوزه ی هلیل رود با تمدن های میان رودان خصوصاً سومری ها بدون بررسی و شناخت بیشتر تمدن و فرهنگ ساکنان موسیان و دهلران ناقص خواهد بود.

بین النهرین صغیر

در این رابطه نکته دیگری قابل طرح است که در حوزه ی رودخانه های میمه و دویرج، در محدوده ی موسیان و دهلران که باید به نام بین النهرین صغیر از آن یاد کرد آثار مهمی از گذشته برجای مانده که تقریباً تقارن آن با حوزه ی هلیل رود قابل تأمل است. ذکر یکی از رویدادهای تاریخی در مورد شهر منس در مسیر لشکر کشی اسکندر می تواند مورد توجه باشد.

شهر منس

اسکندر مقدونی پس از تصرف شهرهای کنار دریای مدیترانه و مصر به سمت شرق حرکت می کند و به شهرهای دمشق، حران و نصیبین می رسد. او از اربیل روانه بابل شد و در بین راه به شهر منس^{۲۷} رسید. در این شهر غاری بود که از دامنه آن چشمه قیر

^{۲۷}-Mennes

جاری بود و بابل‌ها از آن برای قیراندود کردن خانه‌های خود استفاده می‌کردند. مسیر لشکرکشی اسکندر به سمت بابل از شرق رود دجله بوده است و شهر منس هم در این مسیر واقع شده بود. با توجه به این که شهر فعلی موسیان و تپه‌های پیش از تاریخ آن در ۱۵ کیلومتری جنوب شرقی دهلران قرار دارد و با نقشه مسیر لشکرکشی اسکندر به سمت بابل تطبیق می‌کند. لذا احتمالاً منطقه موسیان همان شهر منس بوده باشد که به هر حال تحقیقات علمی را می‌طلبد (محمودیان، ۱۳۹۸: ۲۷۲).

هم‌زمانی و تقارن ساکنان موسیان با ساکنان حوزه‌ی هلیل رود و اینکه دهکده‌های اولیه در منطقه موسیان قبل از ساکنان سومر و بابل به کشاورزی و کشت دانه‌ها مبادرت ورزیده‌اند، لذا وجود ارتباط بین موسیان و هلیل رود محتمل است. از این رو، تحقیقات علمی در این زمینه بسیار مهم و ضروری خواهد بود.

خلاصه

استان کرمان خصوصاً حوزه‌ی رودخانه هلیل رود با توجه به یافته‌های پژوهشی باستان‌شناسی از مراکز عمده تمدنی فلات ایران است و استقرار در این منطقه به اوایل دوره‌ی نوسنگی بر می‌گردد، گسترده‌گی شواهد و آثار فرهنگی موجود در محوطه‌ها و تپه‌های باستانی شهداد، تپه یحیی، تل ابلیس، جیرفت و حوزه‌ی رودخانه هلیل رود نشانگر اهمیت و عظمت فرهنگ و تمدن این دیار در اعصار باستانی است.

این سؤال مطرح می‌باشد که آیا محدوده‌ی استان کرمان خصوصاً حوزه‌ی هلیل رود، شهداد و جیرفت می‌تواند سرزمین آراتای باستان باشد؟

فعالیت‌های گسترده باستان‌شناسی در منطقه‌ی شهداد و جیرفت توانسته است سرخ‌های اولیه را برای شناسایی موقعیت سرزمین آراتا پیدا نماید. یافته‌های باستان‌شناسان

در ملیان فارس منسوب به ایلام باستان و به دنبال آن تلاش‌های علمی باستان‌شناسان داخلی از جمله دکتر یوسف مجیدزاده و میرعابدین کابلی اطلاعات جدیدی در این رابطه ارائه گردیده که با استناد به گل‌نشته‌های سومری در مورد تمدن سرزمین آراتا در محدوده کرمان فصل جدیدی را در تاریخ باستانی این سرزمین ورق زده است. بدیهی است این تلاش‌ها باید استمرار یابد تا با کشفیات جدید بتوان به اهداف مورد نظر در مورد موقعیت تمدن سرزمین آراتا در منطقه جنوب شرقی کشور دست یافت. در این نوشتار در زمینه راه‌ها و معابر باستانی حوزه‌ی جنوبی ایران در شمال خلیج فارس اطلاعاتی ارائه شد که هدف عمده این فعالیت‌ها شناخت تمدن‌های مسیر ارتباطی حوزه‌ی هلیل رود تا حوزه‌ی رودهای کرخه و دویرج در منطقه‌ی موسیان و دهلران بوده است. به نظر می‌رسد هم‌زمانی استقرار ساکنان موسیان و دهلران در حوزه‌ی رودخانه کرخه و دویرج با ساکنان حوزه‌ی هلیل رود نکته مهمی باشد که توجه به آن قابل تأمل است، از جهتی دیگر بررسی و مطالعه‌ی ارتباط تمدن‌های کرمان و هلیل رود با تمدن‌های بین‌النهرین بدون مطالعه و بررسی تمدن موسیان که دروازه ارتباط با بین‌النهرین به حساب می‌آید، ناقص خواهد بود. بنابراین، بررسی اسناد و شواهد باستان‌شناسی و نیز مستندات مرتبط با راه‌ها و جاده‌های تاریخی منطقه، می‌تواند در تحقق اهداف مورد نظر مؤثر باشد.

منابع

۱. آمیه، پیر، (۱۳۸۱)، تاریخ عیلام، ترجمه دکتر شیرین بیانی، دانشگاه تهران.
۲. بیات، عزیزاله، (۱۳۶۷)، کلیات جغرافیای طبیعی و تاریخی ایران، امیر کبیر
۳. رابینسون، چارلز الگزاندر، (۱۳۷۰)، تاریخ باستان، ترجمه دکتر اسماعیل دولت شاهی، انتشارات و آموزش انقلاب فرهنگی.
۴. مالوان، م.ا.ل، (۱۳۷۲)، بین النهرین و ایران باستان، ترجمه رضا مستوفی، دانشگاه تهران.
۵. ماهری، محمودرضا، (۱۳۷۹)، تمدن های نخستین کرمان، مرکز کرمان شناسی.
۶. مجید زاده، یوسف، (۱۳۷۰)، تاریخ و تمدن ایلام، مرکز نشر دانشگاهی.
۷. محمودیان، حبیب اله، (۱۳۷۷) راه ها و معابر باستانی غرب زاگرس در دوران پارت و ساسانی، سبز رویش.
۸. محمودیان، حبیب اله، مقاله، ارتباط سیاسی و اقتصادی ایلام و بین النهرین، فرهنگ ایلام.
۹. ملک شه میرزادی، صادق، (۱۳۷۳)، مبانی باستان شناسی ایران، بین النهرین، مصر، محیا

بررسی مدیریت یکپارچه آثار تاریخی ، امکان سنجی سیستم اطلاعات مکانی

محمدجواد خانزادی^{۲۸}، دکتر امید علی عادل^{۲۹}

چکیده

خلاً وجود یک سیستم اطلاعاتی^{۳۰} برای مدیریت یکپارچه آثار تاریخی ثبت شده در فهرست آثار ملی و جهانی، در وزارت میراث فرهنگی کشور ملاحظه می شود. سیستم اطلاعات مکانی^{۳۱} به عنوان ابزاری مهم در مدیریت داده های تاریخی است که با فراهم ساختن امکان یکپارچه سازی داده های حاصل از منابع مختلف، می تواند به مدیریت بهتر آثار تاریخی کمک کند. در این پژوهش برای گردآوری و تدوین ادبیات نظری از روش کتابخانه ای و برای گردآوری اطلاعات، از پرسشنامه استفاده شد. جامعه آماری این پژوهش شامل مدیران و کارشناسان معاونت میراث فرهنگی کشور و کارشناسان مسئول ثبت آثار استان ها بوده است. با توجه به وجود زیرساخت های لازم جهت استقرار سیستم اطلاعات مکانی در وزارت میراث فرهنگی کشور، امکان استقرار این سیستم از طریق بهبود سیستم ها و فرآیندها و نیز ارتقاء آگاهی کارکنان برای مدیریت یکپارچه آثار تاریخی کشور افزایش خواهد یافت. از این رو در این مقاله تلاش شده تا فرایند شکل گیری و اجرای این طرح مورد بررسی قرار گیرد.

^{۲۸} - دانش آموخته رشته مدیریت اجرایی از دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام

^{۲۹} - استادیار گروه مدیریت دانشگاه قم .

^{۳۰} - Information System (IS)

^{۳۱} - Geographic Information System (GIS)

واژگان کلیدی: مدیریت یکپارچه آثار تاریخی، سیستم اطلاعات مکانی، میراث فرهنگی، بهبود سیستم‌ها و فرایندها، حفاظت آثار.

مقدمه: فرایند بهبود سیستم‌های موجود و یا طراحی سیستم‌های نوین در سازمان، طراحی و بهبود سیستم‌های اطلاعاتی است. پاسخگویی به نیازهای کاربران دلیل عمده طراحی و بهبود سیستم‌های اطلاعاتی است. کاربران اعم از مدیران یا غیر مدیران در رابطه با انجام وظایف و تصمیم‌گیری، نیازمند اطلاعاتی هستند که بر مبنای داده‌های جمع‌آوری شده از منابع مختلف و پردازش آن‌ها تأمین می‌شوند؛ بنابراین، نیاز اطلاعاتی شرط اصلی در طراحی یا بهبود سیستم اطلاعاتی به شمار می‌رود.

نیاز اطلاعاتی معرف شکاف بین تصمیم خوب و تصمیم واقعی است. مراد از تصمیم خوب تصمیمی است که نود درصد بر اطلاعات استوار باشد. نیاز اطلاعاتی به‌نوبه خود نیاز به طراحی سیستمی را مطرح می‌سازد تا بتوان اطلاعاتی مرتبط، صحیح، بهنگام، اقتصادی و جامع را طراحی و مستقر کرد. امروزه سیستم‌های اطلاعاتی به دلیل گسترش فناوری اطلاعاتی، به‌صورت رایانه محور طراحی می‌شوند. به سخن دیگر، باید گفت سیستم‌های اطلاعاتی به‌صورت سنتی نیز وجود داشته، اما انسان در جمع‌آوری داده‌ها و پردازش آن‌ها نقش محوری را ایفا می‌کرد. چنین سیستم‌های اطلاعاتی، در سطوح مختلف سازمانی قابلیت کاربرد دارند و متناسب با نیاز کاربران و نقشی که ایفا می‌کنند از سطوح پیچیدگی مختلفی برخوردار هستند که ممکن است بعضاً طراحی و استقرار آن به دلیل نیروهای بازدارنده محیطی با مشکل جدی مواجه شود؛ بنابراین، لازم است برای اولین گام، امکان‌سنجی سیستم‌های اطلاعاتی مدنظر قرار گیرد.

طرح مسئله

رویکرد حفاظت از آثار ارزشمند تاریخی- فرهنگی به‌عنوان عناصری هویت‌بخش، همواره به‌عنوان رکنی اساسی در ایران محسوب می‌شود (حناچی و همکاران ۱۳۹۲). در قرن حاضر، ضرورت بازبینی نحوه انجام بررسی علمی، به‌منظور ثبت و حفاظت از آن‌ها، احساس می‌شود. این امر به‌واسطه‌ی گسترش شهرها، تغییر رویه‌ی حفاظت از این آثار و پیچیده‌تر شدن امر حفاظت، تعدد آثار و تغییر در نگرش مردم (به‌عنوان استفاده‌کنندگان از این فضاها) و مدیران پدید آمده است.

به‌واسطه فقدان برنامه‌های جامع برای مدیریت آثار تاریخی و وابستگی سیاست‌ها به دیدگاه‌های شخصی، آثار فرهنگی-تاریخی، همواره متأثر از تغییرات صورت گرفته در این رویکردها و سیاست‌ها آسیب‌دیده‌اند. با توجه به تعداد بالای آثاری که در فهرست آثار ملی قرار می‌گیرند، وجود ابزاری منعطف که قادر به هماهنگ‌سازی منافع این آثار با تغییرات دیدگاه‌ها باشد به‌گونه‌ای که کمترین لطمه ممکن را ببینند، ضرورت می‌یابد.

ثبت بیش از ۳۱۳۶۱ اثر تاریخی- فرهنگی در فهرست آثار ملی کشور و ۲۱ اثر شاخص در فهرست میراث جهانی یونسکو از سوی وزارت میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کشور، مستلزم استقرار یک سیستم اطلاعات است تا با کاربری آن به‌صورت جامع و یکپارچه به مدیریت این آثار پرداخت. ابزاری نظیر سیستم اطلاعات مکانی^{۳۲}، می‌تواند علاوه بر امکان نمایش سریع و تحلیل داده‌های خام، به مدیریت یکپارچه آثار نیز کمک نماید.

4- Geographic Information System (GIS)

سیستم اطلاعات مکانی به‌عنوان ابزاری مهم در مدیریت داده‌های تاریخی است که با فراهم ساختن امکان یکپارچه‌سازی داده‌های حاصل از منابع مختلف، امکان استخراج اطلاعات موردنیاز و کشف ارتباطات پیچیده و ناپیدای مابین پدیده‌های مختلف را فراهم می‌نماید.

در سیستم اطلاعات مکانی داده‌ها به‌صورت رقومی نگهداری می‌شوند لذا از نظر فیزیکی حجم کمتری را نسبت به روش‌های سنتی (مانند نقشه‌های کاغذی) اشغال می‌کنند. در سیستم اطلاعات مکانی با استفاده از توانایی‌های رایانه مقادیر بسیار عظیمی از داده‌ها را می‌تواند با سرعت زیاد و هزینه نسبتاً کم نگهداری و بازیابی نمود. قابلیت کار کردن با داده‌های مکانی و اطلاعات توصیفی مربوط به آن‌ها و ترکیب انواع مختلف داده‌ها در یک آنالیز و با سرعت زیاد، با روش‌های دستی سازگار نیست. توانایی اجرای آنالیزهای مکانی پیچیده، مزیت‌های کمی و کیفی را برای سیستم اطلاعات مکانی فراهم می‌کند. انجام پردازش‌های تکراری با در نظر گرفتن شرایط مختلف برای دستیابی به نتیجه بهینه، تنها توسط رایانه امکان‌پذیر است که می‌تواند این‌گونه عملیات را با سرعت زیاد و هزینه نسبتاً کم انجام دهد.

هدف اصلی این تحقیق، امکان‌سنجی استقرار سیستم اطلاعات مکانی برای مدیریت یکپارچه آثار تاریخی است تا از این طریق به مبنایی علمی برای برنامه‌ریزی، طراحی و استقرار این سیستم به جهت کمک به مدیران سازمان دست‌یابیم و نیز پاسخگویی به این سؤال است که تا چه اندازه امکان استقرار سیستم اطلاعات مکانی برای مدیریت یکپارچه آثار تاریخی کشور وجود دارد؟

اهمیت و ضرورت

از قابلیت‌های استقرار یک پایگاه اطلاعاتی، مدیریت اطلاعات و قابلیت دستیابی به داده‌های مختلف آن برحسب نیاز است. در طراحی پایگاه اطلاعات سیستم اطلاعات مکانی، بر اساس تحلیل نیازهای انجام‌شده، ساختار داده‌ها به گونه‌ای باید طراحی گردد که ارتباط‌های منطقی بین داده‌ها حفظ‌شده و بر اساس آن بتوان سیستم مدیریت داده‌های موجود را پیاده‌سازی نمود. با توجه به استفاده از منابع متفاوت اطلاعاتی در تکمیل داده‌های بانک اطلاعاتی باید الگوریتم مدیریت داده‌ها با قابلیت بازیابی و دسترسی به رکوردها و لایه‌های اطلاعاتی سایر منابع اطلاعاتی برحسب موقعیت جغرافیایی و در شرایط موردنیاز کاربر، طراحی و در محیط نرم‌افزاری بستر سیستم اطلاعات مکانی انتخاب و پیاده‌سازی گردد.

پیوند فضایی، قابلیت‌هایی دارد که در دیگر نرم‌افزارهای رایانه‌ای از قبیل سیستم‌های معمول مدیریت پایگاه داده‌ها دیده نمی‌شود. به عبارت دیگر، انبوهی از داده‌های اجتماعی، زیست‌محیطی، کاربری زمین و دیگر مجموعه داده‌ها ممکن است در نقطه‌ای از زمین با یکدیگر مقایسه شوند و نتایج پژوهش‌ها، کنکاش‌ها، تجزیه و تحلیل‌ها و کوشش‌های مدل‌سازی به صورت نقشه نمایش داده شود و یک تصویر آماده از داده‌ها را در قلمرو فضایی فراهم نماید. در واقع این هم‌پوشی است که از طریق ارتباط بین داده‌ها و مکان‌ها حاصل می‌شود و مشخصه‌ی خاص آن‌ها را به دست می‌دهد. این قضیه به‌ویژه در مورد باستان‌شناسی صادق است که در آن محوطه‌های تاریخی در نواحی مختلف به شکل فضایی پراکنده شده‌اند و به شکل ساخته‌ها و علائم مشخصه در میان محوطه‌ها قرار گرفته‌اند. در نتیجه سیستم اطلاعات مکانی به تولید نقشه‌های مرتبط به

محدوده‌های باستان‌شناختی به باستان‌شناسان و برنامه‌ریزان در انجام وظایفشان یاری می‌رساند.

برای این که بتوان در سازمان از یک مدیریت کارا برخوردار بود، علاوه بر مدیر که باید مهارت و تخصص کافی را جهت اداره سازمان دارا باشد، وجود سیستم اطلاعات مدیریت نیز لازم است. تحقیقات نشان می‌دهد سیستم‌های اطلاعاتی در ایجاد بهره‌وری در سازمان، کاهش هزینه‌های سازمان، مدیریت پروژه و در تصمیم‌گیری مدیران مؤثرند (نصیری‌پور و همکاران ۱۳۸۷). سال‌هاست که خلأ وجود یک سیستم اطلاعاتی برای مدیریت یکپارچه آثار تاریخی کشور در سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری احساس می‌شود. در این تحقیق برای اولین بار امکان استقرار این سیستم از طریق مدیران و کارشناسان مسئول مرتبط با مدیریت و حفاظت آثار تاریخی در سازمان موردسنجش قرار گرفت که با طراحی و پیاده‌سازی آن می‌تواند در آینده شاهد مدیریت یکپارچه آثار تاریخی، افزایش بهره‌وری و کاهش هزینه‌ها در سازمان بود.

روش تحقیق: روش تحقیق بر مبنای هدف: روش تحقیق حاضر بر اساس کاربردی است.

روش تحقیق بر مبنای زمان: روش تحقیق حاضر بر اساس پیمایشی است.

روش تحقیق بر مبنای ماهیت داده: روش تحقیق حاضر بر اساس کیفی است.

روش تحقیق بر مبنای جمع‌آوری داده: روش تحقیق حاضر بر اساس تحقیقات میدانی است.

ابزار گردآوری داده‌ها

در تحقیق حاضر برای گردآوری و تدوین ادبیات نظری مربوط به موضوع تحقیق از روش کتابخانه‌ای استفاده شد. در این شیوه از انواع کتب و مقالات فارسی و انگلیسی و همچنین پایان‌نامه‌های فارسی مرتبط با موضوع در دانشگاه‌های مختلف استفاده شد. همچنین برای گردآوری اطلاعات از پرسشنامه محقق ساخته استفاده گردید. سؤالات این پرسشنامه به صورت بسته پاسخ و بر اساس مقیاس پنج گزینه‌ای لیکرت (خیلی کم = ۱ و خیلی زیاد = ۵) برای سنجش متغیرها امتیازدهی شد.

روایی پرسشنامه: در این پژوهش از طریق انجام مصاحبه با کارشناسان فناوری اطلاعات و برنامه‌نویسان ارشد سیستم‌های یکپارچه تحت وب و مطالعه مقالات و پایان‌نامه‌ها، تعدادی عوامل کلیدی، توان و نیازسنجی و ملاک‌هایی برای اندازه‌گیری آن‌ها جهت تنظیم سؤالات پرسشنامه جمع‌آوری شد. پرسشنامه مقدماتی تهیه‌شده بین ۵ نفر از افراد جامعه موردنظر توزیع و جمع‌آوری گردید. سؤالات نامفهوم و فاقد ارتباط لازم با کمک استاد راهنما با کسب نظر صاحب‌نظران حوزه مدیریت اصلاح و از نظر روایی تأیید شدند.

پایایی پرسشنامه: منظور از پایایی یک وسیله سنجش آن است که اگر خصیصه موردنظر بار دیگر با همان وسیله و تحت شرایط مشابه‌ای اندازه‌گیری شود نتایج حاصل از آن تا حد امکان مشابه باشند. در این پژوهش از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. ضریب آلفای کرونباخ از صفر تا مثبت یک، تغییر می‌کند. هر چه آلفا به ۱ نزدیک‌تر باشد پایایی پرسشنامه می‌تواند بیشتر تلقی شود. مقدار آلفا مساوی ۷۷٪ به دست آمد که نمایانگر پایایی قابل قبولی است. همچنین پایایی پرسشنامه پس از توزیع در بین

حداقل ۱۴ نفر از جامعه آماری به صورت پایلوت با استفاده از آلفا کرونباخ و نرم‌افزار SPSS 20 مورد بررسی قرار گرفت که تأیید شد.

متغیرهای تحقیق: در این پژوهش سیستم اطلاعات مکانی متغیر مستقل و مدیریت یکپارچه آثار تاریخی متغیر وابسته است.

جامعه آماری، روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش شامل مدیران و کارشناسان معاونت میراث فرهنگی کشور، کلیه معاونین میراث فرهنگی و کارشناسان مسئول ثبت آثار تاریخی استان‌هاست که جمعاً تعداد ۷۰ نفر است. روش نمونه‌گیری در این تحقیق از نوع نمونه‌گیری به صورت خوشه‌ای مناسب با حجم جامعه است. در این پژوهش برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد.

در این فرمول، t مقدار احتمال نرمال استاندارد (که بر اساس جدول احتمال‌های نرمال استاندارد استخراج می‌شود)، d حداکثر خطای مجاز، p احتمال موفقیت و q احتمال عدم موفقیت را نشان می‌دهد. در پژوهش حاضر، میزان حداکثر خطای مجاز ۰/۰۵، مقدار آمار t در سطح اطمینان ۰/۹۵ برابر با ۱/۹۶ و میزان موفقیت و عدم موفقیت ۰/۵ در نظر گرفته شده است تا حاصل ضریب pq حداکثر مقدار نمونه را در اختیار قرار دهد.

تحلیل داده‌ها: در این تحقیق برای تجزیه و تحلیل توصیفی داده‌ها از شاخص آماری نظیر میانگین، انحراف معیار، واریانس و غیره و آمار استنباطی نظیر آزمون T یک طرفه استفاده شد. کلیه عملیات آماری نیز با استفاده از نرم‌افزار SPSS 20 استفاده شد.

یافته‌ها

بر اساس جدول مربوطه از ۵۰ نفر از آزمودنی‌ها ۳۰ نفر مرد (۶۰ درصد) و ۲۰ نفر (۴۰ درصد) زن بوده‌اند. مد مربوط به جنس مرد است.

جدول ۲: توزیع فراوانی رده سنی

درصد سنی	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
۳۰-۳۵	۲۱	۴۲	۴۲,۹	۴۲,۹
۳۶-۴۰	۱۸	۳۶	۳۶,۷	۷۹,۶
۴۱-۴۵	۸	۱۶	۱۶,۳	۹۵,۹
۴۵ و بالاتر	۲	۴	۴,۱	۱۰۰
کل	۴۹	۹۸	۱۰۰	
داده گم شده	۱	۲		
تجمیع شده	۵۰	۱۰۰		

بر اساس جدول فوق از ۵۰ آزمودنی ۲۱ نفر (۴۲ درصد) در رده سنی ۳۰-۳۵ سال، ۱۸ نفر (۳۶ درصد) در رده سنی ۳۶-۴۰، ۸ نفر (۱۶ درصد) در رده سنی ۴۱-۴۵ و ۲ نفر (۴ درصد) نیز در رده سنی ۴۵ و بالاتر از آن قرار داشتند. ۱ نفر نیز به این سؤال پاسخ نداده بود. شایان‌تر است که با توجه به توزیع فراوانی می‌توان گفت میانه در رده ۳۶-۴۰ و مد در رده ۳۰-۳۵ قرار دارد.

وضعیت تحصیلات

جدول ۳: توزیع فراوانی تحصیلات

درصد تجمعی	درصد معتبر	درصد	فراوانی	رده تحصیلی
۲۲	۲۲	۲۲	۱۱	فوق دیپلم
۵۶	۳۴	۳۴	۱۷	لیسانس
۹۸	۴۲	۴۲	۲۱	فوق لیسانس
۱۰۰	۲	۲	۱	دکتری
	۱۰۰	۱۰۰	۵۰	کل

بر اساس جدول فوق از ۵۰ آزمودنی ۱۱ نفر (۲۲ درصد) دارای مدرک تحصیلی کاردانی، ۱۷ نفر (۳۴ درصد) مدرک کارشناسی، ۲۱ نفر (۴۲ درصد) مدرک کارشناسی ارشد و ۱ نفر (۲ درصد) دارای مدرک دکتری بودند. شایان کر است که با توجه به توزیع فراوانی می توان گفت میانه در رده تحصیلی لیسانس و مد در رده تحصیلی فوق لیسانس قرار دارد.

مرتبۀ و سمت

جدول ۴: توزیع فراوانی مرتبه

درصد تجمعی	درصد معتبر	درصد	فراوانی	عنوان شغلی
۴۶	۴۶	۴۶	۲۳	کارشناس
۶۸	۲۲	۲۲	۱۱	کارشناس باستان شناسی
۷۸	۱۰	۱۰	۵	معاون
۸۰	۲	۲	۱	مدیر موزه
۱۰۰	۲۰	۲۰	۱۰	مدیر کل
	۱۰۰	۱۰۰	۵۰	کل

بر اساس جدول فوق از ۵۰ آزمودنی ۲۳ نفر (۴۶ درصد) دارای عنوان کارشناس مسئول، ۱۱ نفر (۲۲ درصد) کارشناس باستان شناسی، ۵ نفر (۱۰ درصد) معاونت، ۱ نفر مدیر موزه و ۱۰ نفر (۲۰ درصد) دارای سمت مدیر کلی بودند. شایان ذکر است که با توجه به توزیع فراوانی می توان گفت میانه در رده کارشناسان باستان شناسی و مد در رده کارشناسان قرار دارد.

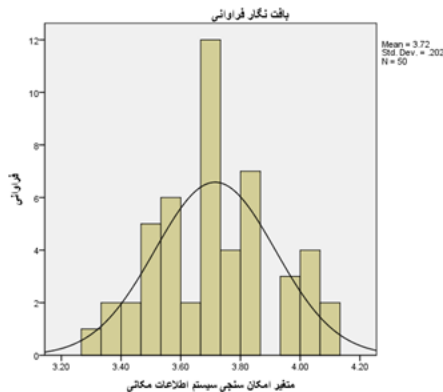
جدول ۵: آماره های توصیفی

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	کمترین	بیشترین
m	50	3.7150	.20201	3.27	4.09

آزمون کلموگروف اسمیرنوف

بر اساس داده های جدول آزمون و با توجه به سطح معناداری آزمون که ۰,۰۰۱ است و از ۰,۰۵ کمتر است می توان گفت توزیع داده ها در سطح ۰,۹۵ درصد نرمال است. شکل زیر نیز برای داده ها مؤید همین مطلب است.

نمودار ۵: بافت نگار فراوانی



نتایج تحقیق

فرضیه اول: وزارت میراث فرهنگی کشور، توانایی بهبود مستمر سیستم‌ها و فرآیندها را برای مدیریت یکپارچه آثار تاریخی از طریق استقرار سیستم اطلاعات مکانی دارد. بر اساس داده‌های جدول فوق و با توجه به سطح معناداری آزمون که ۰,۰۰ است می‌توان فرض صفر را در سطح ۰,۹۵ رد کرد و فرض مقابل را پذیرفت. همچنین با توجه به میزان اختلاف از میانگین که یک مقدار مثبت است و ۰,۴۰۵ است می‌توان گفت نظر پاسخ‌دهندگان درباره توانایی میراث فرهنگی بر بهبود سیستم‌ها و فرآیندها مثبت است و می‌توان نتیجه گرفت که سازمان میراث فرهنگی کشور، توانایی بهبود مستمر سیستم‌ها و فرآیندها را برای مدیریت یکپارچه آثار تاریخی از طریق استقرار سیستم اطلاعات مکانی دارد.

فرضیه دوم: وزارت میراث فرهنگی کشور، توانایی ارتقاء آگاهی کارکنان با اجرای برنامه‌های مناسب و متناسب آموزشی را برای مدیریت یکپارچه آثار تاریخی از طریق استقرار سیستم اطلاعات مکانی دارد.

بر اساس داده‌های جدول فوق و با توجه به سطح معناداری آزمون که ۰,۰۰ است می‌توان فرض صفر را در سطح ۰,۹۵ رد کرد و فرض مقابل را پذیرفت. همچنین با توجه به میزان اختلاف از میانگین که یک مقدار مثبت است و ۱,۰۶۲ هست می‌توان گفت نظر پاسخ‌دهندگان درباره توانایی میراث فرهنگی بر ارتقاء آگاهی کارکنان مثبت است و می‌توان نتیجه گرفت که سازمان میراث فرهنگی کشور، توانایی ارتقاء آگاهی کارکنان با اجرای برنامه‌های مناسب و متناسب آموزشی را برای مدیریت یکپارچه آثار تاریخی از طریق استقرار سیستم اطلاعات مکانی دارد.

با توجه به وجود زیرساخت‌های لازم جهت استقرار سیستم اطلاعات مکانی در سازمان میراث فرهنگی کشور، امکان استقرار این سیستم از طریق بهبود سیستم‌ها و فرآیندها و نیز ارتقاء آگاهی کارکنان برای مدیریت یکپارچه آثار تاریخی کشور افزایش خواهد یافت.

منابع فارسی

- ۱- اچ‌هال، ریچارد (۱۳۷۶) سازمان، ساختار، فرایند و ره‌آوردها، علی‌پارسائیان، سید محمود اعرابی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی
- ۲- استار، جفری و جان استس، مقدمه‌ای بر سیستم‌های اطلاعات مکانی (GIS)، حسین ثنائی نژاد، ۱۳۷۷، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.
- ۳- آذری، عباس (۱۳۹۲) جزوه آموزشی مبانی سیستم‌های اطلاعات مکانی با رویکردی شهرسازانه، پژوهشکده فرهنگی، هنر و معماری جهاد دانشگاهی تهران
- ۴- آزموده اردلان، علیرضا و همکاران (۱۳۷۸)، مقالاتی درباره‌ی سیستم‌های اطلاعات مکانی GIS، سازمان مکانی نیروهای مسلح، تهران.
- ۵- بارو، پی‌ای (۱۳۸۶) سیستم اطلاعات مکانی، ترجمه حسن طاهرکیا، انتشارات سمت، تهران
- ۶- پازوکی، ناصر و عبدالکریم شادمهر (۱۳۸۴) آثار ثبت‌شده ایران در فهرست آثار ملی، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری کشور، تهران
- ۷- توحیدی، فائق، «آشنایی با میراث فرهنگی»، انتشارات سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۸۱، تهران.
- ۸- توفیق، فیروز (۱۳۷۴) «الگوسازی به کمک سیستم اطلاعات مکانی (ساج) در طرح کالبدی ملی»، مجموعه مقالات دومین اجلاس سیستم‌های اطلاعات مکانی، سازمان نقشه‌برداری کشور.

- ۹- توفیق‌یان، حسین (۱۳۸۰) «سیستم‌های اطلاعات مکانی و کاربرد آن در باستان‌شناسی»، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، شماره ۲۹ و ۳۰، مرکز نشر دانشگاهی، ص ۳۶-۲۹.
- ۱۰- توفیق‌یان، حسین (۱۳۸۵) «نگاهی به سیستم تعیین موقعیت جهانی و کاربرد آن در باستان‌شناسی»، گزارش‌های باستان‌شناسی، پژوهشکده باستان‌شناسی، ص ۲۱۳-۲۰۵.
- ۱۱- توفیق‌یان، حسین (۱۳۹۲) «کاربرد سیستم اطلاعات مکانی (GIS) در باستان‌شناسی»، سی و دومین گردهمایی و نخستین کنگره بین‌المللی تخصصی علوم زمین.
- ۱۲- حجت‌مهدی، ۱۳۸۰، «میراث فرهنگی در ایران، سیاست‌ها برای یک کشور اسلامی». سازمان میراث فرهنگی (پژوهشگاه)، تهران.
- ۱۳- علی محمدی، عباس (۱۳۸۸) مبانی علوم و سیستم اطلاعات مکانی، انتشارات سمت، تهران
- ۱۴- غنمی، امید، یونس صمدی و سوسن چراغی، «مجموعه قوانین، مقررات، آیین‌نامه‌ها و معادات سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری»، سازمان میراث فرهنگی، تهران.
- ۱۵- فرج‌زاده، منوچهر و بهرام امینی (۱۳۷۲) آشنایی با سیستم‌های اطلاعات مکانی، موسسه بین‌المللی زلزله‌شناسی و مهندسی زلزله.
- ۱۶- فلامکی، محمد منصور (۱۳۸۶) باز زنده سازی بناها و شهرهای تاریخی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران
- ۱۷- فیلدن، برناد (۱۳۸۶) راهنمای مدیریت برای محوطه‌های میراث جهانی، ترجمه پیروز حناچی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران
- ۱۸- فیلدن، برناد و یوکا یوکیلتو (۱۳۸۲) ارزش‌گذاری به‌منظور حفاظت، هفت شهر، شماره ۲ و ۱۳: ۱۷.
- ۱۹- قرخلو، مهدی و سهراب امیریان (۱۳۸۲) «سیستم اطلاعات مکانی و کاربرد آن در باستان‌شناسی»، نامه انسان‌شناسی، دوره اول، شماره سوم، بهار و تابستان، ص ۱۷۸-۱۶۷.

- ۲۰- کبیری هندی، مریم و افشین دانه‌کار (۱۳۹۰) «رویکرد یکپارچه در مدیریت و حفاظت میراث طبیعی و فرهنگی»، نامه باستان‌شناسی، دوره اول، شماره ۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۰
- ۲۱- کیانی، افشین، فرزین فردانش و مسعود شباهنگ (۱۳۷۵) کاربرد سیستم اطلاعات مکانی در حفظ میراث فرهنگی، جلد سوم، در نخستین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، انتشارات سازمان میراث فرهنگی، تهران، ص ۲۳۵-۲۲۷.
- ۲۲- وحیدنیا، محمدحسن و همکاران (۱۳۸۷)، نقش Web GIS در میراث فرهنگی و صنعت گردشگری، همایش ژئوماتیک، تهران، ۱۳۸۷
- ۲۳- ویلکاک، جان (۱۳۷۵) «مروری بر بیش از سی سال کاربرد کامپیوتر در باستان‌شناسی»، ترجمه کامیار عبدی، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، شماره اول و دوم، سال ششم.
- ۲۴- هیدالو هزاره هشتم (۱۳۸۷) گزارش فرایند ثبت میراث فرهنگی غیرمنقول در ایران، از ماهیت تا تحقق، مهندسین مشاور هیدالو هزاره هشتم، تهران

منابع انگلیسی:

1. Agarwal, N. Rathod, U. Defining (2006) "success" for software projects: an exploratory revelation, International Journal of Project Management 24, 358-370.
2. Allen, Kathleen M. S. 1990b "Modelling Early historic trade in the eastern Great Lakes using GIS." In Allen, K.M.S., S.W.
3. Arnoff (1989), Geographic information system: A Management Perspective.
4. Awad, E. M. 1988. Management Information System: Concept, structure, and applications. California: The Benjamin Cummings.
5. Bakker, K. Boonstra, A. Wortmann, H. (2010) Does risk management contribute to IT project success? A meta-analysis of empirical evidence, International Journal of Project Management 28 493-503.
6. Burrough, P.A. 1986 Principles of Geographical Information Systems. Oxford. Clarendon Press. Christopherson, Gary L.; Guertin, Phillip D.; Borstad, Karen A. 1996 "GIS and Archaeology: Using Arc/Info to

Increase Our Understanding of Ancient Jordan". Proceedings of 1996 ESRI User Conference.

7. Burrough, Peter A and Mc Donnell, Richael A. (1998), Principles of Geographical Information Systems, Oxford University Press, UK.

8. Church, Tim And R.J. Brandon And G.R. Burgett, 2000; "GIS Application In Archaeology: Method In Search Of Theory", In Practical Application Of GIS For Archaeologist, A Predictive Modeling Toolkit, Edited By Konnie L. Wescott And R. Joe Brandon, Taylor & Francis, Pp. 144-167.

9. Clarke, Keith C. 1997 Getting Started with Geographic Information Systems. Prentice Hall Series in Geographic Information Science. New Jersey: Simon & Shuster.

10. Curry, M, 1996 the Paradox of GIS in Context, University of California, 1996.

11. David Unwin, 2002 "Geographical Information Systems Analysis" publisher Wiley.

12. Davis, G. B., and Olson, M.H. 1985. Management Information system: Conceptual, foundations, structure, and development. 2nd Ed. New York: Mc Graw-Hill.

13. Goodchild, Michael F. 1989 "Modeling Error in Objects and Fields." In Goodchild, Michael & Gopal, Sucharita (Eds) the Accuracy of Spatial Databases. New York: Taylor & Francis. Pp. 107-113.

14. Green & E.B.W. Zubrow (Eds) Interpreting Space: GIS and Archaeology. London: Taylor & Francis. Pp: 319-329 Arc/News Vol. 18 No 3, pp 24-27.

15. Kennedy, Susan 1989 "The Small Number Problem and the Accuracy of Spatial Databases." In Goodchild, Michael & Gopal, Sucharita (Eds) the Accuracy of Spatial Databases. New York: Taylor & Francis. Pp. 187-196.

16. Litton, Adrien 1996 "Quantifying Scanner Accuracy." Proceedings of 1996 ESRI User Conference. Lodwick, Weldon A. 1989 "Developing

Confidence Limits on Errors of Suitability Analyses in Geographic Information Systems." In Goodchild, Michael & Gopal, Sucharita (Eds)

- the Accuracy of Spatial Databases. New York: Taylor & Francis. pp. 69-78.
17. Marble, D.F. 1990 "The Potential Methodological Impact of Geographic Information Systems on the Social Sciences." In Allen, K.M.S., S.W. Green & E.B.W. Zubrow (Eds) *Interpreting Space: GIS and Archaeology*. London: Taylor & Francis. pp. 9-11.
18. Molto, Eldon J.; Steward Joe D and Reimer, Paula J. 1997 "Problems in Radiocarbon Dating Human Remains from arid Coastal Areas: an Example from the Cape Region of Baja, California." *American Antiquity*, Vol. 62 (3). pp: 489-507.
19. Savage, Stephen H. 1990 "Modelling the late Archaic Social Landscape." In Allen, K.M.S., S.W. Green & E.B.W. Zubrow (Eds) *Interpreting Space: GIS and Archaeology*. London: Taylor & Francis. pp. 330-355.
20. SEEBEYOND (2002) the benefit of EAI, A SeeBeyond wallpaper.
21. Taylor, R. E. 1987 *Radiocarbon Dating: an Archaeological Perspective*. New York: Academic Press.
- Thomas, David H. 1978 "The Awful Truth about Statistics in archaeology." *American Antiquity*, 43 (2): Pp: 231-244.
22. Walsh, Stephen J 1990 "User Consideration in Landscape Characterization." In Allen, K.M.S., S.W. Green & E.B.W. Zubrow (Eds) *Interpreting Space: GIS and Archaeology*. London: Taylor & Francis.

بررسی ویژگی های معماری و باستان شناختی قلاع تاریخی آبدانان

مهندس آزاده محمودیان^{۳۳}، مهندس زینب لطفی^{۳۴}

چکیده

سرزمین ایران در منطقه ای از خشکیهای غرب آسیا واقع شده که دارای موقعیت مطلوب مکانی و جغرافیایی است. این شرایط موجب شده تا از دیرباز سکونتگاه انسان ها و مهد تمدن و فرهنگ باشد. تحقیقات و کاوش های باستان شناسی نشان می دهد آثار متعددی متعلق به دوران مختلف در گستره ی این سرزمین بر جای مانده که گنجینه های با ارزشی از تاریخ گذشته ایران زمین قلمداد می گردد. به نظر می رسد موقعیت جغرافیایی این دیار به عنوان معبر ارتباطی فلات مرکزی با سرزمین های پست هم جوار یعنی میان رودان در تعدد آثار تاثیر گزار بوده است. هرچند وجود منابع تامین غذا، اقلیم مطلوب و منابع آب در این فرایند را نمی توان نادیده گرفت. بناهای تاریخی شامل: شهرها، پل ها، قلعه ها، کهنذرها، آتشگاه ها، آسیاب ها، کاروانسرا ها و ... بخش عمده ای از اینگونه آثار را تشکیل داده اند از جهتی در منطقه مورد مطالعه در بخش غربی زاگرس به دلیل وجود معابر و جاده های تاریخی با سرزمین بین النهرین، اینگونه آثار از فراوانی بیشتری برخوردارند. از این رو، در این مقاله تلاش شده تا نمونه هایی از این بناها (قلعه ها و دژهای حکومتی و نظامی) در محدوده ی جغرافیایی آبدانان از توابع استان ایلام معرفی گردد. امید است این فعالیت اندک توانسته باشد در

^{۳۳}- ارشد مهندسی معماری، مدرس مرکز آموزش علمی کاربردی پارسیان ایلام.

^{۳۴}- ارشد مهندسی معماری.

شناسایی هویت تاریخی این منطقه مؤثر افتد و از جهتی مورد توجه محققان و پذیرش خوانندگان این عرصه قرار گیرد.

واژگان کلیدی: دژ و کهندژ، آبدانان، کبیر کوه، مورموری، جولیان، سیس.

مقدمه: بررسی های باستان شناسی نشان می دهد قلعه های مسکونی، نظامی و حکومتی متعددی در محدوده ی غرب زاگرس به ویژه در مناطق استان ایلام از عهد باستان برجای مانده که از قدمت زیادی برخوردارند. هر جای این سرزمین نگاه کنید، علاوه بر شهر و سازه های معماری شهری، بناها و استحکامات دیگری چون قلاع تاریخی، برج، بارو، دروازه و نظایر آنها ایجاد شده اند که از تدبیر آگاهانه ایرانیان به ملاحظات دفاعی حکایت می کند. از جهتی، بیشتر شبکه های دفاعی ملی و مردمی (قلعه ها و دژهای تاریخی) در طول تاریخ در گستره ی سرزمینی ایران برای باز دارندگی بوده است. قلاع را می توان از سازه های معماری زیر مجموعه معماری نظامی قلمداد نمود که از جهات مختلف دارای ویژگی های اختصاصی است. علیرغم دشواری طراحی و اجرای این دسته از سازه های معماری، اغلب در محل ها و نقاط صعب العبور و ناهموار ایجاد می شوند. شواهد و مدارک موجود نشان می دهد که معماران ایرانی در این بخش از معماری نیز شایستگی های خود را به اثبات رسانیده و آثار برجسته و ماندگاری از خود به یادگار گذاشته اند.

بنابراین، بررسی و مطالعه ی مشخصات چنین بناهایی از جهات مختلف با اهمیت می باشد. از این رو در این نوشتار تلاش شده تا بخشی از بناها و سازه های معماری (قلعه ها و دژ های تاریخی) در بخش غربی زاگرس و در محدوده ی جغرافیایی شهرستان

آبدانان از مناطق کوهستانی استان ایلام از منظر باستان شناختی و الگوهای معماری مورد مطالعه قرار گیرد.

موقعیت مکانی منطقه مورد مطالعه : شهرستان آبدانان در جنوب شرقی استان و در فاصله‌ی ۱۶۴ کیلومتری شهر ایلام واقع شده است. از شمال به مناطق زرین آباد و بدره، از جنوب به خوزستان، از شرق به دره شهر و از غرب به شهرستان دهلران محدود می‌شود. مرکز این شهرستان، آبدانان است که به لحاظ جمعیت و وسعت، دومین شهر استان محسوب می‌شود. این شهر در دامنه‌ی جنوبی کبیرکوه و در دره‌ی با صفا رودخانه‌ی آبدانان قرار دارد و از نظر، کشاورزی و دامداری اهمیت دارد.

بوم شناسی منطقه

منطقه‌ی مورد مطالعه در محدوده‌ی ارتفاعات زاگرس و حاشیه‌ی غربی این دیواره‌ی عظیم واقع شده است. رودخانه‌ی سیمره و رشته کوه کبیرکوه، معابر بسیار زیبا و مصفا‌ی کوهستانی، پوشش جنگلی و به‌ویژه تنوع اقلیمی در فصول مختلف، شرایط طبیعی کم-نظیری را در این بخش از زاگرس فراهم نموده است. این موقعیت موجب شده تا از دوران باستان تا کنون، ایلام در مسیر ارتباطی ساکنان شرقی فلات ایران یا سرزمین‌های غربی قرار گیرد.

ناهمواری‌های کم‌ارتفاعی با شیب ملایم به موازات کبیرکوه امتداد دارد که موجب شده زمین‌های کم‌وسعتی را در حد فاصل این دو رشته محصور نماید. این محدوده را «پشته»^{۳۵} می‌گویند که از طریق دره‌ها و شیاری‌هایی به خارج از پشته ارتباط می‌یابد. در سرتاسر طول دامنه‌های کبیرکوه، این پشته‌ها وجود دارند (محمودیان، ۱۳۹۳: ۴۱).

دامنه‌ی این کوه‌ها بیشتر دارای آثار باارزش تاریخی است و دره‌ها و پشته‌های آن‌ها از جمله مکان‌های تمرکز جمعیت در دنیای باستان بوده است. شهرستان آبدانان در دامنه‌های غربی کبیرکوه واقع شده کدارای پشته‌ها و دره‌های کوهستانی است. معابر و راه‌های منطقه‌ای در دنیای گذشته از این دره‌ها و دشت‌های میان‌کوهی که دارای محوطه‌های باستانی هستند عبور کرده است.

پوشش جنگلی و مرتعی: مناطق کوهستانی منطقه را جنگل‌های متراکم بلوط و انواع دیگر همچون: ون، ارژن، گُناَر و پسته‌ی وحشی پوشش داده است. علاوه بر درختان، وجود بوته‌ها از گونه‌های مختلف، پوشش گیاهی و مرتعی فصلی و دائمی شرایط مطلوبی برای کشاورزی و دامپروری ایجاد نموده است.

منابع آب و رودخانه‌ها: این محدوده ی جغرافیایی، به دلیل واقع شدن در مسیر بادهای مرطوب شمال غربی دارای بارش مناسب سالانه است. این شرایط موجب شده تا رودها و روان آب‌های متعددی در این ناحیه مهمی جریان یابد.

پیشینه‌ی تاریخی

آثار متعددی از دوران‌های مختلف در منطقه شناسایی و در فهرست آثار ملی ثبت شده‌اند. آخرین فعالیت‌های باستان شناسی مربوط به مطالعات پروفیسور واندنبرگ باستان شناس معروف بلژیکی است. این باستان شناس معروف در فاصله‌ی سال‌های ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۹ میلادی به مدت چهارده سال در گورستان‌های باستانی استان و دیگر آثار تاریخی مطالعه کرده و قسمتی از فعالیت‌های خود را به تحقیق و بررسی آثار متعدد منطقه‌ی آبدانان اختصاص داده که در قالب مقالاتی انتشار یافته است (واندنبرگ، ۱۳۵۰، شماره ۱۶). آثار دژ مستحکم پشت قلعه، هزاردر، هزارانی و ده‌ها مورد آثار به جای مانده ،

مجموعه‌ی با ارزشی از تمدن و فرهنگ دیرینه این منطقه را نشان می‌دهد. در این مقاله به لحاظ رعایت اختصار فقط قلاع تاریخی و دژها مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

تعریف قلعه: قلعه و دژ به مجموعه بناهایی گفته می‌شود که با بهره‌گیری از مصالح بومی هر منطقه با استحکامات لازم به صورتی مستحکم در مناطق مهم، حساس و استراتژیک و مشرف بر راه‌ها، سکونتگاه‌ها و محل‌های عبور و مرور به منظور کنترل مراکز جمعیتی و جلوگیری از ورود به محوطه‌های خاص.

کاربرد قلعه‌ها: این نوع بناها با کاربرد نظامی و یا مراکز حکومتی، نقش کلیدی در اداره‌ی مکان‌های استقراری را دارا بوده‌اند. در بسیاری از نقاط دنیا قلاع مهمی در طول تاریخ ایجاد شده که بیشتر کاربرد نظامی داشته‌اند. در کشورمان قلعه‌های متعدد و مهمی در نقاط جغرافیایی حساس وجود دارد که نشانگر موقعیت مهم آن منطقه و شرایط مناسب حاکم بر آن در عصری خاص بوده است. همانطوری که بیان شد این نوع ابنیه در کوهستان‌های حاشیه‌ی غربی زاگرس دارای تعدد و تنوع خاصی هستند.

هر قلعه دارای تاسیساتی است از جمله:

- اتاق‌های متعدد با مصالح غالب آن منطقه و با معماری خاص؛
- حصار بلند پیرامون قلعه با استحکامات دفاعی؛
- پیش‌بینی بناهای جانبی برای نگهداری خواروبار؛
- وسایل دفاعی، دیده‌بانی، بازداشتگاه، نگهبانی و ...؛
- حاکم نشین و تالار اصلی بارعام؛
- حیاط اصلی مرکزی قلعه (محمودیان، ۱۳۹۶: ۲۷).

دلایل ایجاد قلعه‌ها

مقاصد خاصی برای این بناها مورد نظر بوده است حائل بودن منطقه بین سرزمین‌های شرق و غرب فلات ایران، شرایط خاص جغرافیایی، موقعیت مکانی و به ویژه مسیر تردد کاروان‌ها در جاده‌ها و ایل راه‌ها می‌تواند از دلایل ایجاد این بناها در این منطقه تلقی گردد. وجود راه‌های باستانی هم چون جاده ی ابریشم، جاده ی شاهی و جاده ی خاوران در منطقه که از معابر اصلی عبور و مرور شرق و غرب و شمال و جنوب در عهد باستان بوده‌اند می‌تواند اهمیت استراتژیک زاگرس غربی را برای ایجاد قلعه و دژ تأیید نماید. آبدانان از مناطقی است که از طریق جاده جنوبی شوش به دهلران و سرزمین میانی میان رودان ارتباط داشته است. تعدد این نوع بناها می‌تواند از دلایل مراکز جمعیتی و به تبع آن مسیرهای ارتباطی در این منطقه باشد که طبیعتاً مکان‌های کنترل چون ایجاد قلعه‌ها را طلب می‌نماید.

از جهتی موهبت‌های خدا دادی زاگرس از جمله آرزوها و نیات حاکمان تمدن‌های غربی مستقر در کنار رودهای دجله و فرات و شعبات آن بوده است. این شرایط و موقعیت موجب شده تا تمدن‌های سومر، اکد، بابل و آشور در بین‌النهرین همیشه با اقوام ساکن در زاگرس چون تمدن ایلام و اقوام کاسیت و مادها و دیگر اقوام در ارتباط باشند. پس طبیعی است که ایجاد قلاع و دژهای مستحکم در مسیر معابر و راه‌های مهم ارتباطی و در گلوگاه‌های منطقه‌ی غربی زاگرس برای حفاظت و حراست از مکان‌های استقراری و کنترل راه‌های ارتباطی ایجاد شود (محمودیان، ۱۳۹۶: ۲۹).

ارتباط مکانی قلعه‌های منطقه

برخی قلعه‌های باستانی مناطق غرب زاگرس در مکان‌هایی ایجاد شده‌اند که با وجود کوهستانی بودن با بهره‌گیری از علائم قرار دادی « دود، آتش و ...» امکان ارتباط برای کنترل و مأموریت محوله را داشته‌اند و از جهتی توانایی پشتیبانی از قلعه‌های همجوار امکان پذیر بوده است. نقشه تاریخی آثار و ابنیه قلاع و دژهای واقع در ارتفاعات مشرف بر سرزمین پست حاشیه ای غرب استان ایلام و سرزمین بین النهرین حلقه ارتباطی قلعه های مهم و استراتژیک منطق را نشان می دهد. قلعه ی یزدگرد در منطقه ریجاب گیلان غرب با قلاع دیگری در ارتفاعات منطقه، با قلعه ی عظیم چوار و به موازات آن قلعه چکر^{۳۶} در ارتفاعات غربی مشرف بر دشت در ناحیه ی مرزی با کشور عراق و به ترتیب ارتباط این قلاع با قلعه ی اسماعیل خان در ایلام، قلعه ی کوه خر مه^{۳۷} در چرداول و ارتباط این قلاع با قلعه جوق^{۳۸} ملکشاهی در کوهستان و قلعه ی کلک^{۳۹} در دشت و همچنین ارتباط قلعه‌های فوق با قلعه‌های ملکشاهی و چنگوله و به دنبال آن قلعه‌های کلم، دره شهر، قلاع میمه، هزارانی و پشت قلعه در آبدانان، قلعه ی عظیم شهاق با قلعه انجیره تا ارتفاعات مشرف بر منطقه ی پست و کم ارتفاع دهلران و موسیان در جنوب غربی ایران می‌تواند مؤید این مسئله باشد

(محمودیان، ۱۳۹۷: ۱۲۷).

استحکامات قلعه‌ها: اکثر قلعه‌های یاد شده در ارتفاعات ایجاد شدند و استحکامات آن‌ها گسترده بوده است، تأسیسات برخی از قلاع چون قلعه‌های چوار و آبدانان به صورتی

1-chakar

37 - khorameh

38 - qalaeh jokh

39 -clak

است که امکان ذخیره خوار و بار و استقرار جمعیت بیشتر را برای مدت طولانی داشته‌اند وجود تأسیسات و خطوط تدافعی این نوع قلعه‌ها که با استفاده از مصالح سنگ و گچ ساخته شده است بسیار مهم و نفوذ ناپذیرند. ایجاد معبر در زیر دیوار دفاعی عرضی و طولی به منظور استتار از دید و تیر دشمن مهم‌ترین استحکامات جانبی این قلعه‌ها را تشکیل می‌دهد. سبک معماری این دو بنا کاملاً مشابه هستند. با وجود اینکه فاصله مکانی این بناها حدود ۱۸۰ کیلومتر می‌باشد. می‌توان قلعه‌های منطقه را تحت عنوان: قلعه‌های کوهستانی و قلاع دشت تقسیم بندی نمود. قلعه‌های کوهستانی در مناطق صعب العبور ایجاد شده و کاملاً تدافعی و استراتژیکی است و کاربرد نظامی داشته‌اند. اما قلاع ایجاد شده در سرزمین نسبتاً هموار در جوار مراکز سکونتی ایجاد شده و نقش مراکز حکومتی را ایفا نموده‌اند. بیشتر قلعه‌های موجود در مراکز حکومتی و شهرها متعلق به دوران تاریخی می‌باشند.

سبک معماری و مصالح: بررسی سبک معماری و مصالح به کار رفته در قلاع باستانی منطقه مورد مطالعه نشان می‌دهد که این نوع بناها از جهات مختلف با هم قابل مقایسه‌اند یعنی موقعیت قرار گرفتن قلاع، مصالح، دژهای پیرامونی، اتاق‌های نگهبانی و سایر تأسیسات ساخته شده در اکثر قلاع یا هم همخوانی دارند البته این شرایط، اختصاص به قلاعی دارد که منسوب به قرون اولیه اسلامی است و یافت معماری قلاع دوره اسلامی متاخر از این شرایط مستثنی است. نکته قابل اهمیت در بررسی قلعه‌های منطقه، ارتباط استراتژیک آنهاست که در بسیاری موارد به صورت زنجیره‌ای با هم ارتباط دارند و معابر این محدوده کاملاً تحت پوشش حفاظتی ساکنان این قلعه‌ها قرار داشته است.

پشت قلعه ی آبدانان

این بنای تاریخی در پنج کیلومتری جنوب شهرستان آبدانان و در حاشیه ی شمال غربی روستای پشت قلعه بر روی تپه‌ای بلند آثار قلعه به چشم می‌خورد که رودخانه دویرج از دامنه ی آن می‌گذرد ۱۰ از مصالح به کار رفته در بنا سنگ و گچ است. دور تپه را برج و باروی آن محصور کرده است آثار به جای مانده نشان از وجود برجهای نگهبانی، بارو، شاه نشین و اتاق‌های مسکونی، پلکان و غیره... است.

باروی بیضوی شکل که ارتفاع آن به سه متر می‌رسد، محوطه قلعه را محصور کرده است. دیوارهای بیرونی و اصلی قلعه تقریباً سالم مانده است. این دیوارها قلعه را به سه قسمت مجزا تقسیم می‌کند. در قسمت غربی قلعه آثار برج دیده می‌شود که دارای امکانات دیده بانی است. بر باروها و دیوارهای آن برج‌های با فواصل تقریباً مساوی در اطراف دژ به صورت کنگره دار ساخته شده که دارای اتاق‌های کوچک دیده بانی است که با استفاده از طاق‌های قوسی ایجاد شده اند.

در منتهی الیه قسمت جنوبی و جنوب شرقی، دژ شاه نشین قلعه و اتاق‌های مسکونی قرار دارند. این قسمت دارای اتاق‌هایی با تاق‌های نیم دایره و طاقچه‌های و طاق نماهایی است که گاه قطر دیوار آن به ۱ متر می‌رسد. قلوه سنگ‌ها به صورت رگ چین روی هم چیده شده و با ملات گچ طوری در هم آمیخته‌اند که در طول قرن‌ها پابرجا باقی مانده‌اند. این دژ بیشتر جنبه نظامی داشته و دور تپه‌ها کانالی طبیعی قرار دارد که مانند خندقی از دژ محافظت می‌کند که در یک قسمت از این خندق طبیعی رودخانه دویرج می‌گذرد.

در قسمت غربی تپه در فاصله ۴۳ متری دیوار قلعه به طرف رودخانه، تونلی به طول ۱۳ متر و به ارتفاع حدود چهار متر احداث شده که قلعه را به رودخانه مرتبط می‌کند. در

زمان ساخت دژ، در این قسمت صخره‌ها را تراشیده و تونل به وجود آورده‌اند. جهت ارتباط به پایین قلعه و گذر از تونل، پلکانی در این تونل تعبیه شده که در قسمت‌هایی از آن، سنگ تراش و در بخش‌های دیگر، سنگ و گچ نیم کوب با پخت کم بکاررفته است. بر بالای این بخش از بنای قلعه آثار برجی دیده می‌شود که کار حفاظت از این معبر را برعهده داشته است. احتمالاً این تونل، جهت دسترسی آسان به آب مصرفی در مواقع بحرانی و دیگر مواقع بوده و شاید ورود و خروج ساکنان نیز از این قسمت صورت می‌گرفته است. در نقطه رو به روی این تونل در آن سوی رودخانه، آثاری به چشم می‌خورد که احتمالاً بقایای پلی متصل به تونل موجود بوده است.



پشت قلعه‌ی آبدانان

بخش جنوبی قلعه: در قسمت جنوبی قلعه دونوع ساخت و ساز صورت گرفته است. در سمت راست یا جنوب غربی تعدادی اتاق به ابعاد 3×4 متر و ارتفاع سه متر با طاق‌های قوسی، رو به قبله ساخته شده است. قسمت داخلی دیوارها با گچ پوشش داده شده است. چون دیوارهای سمت جلو و پشت این اتاق‌ها تخریب شده‌اند، لذا، مشخص نیست که در ورودی این اتاق‌ها به کدام طرف بوده است. در زیر یکی از دیوارهایی که در

حداصل دو تا از اتاق‌ها وجود دارد، یک دریچه $1 \times 1/5$ متر وجود دارد که آنها را به هم متصل می‌کند (محمودیان، ۱۳۸۳: ۱۷).



پشت قلعه‌ی آبدانان

بخش جنوب غربی: حدود پنج اتاق در کنار هم متمایل به غرب به ابعاد 3×4 متر با سقف های قوسی شکل ساخته شده است. معماری این اتاق‌ها با اتاق‌های سمت راست از چند جهت با هم فرق دارند. ارتفاع این اتاقها کمتر، جلو اتاق‌ها یعنی قسمت بیرونی بسته شده است در دیوار جلوئی یکی از اتاق‌ها یک دریچه $1 \times 1/5$ متری وجود دارد. هر یک از این اتاق‌ها مستقل هستند و دارای ورودی مجزا می‌باشند. کف این اتاق‌ها از سطح زمین پائین تر هستند. مصالح به کار رفته در ساخت قلعه، قلوه سنگ، گچ و ساروج بوده است.



پشت قلعه ی آبدانان

مشخصات معماری

قلعه بر روی یکی از تپه های طبیعی مشرف بر روستای پاقلعه ایجاد شده است. ساخت و ساز های قلعه در زمینی به مساحت ۴۰۰ متر بر روی بخش جنوبی تپه بوده و در قسمت های شمال و شرقی قلعه که پرتگاه غیر قابل نفوذی است، ساخت و سازی صورت نگرفته است. حدود پنج اتاق در کنار هم متمایل به غرب به ابعاد ۳×۴ متر با سقف های قوسی شکل ساخته شده است. معماری این اتاق ها با اتاق های سمت راست از چند جهت با هم فرق دارند. ارتفاع این اتاق ها کمتر، جلو اتاق ها یعنی قسمت بیرونی بسته شده است در بخشی از دیوار جلویی یکی از اتاق ها، یک دریچه ۱×۱/۵ متری وجود دارد. هر یک از اتاق ها مستقل و در مجزا به داخل قلعه دارند. کف اتاق ها از سطح زمین پائین تر است. مصالح ساخت قلعه: قلوه سنگ، گچ و ساروج بوده است. در قسمت غربی قلعه یک دیوار بلند به ارتفاع ۲ متر و عرض ۱/۵ متر بر جای مانده است.



پشست قلعه ی آبدانان

پاقلاع هزارانی (قلعه حسن چگنی)

موقعیت: این قلعه بر فراز تپه ای طبیعی در محدوده ی روستای هزارانی واقع شده است. از شمال به تپه ماهور، از جنوب به زمین کشاورزی روستای هزارانی و از شرق و غرب به زمین ها ی کشاورزی، مشرف می شود. قلعه دارای ابعاد $۳۰ \times ۱۵ \times ۱۲$ متر است و نزدیکترین جاده قابل دسترسی جاده هزارانی - آبدانان است.

این اثر تاریخی، با استفاده از قلوه سنگ و ملات گچ نیم کوب ساخته شده است. بنا شامل سه اتاق بزرگ در قسمت سطح جنوبی تپه و بناهای جانبی در ساختمان سطح شمالی تپه می باشد. تنها سه اتاق مستطیل شکل از این بنا باقیمانده که اتاق وسط آن دارای ابعاد $۱۰ \times ۵ / ۲۰$ متر است و از مصالح سنگ و گچ ساخته شده است. اتاق غرب قلعه، دارای ابعاد $۷ / ۵ \times ۴ / ۵$ متر است و اتاق شرقی آن ابعاد ۱۰×۴ متر دارد. در ضلع شمالی

اتاق غربی، اتاق کوچکتری به ابعاد $5/5 \times 2/5$ متر ساخته شده که دارای درب ورودی به عرض ۸۰ سانتی متر در ضلع شمالی است. در شمال غربی سطح تپه بنای دیگر ملاحظه می شود که احتمالاً اتاق نگهبانان قلعه بوده و دارای دو اتاق به ابعاد 11×4 متر است. ضخامت دیوارهای قلعه $1/20$ متر می باشد. قسمتی از دیوارهای اصلی قلعه باقیمانده که دارای دو متر ارتفاع می باشد. آوار سنگ حاصل از تخریب اتاق‌های جانبی در سطح شمالی تپه ملاحظه می شود. این اثر احتمالاً به دوره تاریخی تعلق داشته باشد. چهار تاقی هزارانی در فاصله ۱۰۰ متری شرق تپه باقی مانده است.

دژ جولیان

موقعیت جغرافیایی: دژ باستانی جولیان بخش مرکزی آبدانان، در محوطه وسیعی در دامنه غربی ارتفاعات کبیر کوه و در فاصله پنج کیلومتری روستای چم کبود آبدانان واقع شده است. این اثر تاریخی از شمال به ارتفاعات کبیر کوه، از جنوب به زمین کشاورزی، از شرق به دره جولیان و از غرب به دره و آبکند و زمین‌های کشاورزی منتهی می شود.

شرح اثر: بنای دژ جولیان بر روی تپه‌ای طبیعی به ارتفاع حدود ۳۰۰ متر در حاشیه شمال شرقی شهر باستانی جولیان ایجاد شده است. دیوار با استفاده از سنگ و کلوخ و ملات گچ و نیز قلوه سنگ‌های محل بر آبریز پیرامون سطح تپه ساخته شده است. ارتفاع دیوار به دو متر می‌رسد و تزئینات دیوار به صورت کنگره‌ای است. سطح تپه حدود 30×20 متر اندازه گیری شده است. احتمالاً دژ نسبت به بناهای شهر باستانی جولیان از قدمت بیشتری برخوردار باشد. یک تکه تیغه سنگی به رنگ سفید نیز در سطح تپه ملاحظه گردید. دیوار این دژ با توجه به موقعیت تپه ساخته شده و از نظم خاصی

برخوردار نیست. در جبهه غربی آثار ورودی به داخل محوطه بنا دیده می شود و موقعیت دامنه ی تپه در قسمت غربی که مشرف به شهر و آتشگاه جولیان است به نظر می رسد به صورت معبر پله ای بوده است که بر اثر فرسایش، آثار آن از بین رفته است. شهر و آتشگاه جولیان در قسمت غرب و جنوب غربی دژ ساخته شده است (سعادتی، ۱۳۹۶: ۹۷). چشمه جولیان هم به شمال این اثر جاری است. از تاریخچه بنا اطلاعات مکتوب در دست نیست. این دیوار بر محوطه ی نسبتاً وسیع پیرامون اشراف دارد. در حال حاضر بهره برداری خاص از بنا نمی شود ولی در گذشته احتمالاً استراحتگاه حاکم شهر و یا محل نگهداری این سکونتگاه بوده است. تزئین خاص دیده نمی شود ولی شکل معماری دیوار کنگره ای است و جلوه خاصی به بنا داده است.



نمای بقایای شهر باستانی جولیان

قلعه ی هزار در

بنای هزار در در بخش شرقی شهر آبدانان قرار دارد. نمای اصلی این اثر دارای طاق های هلالی شکل است. ساختار معماری قلعه نشان می دهد اثر، احتمالاً قلعه یا پادگان نظامی

بوده است. پلان اصلی بنا مستطیل شکل بوده، راهروهای طولانی در چهار جهت آن قرار گرفته و به وسیله درگاه‌هایی به اتاق‌های داخل مرتبط می‌شوند. این بنا دارای چند طبقه است که زیرزمین، طبقه همکف و طبقه بالایی (باتوجه به پی) را شامل می‌شود. به دلیل پوشش قطور و محکم دیوار و نبود پنجره‌های باز در راهروها اتاق‌ها و دالان‌ها فضا از نور کافی بر خوردار نیست. به نظر می‌رسد نور این مجموعه ی ارزشمند از طریق دریچه‌های موجود در سقف، دالان، راهرو و اتاق‌ها صورت گرفته است. قطر این دریچه‌ها که کار تهویه را نیز انجام می‌داده تقریباً یک متر محاسبه شده است. مصالح بنا شامل سنگ‌های تراشیده و قلوه‌سنگ‌هایی است که در ملات آنها گچ پخته به کار می‌رفته است. معماری این بنا با سازه‌های شهر تاریخی صیمره قابل مقایسه است. این بنا متعلق به دوره ساسانی است.

حصار اصلی قلعه: آثار پی بنا در چهار سوی ساختمان قلعه جای دارد که حصار قلعه را تشکیل می‌دهد. قطر دیوارها حدود ۱/۵ متر است و از مصالحی همچون قلوه‌سنگ و گچ استفاده شده است. دیوار جبهه شمالی که مشرف به پرتگاه ایجاد شده، حدود چهار متر پایین تر از دیوار قلعه است. آثاری از یک بنا با مصالح یاد شده در دامنه تند جبهه شمالی به سمت زیر قلعه ایجاد شده که کاربرد آن مشخص نیست. سفالینه‌های محوطه قلعه غالباً به رنگ نخودی است، پخت کافی نداشته و دارای تزیینات نقش برجسته، طنابی و کنده می‌باشد. سفال شاخص این منطقه، سفال نیش گونی است که به دوره ساسانی تعلق دارد. سبک معماری و مصالح به کار رفته نشان می‌دهد احتمالاً بنا متعلق به دوره تاریخی است. طرح آوار برداری، ساماندهی، نجات بخشی و کاوش محوطه ی

پیرامونی این بنای تاریخی در سال ۱۳۷۷ توسط هیئت باستان شناسی میراث فرهنگی استان ایلام انجام شده است (پیرانی، ۱۳۷۷:).



بنای هزار در



تصویری از بنای هزار در

مجموعه استحکامات قلعه انجیر دینار کوه

قلعه ودژ انجیر در ارتفاعات رشته کوه انجیر و در حد فاصل شهرستان های آبدانان و دهلران واقع شده است. دینار کوه مهمترین دیواره ی طبیعی بخش جنوب غربی فلات ایران و مشرف بر سرزمین های پست جنوب غربی است. مجموعه استحکامات این بنای استراتژیک شامل: دژ، دیوار ها و بناهای متعددی است که در این منطقه ساخته شده است. تا کنون اطلاعات مستندی در زمینه تاریخ ساخت قلعه و کاربرد آن به دست نیامده است. اما این اثر تاریخی همانند ده ها قلعه ودژ استراتژیک، که در معابر غرب زاگرس و خصوصاً در مسیر جاده های باستانی منطقه از گذشته برجای مانده کاربرد دفاعی داشته است (محمودیان، ۱۳۹۶: ۴۷).

سبک بنا با قلعه ودژ شهاق در زرین آباد دهلران، پشت قلعه ی آبدانان و نیز قلعه ی استراتژیک چوار ایلام همخوانی دارد. بنابراین می توان چنین اظهار نظر کرد که قلعه ی انجیر کوه یک قلعه ی نظامی است که ریشه در تاریخ اواخر دوره ی ساسانی و قرون اولیه اسلامی دارد. مطالعه ی تاریخ این دوره و حوادث و رویدادهای تاریخ ایران در این عصر می تواند اطلاعات بیشتری در رابطه با این اثر تاریخی ارائه نماید.

در منطقه آبدانان قلاع دیگری از گذشته برجای مانده که سبک معماری و مصالح به کار رفته در اینگونه آثار با پشت قلعه قابل مقایسه است. قلعه ی سیاه گاو در روستای سیاه گاو متعلق به دوره ی اشکانیان و قلعه ی قلا نو واقع در روستای قلا نو بخش مرکزی، شهرستان آبدانان از دیگر آثار تاریخی منطقه مورد مطالعه می باشد.



بخشی از استحکامات قلعه ودژ انجیر دینارکوه





بخشی از استحکامات قلعه ودژ انجیر دینار کوه عکس از : سجاد نظری

منابع

۱. پیرانی، بیان و.. (۱۳۷۷). گزارش طرح آوار برداری، ساماندهی و نجات بخشی و کاوش محوطه ی پیرامونی بنای هزار درآبدانان ، میراث فرهنگی استان ایلام.
۲. سعادت، محسن، ۱۳۹۶، شهرهای باستانی استان ایلام، نشر زاگرو، ایلام.
۳. لویی واندنبرگ، ۱۳۵۰، کاوش های باستان شناسی در پشتگوه لرستان، مجله باستان شناسی و هنر ایران شماره ۱۶، وزارت فرهنگ و هنر
۴. مترجم، عباس و... (۱۳۸۵). گزارش بررسی و شناسایی آثار تاریخی و فرهنگی شهرستان دهلران، ایلام : میراث فرهنگی و گردشگری.
۵. محمودیان، حبیب اله، ۱۳۹۶، قلعه های تاریخی ایلام، نشر زاگرو، ایلام
۶. (۱۳۹۷)، فرهنگ و تمدن ایلام، نشر زاگرو، چاپ دوم، ایلام
۷. (۱۳۷۷)، بررسی آثار برنزی ایلام و لرستان در هزاره اول ق-م ، سبز رویش
۸. (۱۳۸۲). گزارش فصل اول بررسی و شناسایی آثار تاریخی فرهنگی بخش مرکزی شهرستان آبدانان، میراث فرهنگی و گردشگری.
۹. (۱۳۸۲). گزارش فصل اول بررسی و شناسایی آثار تاریخی فرهنگی بخش مورموری شهرستان آبدانان، میراث فرهنگی و گردشگری.
۱۰. محمودیان، آزاده (۱۳۹۳). آشنایی با معماری ایران ، ایلام : نشر زاگرو.
۱۱. (۱۳۹۱) ، دوران طلایی برنز در زاگرس غربی، زاگرو ، ایلام.
۱۲. (۱۳۹۶)، میراث ماندگار، زاگرو ، ایلام
۱۳. (۱۳۶۵) ، جاده ها و ایل راه های باستانی ایلام ، نشر زاگرو .
۱۴. آرشیو اداره کل میراث فرهنگی ، صنایع دستی و گردشگری استان ایلام
۱۵. اداره ی کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان ایلام.
۱۶. سایت میراث فرهنگی استان ایلام (ilammiras)

رازماندگاری مراکز دادوستد در بافت معماری سنتی شهرهای ایران

دکتر ناصر راد^{۴۰}

چکیده

عناصر معماری و شهر سازی به جا مانده در کالبد شهر به عنوان میراثی ارزشمند و ابزاری برای شناخت فرهنگ و روش زندگی در دوران های مختلف از اهمیت بسزایی برخوردار بوده است. با شناخت اماکن و بناهای تاریخی و تحلیل اصول و اندیشه های موثر بر ساختار و فرم آن ها می توان به فرهنگ و نگرش گذشتگان و روش زندگی آن ها بیشتر پی برد؛ این آثار به جا مانده یکی از شاخص ترین آثار معماری می باشند که ریشه های اصیل و دست نخورده معماری، فرهنگ و هویت هر جامعه ای را در بطن خود جای داده اند. این آثار در ایران نیز همچون نگین هایی به هم پیوسته در شهر های مختلف خود نمایی می کنند. نمونه بارز و ماندگار این آثار تاریخی بازارها هستند که در بافت های قدیمی، برای تولید محصولات صنعتی کوچک، انبار و مبادلات، خرید و فروش و خدمات جنبی بازرگانی فراهم آورده است. در همین راستا به اختصار به بررسی بازار ها و نقش آن ها در ساختار شهری می پردازیم. بافت های قدیمی شهر که هویت تاریخ معماری و شهر سازی گذشتگان را در خود نهفته دارند، به بهانه تعریض خیابان و بهبود ترافیک تخریب گردیده اند. این عناصر اغلب ویران شده اند و جای آن ها ساختمان های بدون هیچگونه رعایت خصیصه های اجتماعی و همساز با اقلیم سر بر آورده اند. در پژوهش پیش رو به بررسی علل این نوع تخریب ها، راه های بهبود هر چه بیشتر بافت های تاریخی، ارایه راهکار برای جایگزین نمودن تفکر حفظ ساختار مرکزی

40- drnaserrad@gmail.com

شهر و همچنین ساختار بازارهای روز و ساماندهی آن‌ها که بخشی از هویت و خاطره جمعی مردم هستند بررسی شده است.

واژگان کلیدی: معماری سنتی، بازار، مراکز دادو ستد، هویت شهری، تیمچه.

مقدمه: عناصر معماری و شهرسازی به جا مانده در کالبد شهر به عنوان میراثی ارزشمند و ابزاری برای شناخت فرهنگ و نحوه‌ی زندگی در دوران مختلف از اهمیت خاصی برخوردار است. شناخت مکان‌ها و بناهای تاریخی و اندیشه‌های مؤثر بر ساختار و فرم آن‌ها، امکان شناخت فرهنگ و اندیشه‌های انسان‌های ساکن در چنین مکان‌هایی را فراهم می‌نماید.

بناهای قدیمی و سنتی در شهرها می‌تواند به عنوان شاخص‌ترین آثار معماری و شهرسازی در ادوار مختلف کشور که ریشه در بطن تفکرات معماری ایرانی اسلامی دارد به عنوان یک ایده کلی برای توسعه پایدار بناهای جدید کشورمان و همچنین ساختار جدید شهرها از سوی معماران و شهرسازان مدنظر قرار گیرد.

امروزه بعد از قرن‌ها از قدمت این بناها هنوز برای نسل حاضر و آینده دارای ارزش معنوی و فرهنگی بوده و انسان در برابر این عظمت فرهنگی علی‌رغم سختی‌ها و مشکلات شرایط زمانی آن، سر تعظیم فرود آورد و برای انسان امروزی قابل تحسین می‌باشد. نارسایی و مشکلات عدیده در نظام شهرسازی و معماری ایران بیشتر به علت بکارگیری مفاهیم و روش‌های ناکارآمد و عدم توجه به مطالعات و تحقیقات کارشناسان در رشته‌های مختلف و عدم بهره‌گیری از یافته‌های علمی در عرصه معماری و شهرسازی سنتی است. کالبد معماری و شهرسازی شهرهای ایران امروز، فاقد هویت بوده و اگر اثر قابل توجهی نیز احداث شود، در اثر بی‌برنامگی و بی‌توجهی مدیریتی پایدار

نمانده و تخریب می‌گردد و این مساله موجب شده است که کارشناسان و متخصصان فن، رغبتی به مطالعه و تحقیق و نوآوری در طرح‌ها نداشته باشند.

علل ماندگاری بناهای سنتی

شرایط کنونی شهرهای ایران و نبود هویت واحد در زمینه معماری و شهرسازی نتیجه دوره‌ای طولانی مدت است که ریشه در سال‌های پیش از انقلاب اسلامی دارد. اما در شرایط کنونی که کشور داعیه بنیان نهادن تمدن ایرانی - اسلامی دارد، توجه به معماری و شهرسازی متناسب با این تمدن باید مورد توجه جدی قرار بگیرد.

بی‌هویتی عاملی است که از نظر معماری و شهرسازی گریبان‌گیر شهرهای کشور شده است. و در این میان آنچه هویت بناهای شهری در شهرهای بزرگ را شکل می‌دهد، بافت تاریخی و مذهبی این شهرهاست.

عناصر معماری و شهرسازی به جا مانده در کالبد شهر به عنوان میراثی ارزشمند و ابزاری برای شناخت فرهنگ، نحوه‌ی زندگی در دوران مختلف از اهمیت بسزایی برخوردار است. در واقع با شناخت اماکن و بناهای تاریخی و تحلیل اصول و اندیشه‌های مؤثر بر ساختار و فرم آن‌ها می‌توان به فرهنگ و نگرش انسان‌هایی که زمانی در آن‌ها زندگی می‌کردند، نزدیک شد. خانه‌های قدیمی و سنتی ایران به عنوان بهترین و شاخص‌ترین آثار معماری، ریشه‌های اصیل و دست‌نخورده معماری ایرانی را در بطن خود جای داده‌اند. خانه‌ها و بناهای تاریخی مانند بازار به عنوان مصادیقی ارزشمند از معماری ایرانی - اسلامی همچون نگین‌های به هم پیوسته در شهرهای سنتی ایران خودنمایی می‌کنند.

وجود بناهای با ارزش تاریخی - فرهنگی در بافت‌های سنتی بیانگر اهمیت تاریخی این شهرهاست و از عناصر هویت بخش به فرهنگ ایران زمین به شمار می آیند. وجود اماکن مذهبی، آب انبارها، خانه‌های تاریخی، تأسیسات عمومی، کاروانسراها، تیمچه‌ها، مکان‌های تجاری همگی بیانگر ارزش تاریخی و معماری شهرهای سنتی هستند. معماری ماکت تاریخ است. یافتن ماهیت رویدادها در دوره‌های تاریخی بیش از همه وابسته به بررسی دست ساخته‌های انسان در آن دوره است.

بازار در بافت تاریخی شهر های ایران

آثار برجای مانده از شهر های باستانی و تاریخی در پهنه فلات ایران، نماد هویت و نظم در ساختار بخش های تشکیل دهنده بافت شهر های سنتی ایرانیان است. بازار بخشی از مکان های تجاری و عرضه کالاها در شهر های سنتی است. در این مبحث می توان به برخی شهر های تاریخی ایران که دارای بازار بوده اند اشاره نمود. بازار کشف شده در بافت شهر تاریخی سیمره در حاشیه جنوب شرقی شهرستان دره شهر از توابع استان ایلام یکی از اینگونه سازه ها است. در جریان کاوش ها و حفاری های علمی این شهر تاریخی، باستان شناسان سازه بزرگ یکی از بازارهای شهر باستانی سیمره با قدمتی حدود ۱۴۰۰ ساله با معماری پیچیده کشف نمودند. اصلی ترین سازه این اثر مربوط به قرون اولیه اسلامی و لایه های پایین تر آن مربوط به اواخر دوران ساسانی است. مجموعه کشف شده شامل: هشت حجره بوده که دارای طاقچه، طاق نما و ستون بوده اند. گچبری هایی با نقوش هندسی و گل و گیاه تزینات این بنا ها را تشکیل داده است. در کاوش های محدودی بازار ظروف منقوش و غیر منقوش سفالی و ظروف شیشه ای بدست آمده است. امروزه آثار متعددی از شهر های ایران در دوران مختلف از دوران ایلامی تا دوران

تاریخی و نیز قرون اولیه اسلامی در کشور برجای مانده که از منظر معماری و شهرسازی دارای اهمیت می باشند.

بازار شهر بیشابورد در استان فارس، بازار شهرهای تاریخی سیروان و جولیان در استان ایلام، بازار ایرانی شهرهای شیراز و کرمان، بازارهای اصفهان، یزد، تبریز، همدان، کرمانشاه، زنجان و دیگر شهر ایران در دوره اسلامی نمونه های ارزشمندی از اینگونه سازه در کشور می باشند که از جهات مختلف دارای اهمیت می باشند.

بازار از اماکن مهم دادوستد

یکی از عناصر اصلی بافت‌های تاریخی، بازار است و به عنوان رکن اصلی تجارت و خدمات هم چنان از پویایی و رونق برخوردار است. بازارهای سنتی شهرهای ایران طوری شکل گرفته‌اند که توانسته‌اند حیات خود را با حفظ ارزش‌هایشان ادامه دهند. بناهای سنتی ما، از حیث فرم و ارتباط‌های درونی و اندرکنش با محیط نه تنها ارتباط عملکردی در داخل بنا بلکه، ارتباط مطلوب با محیط بیرون را نیز تأمین می کرده‌اند؛ معماری ما در کالبد فرهنگ ایران و درازنای زمان به حیات خود ادامه داده و در مقابله با مقتضیات محیط اقلیمی و جغرافیایی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی همچون یک موجود زنده عمل کرده‌است. توازن دینامیکی خود را چه در سطح معماری بناها و چه در سطح بافت‌های شهری حفظ کرده و اگر چه برخی از شرایط محیطی مثل عوامل سیاسی و اجتماعی و باورهای دینی در برهه‌هایی از زمان تغییرات شگرف داشته، اما خاصیت شوک‌پذیری شهرهای سنتی ایران که نشانگر متعالی بودن سیستم آنهاست و موجب شده شهرهای سنتی ایران بتوانند خود را با مقتضیات نوین هماهنگ سازند؛ این

سیستم‌ها تا امروز یعنی تا روزگار سیطره‌ی تکنولوژی جهانی زنده و پویا و متعادل مانده‌اند.

هویت معماری ایرانی

در معماری سنتی، بناهای تاریخی با روح و دارای هویت هستند. گر چه ساختمان‌های امروزی مواد، مصالح و امکانات بیشتری را در خود جای داده‌اند اما در اکثر این بناها هویت ایرانی - اسلامی دیده نمی‌شود.

در رابطه باید پرسید: چرا معماری هویت های ملی خود را از دست داده است؟

اگر از بافت‌های سنتی مانند بازار که در آن هنر، اقتصاد، شهرسازی، معماری و عناصر دیگر به وضوح مشهود است و کماکان فعال هستند را نگهداری کنیم و در دوران خود، مانند گذشتگان دارای فرهنگ معماری و شهرسازی پایدار باشیم، نتیجه آن خواهد بود که بافت سنتی همان گونه که موجب تداوم توسعه ی فرهنگی می‌شود، خودی بودن ما را ممکن تر می‌کند، امکان بازیابی ارزش‌های پنهان را به ما می‌دهد، و در مقابل دگرگونی‌های یکباره تعادل ایجاد می‌کند. نگهداری بافت‌های قدیمی و معماری و شهرسازی این امکان را به ما می‌دهد که در مقابل شوک‌های فرهنگی بیگانه و در مقابل تحولات متعادل تر باشیم. ما با تکیه بر سنت‌های ارزشمند خودمان، هویت مستقل خود را حفظ خواهیم کرد.

بناهای سنتی

بناهای سنتی با توجه به شرایط و مقتضیات زمان طراحی و ساخته می‌شدند. حضور این ارزش‌ها استحکام فرهنگی به ما می‌دهد و اجازه نمی‌دهد با یک شوک منقلب شویم و اگر قرار بود ارزش‌های فرهنگی جدید برای ما بیاید، با شناخت و بررسی تبعات آن و جلوگیری از شوک فرهنگی، آنرا می‌پذیرفتند اما امروز در دوره‌ای چند ساله، چندین

فرهنگ و تحولات را عوض می کنیم. رویدادی که رسوخ عناوینی مانند "خانه های کلنگی" و یا "بافت های فرسوده" در فرهنگ معماری نقش اصلی را در آن بازی می کند.

بناهای نوساز با قدمتی ناچیز تخریب و به جای آن ها برج چندین طبقه با نماهای (سنگ، آجر، کامپوزیت و...) نامتقارن و بی هویت ساخته می شود. طرح جامع تفصیلی که توسط مهندسان مشاور تهیه می شود و هم چنین طرح های مقطعی در افق ده ساله نظام معماری و شهرسازی شهرهای سنتی ما را تغییر داده و هیچ بنایی که جزء اموال ملی کشورمان می باشد در امان نیست و به بهانه تعریض معابر، حل مشکل ترافیک و غیره این بنا را در معرض تخریب قرار گرفته اند و در هر یک از این طرح ها در زمان بازنگری یا تجدیدنظر ایده ی جدیدی مطرح می گردد که جامعه شهری ما را به چالش می کشد و بدون نگاه به گذشته فرهنگ معماری و شهرسازی این مرز و بوم راهکارهای متفاوت عرضه می دارند و این مهم باعث گردیده که اکثر شهرهای سنتی ایران به وسیله توسعه قسمت های جدید از هم گسیخته شوند.

بازار یا مراکز تجاری و محله های مسکونی جای خود را به خیابان های عریض و جدید و مجتمع های آپارتمانی داده اند و بیشتر بخش های مرکزی که هویت تاریخ معماری و شهرسازی گذشتگان را در خود نهفته دارند به بهانه تعریض خیابان و بهبود ترافیک و تأمین خدمات تخریب گردیده اند. عناصر شهر قدیمی اغلب ویران شده و جای آن ها ساختمان های بدون هیچگونه رعایت خصیصه های اجتماعی و اکولوژیکی سر برآورده اند. این موج ویران سازی شامل تمامی بناهای تاریخی از جمله بازار که زمانی محل اجتماع داد و ستد، کانون شورش ها و اعتصابات، سیاست مداری، محل پخش

اطلاعات، مرادوه آشنایی و گاهی نقش مکانی امنیتی را ایفا می‌کرده است، شده در حالی که این مکان‌ها نیاز به تخریب و ویرانی نداشته بلکه بهتر بود، تا تفکر سخت‌افزاری عریض نمودن معابر شهری، احداث پاساژهای بلندمرتبه، در مرکز شهرها جای خود را به تفکر حفظ و ساختار مرکزی شهر و بهبود و توسعه‌ی راهکارهای ترویج پیاده روی و وسائط نقلیه عمومی بدهند.

همچنین کمیسیون‌های ماده ۵ و ماده ۱۰۰ علی‌رغم تلاش برای بهبود و حل مشکلات، عمدتاً زمینه‌ای برای از بین بردن ضوابط و مقررات شهرسازی و ایجاد ارزش افزوده برای اراضی کسانیکه اعتقادی به قانون و فرهنگ و نظام شهری نداشته و ندارند و صرفاً منافع اقتصادی ملاک زندگی آنان است، تبدیل گشته و باعث گردیده که طرح‌های فوق، افق پیش‌بینی شده خود را سپری نکنند و دستخوش تغییرات در تراکم و خدمات عمومی شوند؛ طبق بررسی‌های صورت گرفته بین ۱۵ تا ۳۰ درصد این طرح‌ها تحقق پذیرفته‌اند و بستری فراهم گشته که جامعه شهری اعتقادی به طرح‌های جامع تفصیلی نداشته و بر مبنای نیاز و ارزش افزوده املاک کاربری اراضی را تغییر دهند.

یکی از تبعات این مهم شاید این باشد که امروز شاهد حاشیه نشینی و سکونتگاه‌های غیررسمی در اکثر شهرهای بزرگ و کلان شهرها باشیم و در مقابل کمیسیون‌های ماده صد به علت جلوگیری از تنش‌های اجتماعی عمدتاً به جرائم مالی متخلفین بسنده نموده و نتیجه‌ی این امر آن است که امروز شاهد بناهای ناموزون و نامتجانس در سطح شهرها هستیم.

در شهرهای با بافت قدیمی، بازار دارای محیط‌های مشخص شهری مانند سکونت، تجارت، حکومت و خدمات عمومی منظور شده است و به درستی جانمایی و تمام

مسائل شهرسازی، معماری، اقلیم منطقه، نور، سیما و غیره رعایت گردیده است. در کمتر نقطه‌ای از مناطق شهری دنیا، انسجام بین محیط‌های فوق، در عین جدایی فیزیکی از یکدیگر قابل درک و برداشت است.

بازار به عنوان فضای اقتصادی شهر به همراه مجموعه‌های تحت پوشش و تأسیسات مورد نیاز خود، ستون فقرات شهر را تشکیل می‌دهد. در حالی که در سرچشمه‌ها، انشعابات و محدوده‌های خود با سایر فضاهای شهری و از جمله محلات مسکونی، اتصال یافته است. اگر چه فضای حکومتی نیز جایگاه مخصوص به خود را دارد، برنامه ریزی بخش تأسیسات زیربنایی و عمومی و خصوصیات آن‌ها در بافت‌های سنتی شهری نیز به تبع محیط‌های چهارگانه فوق صورت پذیرفته و هر یک از تأسیسات با درجه بندی و سطح نیازی که از آن‌ها انتظار می‌رود، به گونه‌ای در سطح مناطق مختلف شهری، برنامه ریزی گردیده و با در نظر گرفتن کلیه جوانب با فضاهای شهری شکل گرفته‌اند.

در شهرهای جدید و یا مناطق توسعه شهری بدون در نظر گرفتن تبعات اینگونه کاربری‌های خدماتی مانند کارگاه‌های نجاری و تعمیرگاه‌ها به طور گسترده در سطح شهرهای ایران و در مناطق مسکونی مشهود است که علاوه بر آلودگی صوتی - زیست محیطی مشکلات ترافیکی و سیمای ناموزون شهری در بناها برای شهروندان به وجود آمده است.

در کنار واحدهای تجاری متمرکز اطراف میداین بزرگراه‌ها و بطور کلی در اکثر نقاط مرکزی شهر، تعدادی از افراد جامعه به فعالیت اقتصادی به صورت دستفروشی و دوره گردی مشغول هستند. این قسمت از اقشار جامعه در اثر تحولات سیاسی - اجتماعی ناشی از جنگ، توزیع ناعادلانه ثروت و تورم روز افزون که هر ساله باعث فقیر شدن

تعداد زیادی از اقشار جامعه می گردد و این مشکلات و فشارهای اقتصادی اگر چه بر روی تمام اقشار کشور اثر می گذارد اما این تأثیر بر روی مناطق شهری بسیار شدیدتر بوده به طوری که شاخص های توسعه انسانی را مانند بهداشت، آموزش، تغذیه، مسکن و قدرت خرید مردم با ضعف و نقصان روبرو می شود. از سوی دیگر به موازات افزایش بحران های سیاسی و اجتماعی، اقتصادی، جمعیت رو به افزون شهری مجبور بوده تا به طور گسترده خدمات را پیشه سازد و از این طریق علاوه بر حل مشکل مالی خود به اقتصاد شهری نیز کمک کند.

این بخش از جمعیت در بخش غیررسمی که به عنوان دستفروش یا دوره گرد از آن یاد شد به اشتغال مشغول بوده و در فعالیت هایی نظیر خدمات خانگی، فعالیت های کوچک، کارهای ساختمانی و حمل و نقل فعالیت دارند و این فروشندگان سیال بازارهای موقت پرتراکم در بعضی از نقاط در سطح شهر به وجود می آورند، از نظر فروشندگان دوره گرد، مکان فروش کالاهای آن ها بسیار حائز اهمیت است.

ملاحظات اقتصادی و مکانی به هم گره خورده اند و راز ماندگاری آن ها ارائه خدمات عمومی و ارزان قیمت به شهروندان است. همین مساله موجب شده که مدیریت شهری تاکنون علیرغم برخوردهای فیزیکی، جمع آوری اموال آنان و ایجاد مکان هایی در سطح شهر برای ساماندهی این گونه فعالیت اقتصادی ناموفق بوده است. آنان در سطح شهر و کلان شهرها حضور دائم داشته و در بعضی نقاط شهری باعث ایجاد تراکم جمعیت می شوند. به علت هجوم مردم برای خرید از آنان تبعاتی چون: ایجاد ترافیک، چهره ناموزون شهری، حضور افراد ناباب در بین آنان و عرضه کالاهای قاچاق، مشکلات عدیده ای برای جامعه شهری ایجاد نموده است. این شرایط در بعضی موارد

باعث برخوردهای فیزیکی با مأمورین شهری (سد معبر) و تبعات غیرقابل پیش‌بینی شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد تاریخ دستفروشان در جامعه شهری قدمت دیرینه‌ای دارد. علت عدم موفقیت مدیریت شهری در ساماندهی آن‌ها، عدم کارشناسی کافی در زمینه‌های مختلف بوده لذا، حضور این گروه در سطح شهر به یک واقعیت برای مدیریت شهری تبدیل گردیده و جهت حل مشکل و ساماندهی آنان ضرورت دارد، موارد ذیل مدنظر قرار گیرد:

آسیب‌شناسی، مکان‌یابی مناسب، توزیع آنان در سطح شهر با توجه به نوع فعالیت آن‌ها، مدیریت و نظارت مستمر بر فعالیت آن‌ها، مشارکت دادن آنان در انتخاب مکان و نوع فعالیت، تعامل سازنده با آنان. از جهتی می‌توان فعالیت‌های پراکنده آنان در سطح شهرها که بخشی از واقعیت‌های مهم شهرهای کشورمان می‌باشند را ساماندهی کرد. اگر قصد ما بهبود شرایط خوب شهر و توسعه پایدار و ماندگاری بناهاست، بایستی مراکز خرید مانند (بازار سنتی - بازارهای روز - مراکز تجاری و ساماندهی نماها و منظر شهری) با الهام از الگوی معماری ایرانی - اسلامی ایجاد شوند. استفاده از مصالح بومی، سنخیت معماری با طبیعت و اقلیم منطقه، استحکام بناها که از اصول توسعه پایداری بشمار می‌آیند، مورد توجه قرار گیرد. همچنین معماران و شهرسازان هنگام طراحی بناها و تهیه طرح‌های جامع و تفصیلی تا حد امکان اصول معماری و شهرسازی گذشتگان این مرز و بوم در سرلوحه طرح‌های خود قرار داده و از طرح‌های ناکارآمد و بی‌هویت پرهیز نمایند. علاوه بر این مدیریت شهری و کلان‌کشور در امور معماری و شهرسازی از طرح‌هایی که باعث تخریب و از بین بردن آثار گرانقدر بافت سنتی و بناهای تاریخی که هویت فرهنگی کشورمان می‌باشند اجتناب ورزند. تلاش شود ضوابط تهیه طرح‌های

شهری براساس الگوهای منطقه‌ای و فرهنگ و اقلیم هر منطقه تدوین گردد و از تصمیم‌گیری غیرکارشناسی و جزیره‌ای به جد پرهیز نمایند.

منابع

۱. هیدلر، براندفری (۱۳۸۳)، طراحی شهری، ترجمه حسین بحرینی، انتشارات پردازش.
۲. وزین، غلامرضا (۱۳۷۸)، ساماندهی شهری، انتشارات درخشش.
۳. خاکساری، علی (۱۳۸۸)، محله‌های شهری ایران، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۴. دانشکده معماری و شهرسازی، گروه مرمت و احیاء ابنیه و بافت شهرهای ایران (۱۳۶۸)، تداوم حیات در بافت قدیمی.
۵. ملکی، سعید و توران احمدی (۱۳۸۹)، توسعه فضایی - کالبدی شهر ایلام.
۶. ماهنامه پژوهشی آموزشی اطلاع‌رسانی.
۷. برنامه ریزی و مدیریت شهری (۱۳۸۰)، شماره‌های ۲۹، ۴۹، ۶۰، شهرداری‌ها.
۸. روزنامه شمس، سال ۱۳۸۳.
۹. محتاط، محمدرضا (۱۳۶۸)، سیمای اراک، جامعه‌شناسی شهری.
۱۰. سومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی (۱۳۸۵)، وزارت میراث فرهنگی و گردشگری، کرمان.
۱۱. راد، ناصر (۱۳۷۴)، تاریخ سرزمین ایلام.

چکیده انگلیسی مقالات

An Investigation of the Archaeological Developments of Sirvan city in Historical Times Dr. Habibollah Mahmoodian

Abstract

According to historians, tourists, geographers, and some archaeologists, the ruins located in Sarab Kalan village has been attributed to the ancient city of Sirvan, was the capital of Masabazan province. Although in recent years most of the rooms and other remains of this ancient city have been demolished for various reasons, the study of the architectural style and materials used in the buildings of this settlement, especially the features of two-story buildings, nested rooms and stone walls are of particular importance.

This ancient city is one of the dozens of ancient sites and areas that are found in most areas of Ilam province and in the valleys and plains of the western margin of Zagros. Sirvan has been one of the centers of human habitation in the past which is comparable in terms of architectural style to the ancient city of Seymareh, the present Darehshahr. This article attempts to examine the characteristics and architectural features of this historic city.

KEYWORDS: Sirvan, Tal Sirvan, Government Buildings, Gey Tower, Bankul, Sarab Kalan.

Studying features and specifications of Colorful bricks and glazed bricks in The Elamite Era Dr. Leily Niakan

Abstract

The Elamites were the most famous and influential inhabitants of the third millennium BC in the south and southwestern parts of the Iranian plateau. Remains of Elamite culture other than material, product, style, and skill of construction often display symbols of religious beliefs and rituals that flourished on the plateau of Khuzestan and Fars for thousands of years and in constant interaction with neighbors, rivals. And they were their enemies. Apart from the external elements, Ilam's intercultural developments were influential in the evolution of the structure and evolution of its social systems. Geographical backgrounds, artistic ideas, religious beliefs, political contexts, and the economic potential of the Elamites were instrumental in shaping their material culture and especially their architecture. The memories that we know of the Elamites today in Haft Tapeh, Shush, Choghazanbil and Mellin are reflections of the truth that we have told. Elamite architecture formed in the mid-desert and arid climates of part of the vast expanse of the Near East. In this area scarce stone and wood but high quality clay were available for the construction of clay and mud. Apparently simple in the later stages of evolution, the material was initially harder, more durable, more flexible, and decorative in the name of brick, and then, by recognizing the glaze and the way it was made, applied a more durable yet artistic element to the tile prototype. Nowadays it is available to artisans. In recent decades, with the discovery of glazed bricks in some of the ancient sites of the Elamite era, a new chapter in the history of architectural ornamentation in ancient times has been opened to artists and archaeologists. The glazed bricks, which have been acquired over the past few decades and are now housed in the National Museum

of Iran, the Haft Tapeh Museum and the Louvre Museum, are on display.

Keywords: Ilamian, Susa, Haft Tapeh, Choghazanbil, Melian.

Relationship of Arata Civilization with Eastern Mesopotamian Civilizations and Karkheh River Basin Dr. Parisa Pourmohammadi

Summary

The Iranian Plateau has long been a habitat for humanity and a cradle of civilization and culture due to geographical conditions. Climatic diversity, water resources, existence of Alborz and Zagros Mountains, marginal plains, especially coasts of Persian Gulf in south and southwest of Iran have created favorable conditions for human life in this land. Living and settling in many different villages and settlements in this area has led to the creation of the oldest human civilizations.

Multiple intestinal flows in the western and eastern Zagros Mountains range of Kerman (Halilrud Basin) east to Karkheh River and Duyrraj River in the Musian and Dehloran area west of the Iranian plateau have led to southern Iran and the Persian Gulf. Find a suitable position for settlement. This area has been the cradle of various civilizations since ancient times. Comparison of discovered pottery from the hills of Halilrud basin with Susa pottery shows the civilizational relationship of Kerman residents with southwestern Iran. This paper attempts to study the documentation of the relation between Karkheh River Basin Civilizations and the Halilud River Basin Civilizations.

Keywords: Arata, Halil Rud, Ali Kosh Tappe, Musian, Erbela, Zagros.

Feasibility of deploying a GIS for integrated management of the country's historical monuments

Mohammad Javad Khanzadi, Dr. Omid Ali Adeli,

Abstract

The lack of an information system for the integrated management of monuments registered in the National and World Heritage List is felt in the National Heritage Organization. The GIS is an important tool in the management of historical data that can help to better manage historical artifacts by enabling the integration of data from different sources. In this research, a library-based method was used to collect and compile theoretical literature and a researcher-made questionnaire was designed to answer the questions of the questionnaire on a five-point Likert scale) very low (۱ - and very high (۵ - for measuring variables. The statistical population of this research includes the managers and experts of the Deputy Cultural Heritage of the country and the experts responsible for registering the provincial works.

The sampling method in this study is a cluster-appropriate population with a sample size of 59 using Cochran formula. In this study, descriptive analysis of data was used for statistical analysis such as mean, standard deviation and variance, and inferential statistics such as one-way T-test. Given the infrastructure needed to deploy the GIS at the Ministry of Cultural Heritage, the system will be enhanced by improving systems and processes, as well as enhancing staff awareness of the unified management of the country's monuments.

Keywords: Integrated Management of Monuments, GIS, Cultural Heritage, Improving Systems and Processes, Promoting Staff Awareness.

Examination of architectural and archaeological features

Abdanan historical fortress Azadeh Mahmoudian, Zeinab Lotfi

Abstract

The land of Iran is located in a region of West Asian land that has a favorable geographical location. These conditions have long been the habitation of humans and the cradle of civilization and culture. Archeological research and excavations show that numerous artifacts from different eras have been preserved throughout the land that are considered valuable treasures of Iran's past history. The geographical location of this region as the central plateau communication gateway to the neighboring lowlands, the Mid-Rivers, seems to have been influential in many ways. However, the availability of food sources, favorable climate and water resources in this process cannot be ignored.

Historical monuments including: towns, bridges, castles, fireplaces, mills, inns, etc. Most of these monuments form part of the study area in the western part of Zagros due to passages and the historic roads with the land of Mesopotamia are more abundant. Therefore, this paper attempts to introduce examples of these buildings (governmental and military structures) within the geographical area of Abdanan from Ilam province. The architectural and archaeological features of these works have been the focus of this study.

KEYWORDS: Fortress, Abdanan, Kabir Kuh, Murmuri, Julian, Sis.

Trading centers in the traditional architecture of Iranian cities Dr. Nasser Rad

Summary

The architectural and urban elements left in the city as a valuable legacy and tool for understanding the culture and way of life in different eras have been of great importance. By recognizing the sites and monuments and analyzing the principles and ideas influencing the structure and Their form can be understood more in the culture and attitudes of their ancestors and in their way of life; these surviving works are one of the most prominent architectural works that trace the original, intact origins of architecture, culture and identity within each community. In Iran, they also appear as interconnected images in their various cities. A prominent and lasting example of these are the historical monuments of the markets, which in the old textures, have provided a well-developed textile fabric for the production of small industrial products, warehouses and exchanges, trading and auxiliary services. And their role in the urban structure. In most of the old cities of Iran, with the development of new urban areas, we see a breakdown. In the old textures of the city, where the identity of the architectural and urban history of the past lies, they were demolished on the pretext of street widening and improved traffic; these elements were often destroyed and replaced with buildings without any social or climate-friendly features. In the present study, we investigate the causes of these types of demolitions, ways to improve the historical texture as well as the mystery of the permanent existence of these buildings despite the hardware thinking of widening the urban passages, eliminating the population, reducing the traffic in the downtowns. Solutions to replace the idea of preserving the central structure of the city, improving and expanding its pedestrian and public transportation strategies, as well as exploring the structures of day markets and

their organization that are part of the collective identity and memory of the people are explored. .

KEYWORDS: Traditional architecture, market, trading centers, sustainability.

In this issue you read:

- 1- An Investigation of the Archaeological Developments of Sirvan city in Historical Times
Dr Habibollah Mahmoodian
- 2- Studying features and specifications of Colorful bricks and glazed bricks in The Elamite Era Dr. Leily Niakan
- 3- Relationship of Arata Civilization with Eastern Mesopotamian Civilizations and Karkheh River Basin Dr. Parisa Pourmohammadi
- 4- Feasibility of deploying a GIS for integrated management of the country's historical monuments . Mohammad Javad Khanzadi, Dr. Omid Ali Adeli,
- 5- Examination of architectural and archaeological features Abdanan historical fortress
Azadeh Mahmoudian, Zeinab Lotfi
- 6- Trading centers in the traditional architecture of Iranian cities Dr. Nasser Rad

General article features

The articles should be the result of authors' studies.

The article should not be published in another publication

The publication of the paper is subject to the final approval of the quarterly editorial board.

Acceptance of the paper for printing, after approval by the jury.

Responsibility for the content of the article is the responsibility of the author (s).

The magazine is free to edit its literary and technical content without altering its content.

The article should not be larger than the 20 standard pages of the Quarterly.

The full name of the author, grade, university, place of teaching or education, field of study and telephone number of the author are added on separate pages.

Submission of the article is possible only through the e-mail of the Ilam Studies Department.

The titles of tables, images, maps, drawings and charts are listed below with the number (description and mention of the source).

Paper structure

the article should have the following structure:

Abstract, introduction, original text, conclusion, writing, sources and abstract.

Title: The overall title of the article is in a way that expresses the content of the article.

Author's Specifications: Includes name, family, degree, academic degree, and field of study, university where it is taught or studied.

Abstract: A comprehensive description of the article with limited terms, including: problem statement, purpose, research method and research findings. It should be noted that the abstract of the article should not exceed 200 words (12 lines).

Key words: It contains 4 to 7 specialized words that are important.

INTRODUCTION: The main issue is the main problem and the purpose of the research; in this section, research findings in the area of the problem should be briefly discussed.

Original text: Contains the main text of the article and can be associated with the table, image, and graph.

Conclusion: Includes Summary and Conclusion

Writing: Important statements which comes after conclusion

Sources: listing article references based on journal structure

English abstract: English abstract should be exactly the translation of the Persian abstract

Text style

the article should be written with the font B zar and the size 13, the distance between the lines of 1.15 (single) and in the word format.

Abstract, key words, references in parentheses, poems, and any thing that comes in parentheses should be written in size 11.

Direct transcripts of more than five rows, should be come apart from the original text, with a centimeter indent on each side and with the same font, but with a size of 11.

Referrals to resources

References in the article should be documentary and based on valid evidences.

Reference inside the text: Author's surname, year of publication: page number(s),

Farsi example: (Negahban, 54: 1376), Latin: (Smith 1999: 33)

Reference to the book in the section of the final references:

surname of the author, author's name, date of publication (in parentheses), title of the book, name and surname of the translator or editor, volume, print edition, publisher's name, Place of publication.

Reference to the article: author's surname, author's name, date of publication of the work (in parentheses), the title of the article (in parentheses), the name of the author or translator, the main title of the encyclopaedia or the journal, the period or year of publication, Number of article pages.

Reference to the thesis: The author's surname, the author's name, the year of defense (in parentheses), the title of the thesis,

The defense grade, the name of the supervisor, the name of the university and the school of study.

Reference to historical documents: title of document, classification and access number, name of book archive

Referrals to Internet sites: Surname of the author, author's name, date of entry in the website (in parentheses), title of article or work (in parentheses), electronic address of the website.

The sources of the paper are arranged alphabetically and based on the author's surname; the sources mentioned at the end of the article are the same sources used within the text.

The title of books and articles in the sources of the end of the article should be mentioned completely. Non-Persian sources should bring after Persian sources.

Note: All papers received will be judged by two judges

Referees this issue:

Dr. Leyla Khosravi

Dr. Ardeshir Javanmard Zadeh

Dr. Masoud Shadman

Dr. Khodakaram Mazaheri

Dr. Soheila Darvishi

Dr. Siavash Yari

Dr. Habib Shahbazi Shiran

Dr. Ali Khaki

Editorial board:

Dr. Reza Ahmadi

Specialty: Forestry

Dr. Parisa Pourmohammadi

Specialty: Archaeological

Dr. Ardeshir Javanmard Zadeh

Specialty: Archaeological

Dr. Shahin Heidari

Specialty: Architecture-Energy

Dr. Haji Karimi

Specialty: Geohydrology

Dr. Reza Khani

Specialty: English Language and Literature

Dr. Ali Khaki

Specialty: Structural Architecture

Dr. Leyla Khosravi

Specialty: Archaeological

Dr. Soheila Darvishi

Specialty: Archaeological

Dr. Frangis Darvishi

Dr. Naser Rad

Specialty: International Relations

Dr. Masoud Shadman

Specialty: History, Civilization, Nations

Dr. Habib Shahbazi Shiran

Specialty: Archaeological

Dr. Gholam Hossein Karimi Dousan

Specialty: Linguistics

Dr. Habibollah Mahmoodian

Specialty: Archaeological

Dr. Ebrahim Moradi

Specialty: Archaeological

Dr. Khodakaram Mazaheri

Specialty: Archaeological

Dr. Lily Niakan

Specialty: Archaeological

Dr. Siavash Yari

Specialty: History of Islam.



Quarterly Ilamology Studies

Quarterly Specialty Number 12 * third year* autumn 1398

Owner and responsible manager: Dr. Habibollah Mahmoudian

Editor: Dr. Siavash Yari

Managing Director: Azadeh Mahmoudian

Consultant: Engineer Dr. Reza Khani

Persian editor: Hasan Afshar

English Editor: Dr. Parisa Pourmohammadi

Review Page: Masoumeh Safaeinia

License number: 78809 1395/10/6

Publisher: Zagro Publishing

Number: 500

Baha: 250,000 Rials

Address: Quarterly: Ilam, Ashrafi Esfahani Ave., Third Alley, No. 217

Postcode: 6931858315 - Phone: 08433334318

E-mail: habibmahmoodian@yahoo.com